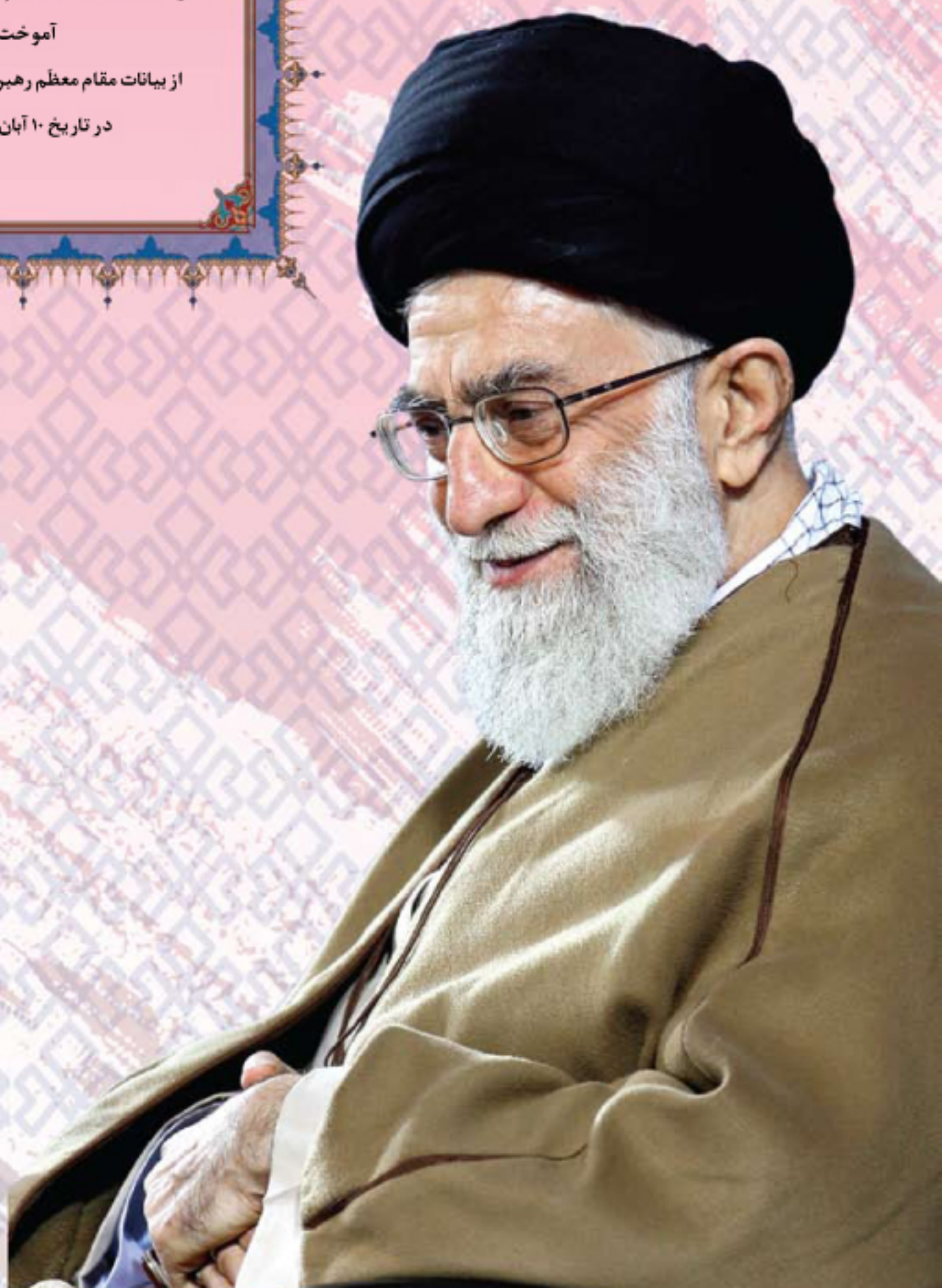


ممکن است دشمنان، مراجع بزرگ تقلید را گاه از لحاظ علمی تخطئه کنند؛ اما از لحاظ تقوایی نمی‌توانند. مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم نمونه‌ای از این مراجع بزرگوارند. خدای متعال کسانی را که از لحاظ تقوا اشکال داشتند، رسوا کرد. فقاہت یک روش و شیوه استنباط است: علم است. این علم را باید آموخت.

از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

در تاریخ ۱۰ آبان‌ماه ۱۳۷۴





فهرست

سخن نخست ۴

زندگی نامه ۵-۱۲

گفت و گو با آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی ۱۳-۱۶

آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی؛ عالمی زمان شناس ۱۷-۳۰

روش تفسیری آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی ۳۱-۶۸

مشی آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی در فلسفه و فقه ۶۹-۹۴

آیه الله العظمی السیدعزالدین الزنجانی؛ مرآة للعلوم الإسلامية ۹۵-۱۰۶



سال پنجم، شماره هفتاد و دوم، ۵ اسفندماه ۱۳۸۸
ویژه نامه بزرگداشت آیت الله العظمی سید محمد عزالدین حسینی زنجانی

مدیر مسئول: عیسی علیزاده

سر دبیر: طاهره خیرخواه

دبیر تحریریه: غلامرضا حسین پور

مدیر اجرایی و هنری: احسان حسینی

هیئت تحریریه:

محمد پارسائیان، حمیدرضا یونسی

ابوالفضل عنابستانی

گروه عکس: سید محمد نمازی

نقی خوش خلق، پیام اکبری، فضیلت سوخکیان

حسن آقامحمدی



نشانی نشریه:

تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیک نشریه: Rayeh@iqna.ir

تلفن: ۶۶۴۷۰۲۱۲-۲۱-۰۹۸

این شماره از دریاچه با مشارکت و حمایت شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تدوین و منتشر شده است.

سخن‌های خسته

روزگارانی بود با صفا و فراموش نشدنی. از آن رفیق شفیق چندان اطلاعی ندارم ولی از حضرت آیت‌الله چرا.

... بعدها که در مشهد رحل اقامت افکندند باز هم والد معظم به دیدار ایشان می‌رفتند. بین آنها انس و الفتی بود؛ هم انس و الفت علمی و هم انس و الفت روحی. دیگر من بزرگ شده بودم و در این دیدارها شرکت نداشتم ولی همیشه از جریان ملاقات جویا می‌شدم. اخیراً نیز که پدرم به دیدار معبود شتافت تسلیتی مرقوم و ارسال فرموده بودند. نام و یاد ایشان همیشه مرا با خاطرات خوشی پیوند می‌دهد. یاد پدرم رازنده می‌کند و روح مرا به پرواز درمی‌آورد.

معظم له فیلسوفی توانا و فقیهی جامع و مفسری بزرگ‌اند. جای بسی خرسندی است که خبرگزاری قرآنی ایران (جهاد دانشگاهی) ویژه‌نامه‌ای را به این عالم عامل اختصاص داده است تا هم تجلیلی از شخصیت برجسته ایشان باشد و هم نسل جوان و پویای ما با چنین دانشمندان و عالمان دینی آشنا گردند.

برای حقیر افتخار بزرگی است که این چند سطر را در ادای دین به این مرجع دینی قلمی کنم. صحت و طول عمر ایشان را از درگاه احدیت مسئلت دارم.

علی منتظری

استاد پژوهش، عضو هیأت علمی

جهاد دانشگاهی

آشنایی من با حضرت آیت‌الله العظمی عزالدین زنجانی با خاطرات دوران کودکی گره خورده است. در سال‌های دور هرگاه که تابستان همراه والد معظم از قم به زنجان سفر می‌کردیم تقریباً در طول مدت اقامت همه‌روزه یا یک روز در میان در بیرونی منزل معظم له حضور می‌یافتیم. برای کودک خردسالی که از مباحث علمی و سؤالات دینی مراجعان بهره‌ای نداشت به جز فضای سنتی و پرنشاط آن بیرونی قدیمی و گاه شیطنت‌های کودکانه خاطرات زیادی باقی نمانده است، اگر چه معظم له همیشه با بزرگواری مخصوص به خویش به نحوی مشی می‌کردند که کودک خردسال نه تنها احساس خستگی نکند که حتی احساس شخصیت هم بنماید.

به شیوه علمای سلف درب خانه ایشان به روی همه مراجعان باز بود. از روحانی و واعظ و طلبه گرفته تا شهری و روستایی همه و همه می‌آمدند و حاجات خویش را مطرح می‌کردند.

حضرت آیت‌الله بسیار مقید بودند که بازدید دیدار پدرم را به جا آورند. لذا معمولاً روزی هم به کلبه عارفانه و زاهدانه عموی بزرگوارم (رحمة الله علیه) که محل سکنی و استقرار ما در طول مسافرت بود، تشریف فرما می‌شدند. گویا در همین بازدید بود که ایشان اصرار داشتند پدرم برای یک وعده هم میهمان خصوصی ایشان باشند. در میهمانی معمولاً به اندرون هم راه پیدا می‌کردم و با یکی از آقا زاده‌ها که تقریباً هم‌سال و رفیق بودیم، بازی می‌کردیم.



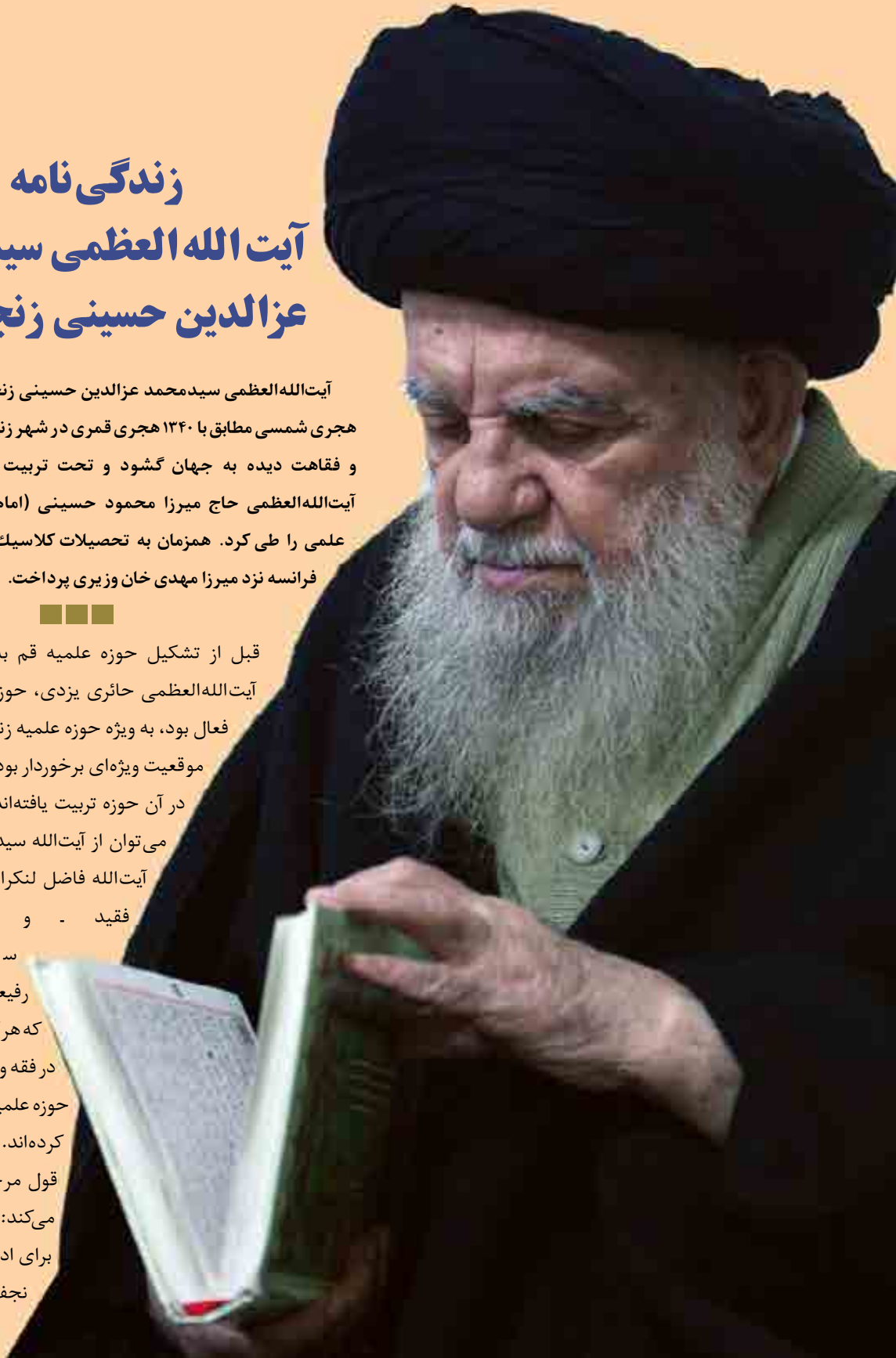
زندگی نامر

زندگی‌نامه آیت‌الله العظمی سید محمد عزالدین حسینی زنجانی

آیت‌الله العظمی سید محمد عزالدین حسینی زنجانی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق با ۱۳۴۰ هجری قمری در شهر زنجان و در بیت علم و فقاہت دیده به جهان گشود و تحت تربیت والد بزرگوارش؛ آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمود حسینی (امام زنجانی) مدارج علمی را طی کرد. همزمان به تحصیلات کلاسیک و فراگیری زبان فرانسه نزد میرزا مهدی خان وزیری پرداخت.



قبل از تشکیل حوزه علمیه قم به وسیله مرحوم آیت‌الله العظمی حائری یزدی، حوزه‌های بلاد ایران فعال بود، به ویژه حوزه علمیه زنجان در منطقه از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و بزرگانی در آن حوزه تربیت یافته‌اند. از شمار ایشان می‌توان از آیت‌الله سیدیونس اردبیلی و آیت‌الله فاضل لنکرانی - پدر مرجع فقید - و آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی نام برد که هر کدام از این بزرگان در فقه و اصول و فلسفه از حوزه علمیه زنجان استفاده کرده‌اند. آیت‌الله زنجانی از قول مرحوم والدش نقل می‌کند: «هنگامی که من برای ادامه تحصیل روانه نجف اشرف شدم؛



من تا پایان مباحث الفاظ بودم. بعد شنیدم که در ادامه بحث آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری در درس ایشان شرکت می فرموده است.»

آیت الله زنجانی کتاب «اسفار اربعه» را یک دوره به جز مباحث جواهر و اعراض در محضر حضرت امام خمینی (ره) خواند. در یکی از سفرها مرحوم والدش از امام خمینی (ره) درباره وی سؤال می کند، امام (ره) می فرماید: «ایشان بسیار خوش فهم و خوش قریحه هستند.» آیت الله زنجانی می گوید: «در ایامی که در محضر امام (ره) مشغول بودیم، یکی از منصرفین کتابی منتشر کرد به نام اسرار هزار ساله که در این کتاب به زیارت و احکام اسلامی حمله کرده بود. ما طلبه های جوان با شور و حرارتی به محضر مراجع رفتیم، تا برای پاسخ به این کتاب اقدام کنند، مخصوصا به محضر آقای حجت شرفیاب شدیم، ایشان فرمودند نباید به این گونه کتاب ها اعتنا کرد؛ الباطل یهجر بترك ذكره. بالاخره خود امام خمینی (ره) از وجود این کتاب مطلع شدند، درس اسفار

را تعطیل فرمودند و پانزده روز جواب شبهات آن کتاب را نوشتند به نام کشف الاسرار که مکرر چاپ شده است. وقتی که بنده به درس امام خمینی (ره) می رفتم ابتدا معظم له از منظومه تدریس و سپس از اسفار فرمودند و از ابتدای اسفار جمعی هم در درس معظم له شرکت می کردند، از جمله آیت الله سیدرضا صدر و آیت الله مهدی حائری و آیت الله فکور و مرحوم شیخ عبدالجواد

اصفهانی. در سال ۱۳۲۵ علامه طباطبایی از تبریز که وارد قم می شوند، مرحوم والد هم در قم مشرف بوده اند، به من فرمودند که آقای قاضی تشریف آورده اند (در آن زمان علامه به شهرت خانواده ای «قاضی» معروف بودند) حتما از محضر ایشان استفاده کنید، بسیار مغتنم است. بلافاصله به محضر ایشان رفته و تقاضای درس کردم. در جواب فرمودند: هنوز کتاب های من از تبریز نیامده، بنده کتاب خود را در اختیار استاد گذارده و اولین درس اسفار استاد در قم با شرکت مرحوم حاج شیخ جواد خندق آبادی و عالم بزرگوار حاج شیخ علی اصغر کرباسچیان و بنده شروع شد.»

آیت الله زنجانی از محضر آیت الله شیخ مهدی مازندرانی که از علمای بزرگ قم ولی گمنام بود، مقدار زیادی از اسفار را خواند. پس بدینسان آیت الله زنجانی یک دوره از امام خمینی (ره) و یک دوره از علامه طباطبایی و نصف دوره از حاج شیخ مهدی مازندرانی کتاب اسفار

چون عالمان بزرگی را در زنجان درک کرده بودم؛ مثل مرحوم آخوند ملا قربان علی زنجانی و آقا شیخ زین العابدین عابدی که از شاگردان میرزا آخوند خراسانی بودند و مرحوم حاج شیخ غلام حسین فقیه زاده که هر کدام استوانه علم و تقوی بودند، محیط نجف اشرف چندان مرا نگرفت تا این که سؤال کردم آیا اساتید نجف غیر از معروفین کس دیگری هست؟ گفتند مدرسی است که در منزل تدریس می کند، رفتم به درس ایشان دیدم این درس است که (تشدد الیه الرحال) و آن علامه محقق نائینی بود.»

مهاجرت به حوزه علمیه قم

پس از ورود به قم به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی حجت در فقه و اصول حاضر می شود. از اول اصول تا اواخر استصحاب و در فقه از اول خیار مجلس تا آخر خیارات و یک دوره صلاة که حدود

سیزده سال طول می کشد. پس از گذشت چند سال

از ورود آیت الله زنجانی، آیت الله العظمی

بروجردی در قم اقامت و درس خویش را

شروع می کند. آیت الله زنجانی در دروس

وی شرکت می کند، در اصول از ابتدا تا

اواسط ظن و در فقه کتاب اجاره و بخش

اعظم صلاة را استفاده می کند و نیز در درس

اصول آیت الله العظمی صدر یک دوره

حاضر می شود.

وی همچنین از محضر آیت الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری

خارج مباحث الفاظ را استفاده کرده است. آیت الله زنجانی جریان

شروع درس نزد این استاد را چنین بیان می کند: «مرحوم والد به جهت

زیارت به قم مشرف شدند و تمام مراجع و بزرگان به دیدن ایشان آمدند

و از جمله مرحوم آیت الله حاج سیداحمد خوانساری پس از رفتن

ایشان به من فرمودند: آیا از محضر ایشان استفاده می کنی؟ در پاسخ

گفتم: ایشان منزوی هستند و ارتباط چندانی با حوزه ندارند. در جواب

گفتند در مواقع بازدید از ایشان تقاضا می کنم و حتما باید از وجود

ایشان استفاده شود. به هنگام بازدید والد مسئله درس را طرح

فرمودند، معظم له با تواضع فرمودند آقای حجت هستند و نیاز به من

نیست، ولی حضرت والد فرمودند باید از محضرتان استفاده کند، با

اصرار ایشان پذیرفتند و از اول مباحث الفاظ درس را شروع فرمودند. در

ابتدای درس، من بودم و برادرزاده خودشان مرحوم سیدفضل الله و



آیت الله زنجانی از محضر آیت الله شیخ مهدی مازندرانی که از علمای بزرگ قم ولی گمنام بود، مقدار زیادی از اسفار را خواند. پس بدینسان آیت الله زنجانی یک دوره از امام خمینی (ره) و یک دوره از علامه طباطبایی و نصف دوره از حاج شیخ مهدی مازندرانی کتاب اسفار را خوانده است

سال ۱۳۴۶ که از ایشان دعوت شد برای استراحت به زنجان رفت. آیت‌الله زنجانی در این باره می‌گوید: «در مدت اقامت قم با دو نفر هم بحث بودیم، اولی شهید آیت‌الله مطهری و دیگر آیت‌الله حاج آقا عبدالحسین حائری که از نوادگان دختری آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و سرشار از ذوق و استعداد فوق‌العاده بود، به گونه‌ای که ایشان قبل از بلوغ مجتهد بودند و مدت بسیاری درس مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حجت و معقول را با

ایشان مباحثه می‌کردم.»

از خاطرات دوران قم، گرفتاری آیت‌الله زنجانی به مرض حصه است که در این باره می‌گوید: «آن زمان مبتلا به حصه شدم و داروهای جدید امروزی آن زمان کشف نشده بود و کسی مبتلا می‌شد با سختی و مدتی طول می‌کشید تا بهبودی حاصل شود. در این گرفتاری مرض دو نفر از بزرگان بسیار مرا مورد تفقد قرار دادند: اول

مرحوم امام خمینی (رضوان الله علیه) بود که هر روز به منزل تشریف می‌آوردند تا این‌که حال من بدتر می‌شود با تأکید ایشان مرا به بیمارستان سهامیه که آن زمان در کنار بیمارستان فاطمی بود منتقل می‌کنند. و در منزل هم وضع رختخواب من چندان مرتب نبود، دستور دادند از منزل خودشان رختخواب مناسب آوردند. دوم مرحوم آیت‌الله حاج سیداحمد زنجانی بودند که در آن ایام بسیار لطف و محبت می‌فرمودند. پس از بهبودی به من فرمودند: در

را خوانده است و می‌گوید بنای اولیه کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم در منزل ما نهاده شده و بعدها هم ادامه داشت. پس از فراگیری از خرمن پرفیض این استوانه‌های علم و تقوی، برای استفاده بیشتر عزم نجف می‌کند و با استاد بزرگوار علامه طباطبایی مشورت می‌کند. علامه می‌فرماید: «در شرایط کنونی سفر شما به نجف تحصیل حاصل است.»

علامه طباطبایی به آیت‌الله زنجانی بسیار علاقه و در

مواقع مختلف مقام علمی ایشان را بیان می‌کرد. در

مصاحبه تلویزیونی علامه طباطبایی که در

اواخر عمر شریفشان انجام شد، هنگامی که

خبرنگار سؤال کرد از شاگردان برجسته

خود به چه کسانی می‌توانید اشاره کنید،

در پاسخ پس از شهید مطهری از ایشان به

عنوان حاج سیدعزالدین امام یاد فرمود.

حجت‌الاسلام حاج شیخ عبدالحمید

قائمی که از فضلا و علمای به نام زنجان

بود، نقل می‌کرد که پس از انقلاب من در محضر علامه طباطبایی

بودم به مناسبتی مسائل زنجان مطرح شد، علامه چنین فرمود:

«مقام علمی حاج سیدعزالدین برای مردم مجهول است، ایشان

بسیار زحمت کشیده و دارای مراتب عالی علمی هستند.»

علامه طباطبایی دو مرتبه به زنجان سفر کرد و در هر کدام بیشتر از

یک ماه توقف داشت. دفعه اول برای تسلیت به خانواده آیت‌الله

زنجانی پس از فوت مرحوم والدشان در سال ۱۳۳۵ و دفعه بعدی در



آیت‌الله العظمی حسینی زنجانی پس از سال‌ها تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم به نجف اشرف عزیمت کرد و ماه‌ها در دروس آیات عظام سیدعبدالهاده شیرازی و سیدابوالقاسم خوئی و خصوصاً سید محسن حکیم شرکت می‌کرد







روزهایی که حال شما خوب نبود و شما در حال اغما بودید مرتباً می‌گفتید عبدالرحیم قصیر، آن بزرگوار فرمودند: من فکر کردم تکرار این نام رازی دارد، شبانه کتاب عروۃ‌الوثقی را نگاه کردم، دیدم نمازی برای قضاء حوائج از عبدالرحیم قصیر نقل فرموده، همان شب غسل کردم و آن نماز را خواندم و فردای آن روز حال شما رو به بهبودی می‌گذازد.»

تحصیل در نجف اشرف

آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی پس از سال‌ها تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم به نجف اشرف عزیمت کرد و ماه‌ها در دروس آیات عظام سیدعبدالهادی شیرازی و سیدابوالقاسم خوئی و خصوصاً سیدمحسن حکیم شرکت می‌کرد، در حالی که خود از مجتهدان مطرح حوزه علمیه بود. آیت‌الله‌العظمی حکیم به ایشان توجه و احترام داشت تا این‌که در پی بیماری والدش، حسب‌الامر آن مرحوم به ایران (زنجان) مراجعت می‌کند.

بازگشت به زنجان و تصدی امور شرعی

پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد حسینی زنجانی، والد آیت‌الله سیدعزالدین در سال ۱۳۳۵، وی به جهت اداره مسجد جامع که به مسجد و مدرسه «سید» معروف است، در زنجان مستقر شد و در آن مسجد، نماز جماعت و جمعه را

اقامه می‌کرد. لازم به ذکر است در زنجان نماز جمعه به وسیله اجداد آیت‌الله زنجانی اقامه می‌شده است و این منصب در اولاد و احفاد ایشان بوده تا زمان رضاخان که آیت‌الله‌العظمی میرزا محمود حسینی زنجانی قطع نظر از اراده حکومت نماز جمعه را می‌خواند کما این‌که ایشان در مجلس مؤسسان راجع به تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی جلسه را ترک کرده و رأی نداده بود و نیز خلف ایشان هم براساس نسبت خانوادگی علاوه بر اقامه جماعت، نماز جمعه را تا وقتی که در زنجان بود، اقامه می‌کرد.

همچنین حوزه درس خارج ایشان به طور مرتب در زنجان دایر و محور بحث فقه کتاب وسیلة‌النجاة آیت‌الله‌العظمی اصفهانی بود و به همین مناسبت بر غالب ابواب وسیلة‌النجاة تعلیقه دارند و نیز کتابخانه‌ای در مرکز شهر به نام «کتابخانه حسینی» تأسیس کرده که

هم‌اکنون یکی از کتابخانه‌های فعال شهر است.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در زنجان و مشهد

در ۱۷ خرداد سال ۱۳۴۲، در پی نهضت امام راحل عظیم‌الشأن، علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرده و دستگیر می‌شود و به همراه علمای مبارز از جمله استاد شهید مطهری و شهید هاشمی نژاد و آیت‌الله مکارم شیرازی و مرحوم محمدتقی فلسفی به مدت ۴۵ روز در زندان بود. پس از آزادی از زندان در مسائل سیاسی و اجتماعی فعالیت داشت. در سال ۱۳۵۰ که شاه مخلوع از «اپک» مراجعت می‌کند، وی در پی ایراد سخنرانی شدیدالحنی علیه شاه به واسطه «منوچهر آزمون» رئیس اوقاف وقت مجبور به ترک زنجان می‌شود و از آن تاریخ در جوار مضجع منور حضرت ثامن الحجج (ع) اقامت کرده و در حوزه علمیه مشهد مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و تفسیر، حکمت و عرفان اشتغال می‌ورزد.

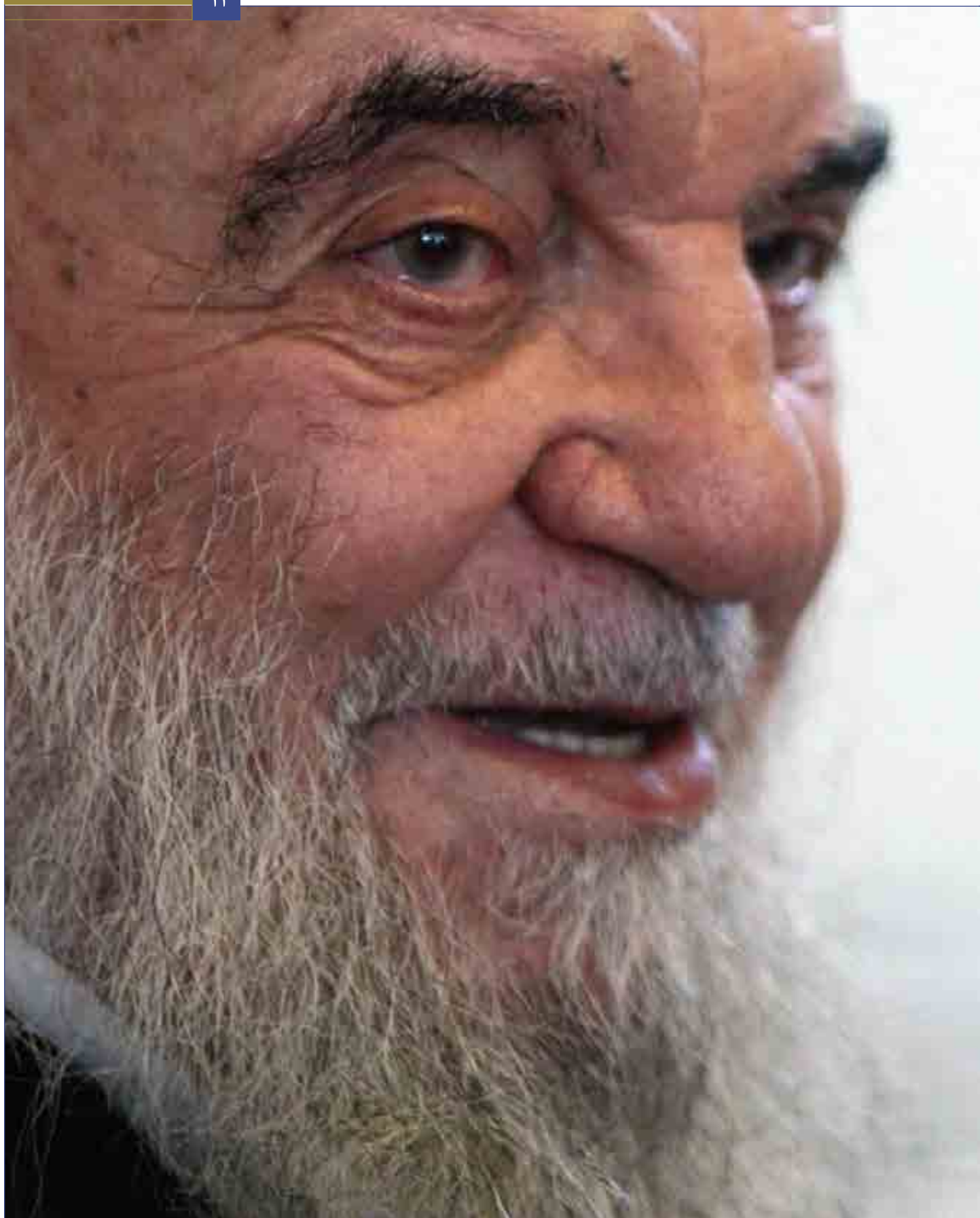
در ایام نزدیک به پیروزی انقلاب از اوایل سال ۱۳۵۷ در طول مدت اقامت در مشهد نیز به مبارزات خود ادامه داده به همراه و با همکاری نزدیک و صمیمانه با علمای مشهد در حوادث و وقایع مختلف علیه رژیم نامشروع ستمشاهی اعلام مواضع می‌کرد. در این میان ذکر بعضی از اهم فعالیت‌های این عالم مبارز در مبارزه با رژیم سفاک پهلوی لازم به نظر می‌رسد:



آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی در ۱۷ خرداد سال ۱۳۴۲، در پی نهضت امام راحل عظیم‌الشأن، علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرده و دستگیر می‌شود

۱- در تاریخ ۲۶ تیرماه سال ۱۳۵۷ که مقارن بود با اواسط شعبان ۱۳۹۸، آیت‌الله زنجانی طی اعلامیه‌ای به همراه ارکان وقت حوزه علمیه مشهد، آیات عظام میرزا جواد آقاتهرانی، میرزا حسنعلی مروارید، میرزا علی فلسفی، سیدکاظم مرعشی، موسوی شاهرودی، ابوالحسن شیرازی، علم‌الهدی سبزواری، محمدمهدی نوغانی و محمدرضا مدرس با توجه به کشتار بی‌رحمانه مردم مظلوم و بی‌دفاع شهرهای مختلف، خصوصاً قم توسط رژیم پهلوی جشن و سرور ایام نیمه شعبان را تحریم می‌کنند.

۲- در ششم مهرماه ۱۳۵۷ به جهت محاصره بیت امام خمینی (ره) از سوی دولت عراق، ایشان و علمای سابق الذکر با مرتبط دانستن این اقدامات دولت عراق با منویات رژیم پهلوی دولتین ایران و عراق را به اقدامات شدید انقلابی تهدید کردند.



۳- در پی هجرت امام(ره) از نجف به پاریس آیت‌الله زنجانی طی اعلامیه‌ای – همراه با علمای اعلام مشهد- مراتب اعتراض خود را مطرح کردند.

۴- در دو حادثه مهم – شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی و نیز دهم دی ماه مشهد (شهادت جمع کثیری از مردم حق طلب و شریف مشهد) - ایشان و آیات فوق، عزای عمومی اعلام کردند.

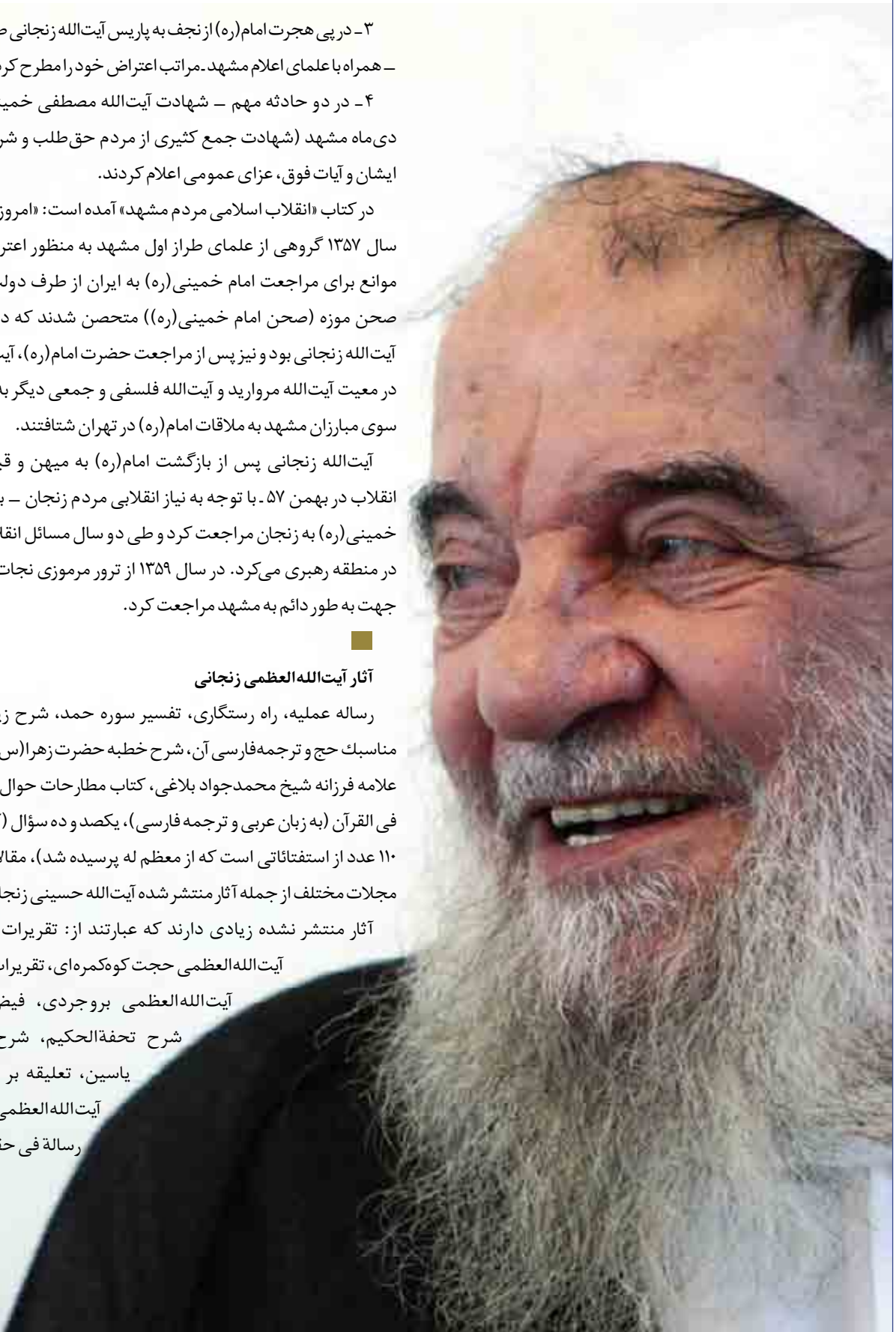
در کتاب «انقلاب اسلامی مردم مشهد» آمده است: «امروز، ۱۰ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ گروهی از علمای طراز اول مشهد به منظور اعتراض به ایجاد موانع برای مراجعت امام خمینی(ره) به ایران از طرف دولت بختیار، در صحن موزه (صحن امام خمینی(ره)) متحصن شدند که در رأس ایشان آیت‌الله زنجانی بود و نیز پس از مراجعت حضرت امام(ره)، آیت‌الله زنجانی در معیت آیت‌الله مروارید و آیت‌الله فلسفی و جمعی دیگر به نمایندگی از سوی مبارزان مشهد به ملاقات امام(ره) در تهران شتافتند.

آیت‌الله زنجانی پس از بازگشت امام(ره) به میهن و قبل از پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷- با توجه به نیاز انقلابی مردم زنجان – به دستور امام خمینی(ره) به زنجان مراجعت کرد و طی دو سال مسائل انقلاب و مردم را در منطقه رهبری می‌کرد. در سال ۱۳۵۹ از ترور مرموزی نجات یافته، بدین جهت به طور دائم به مشهد مراجعت کرد.

آثار آیت‌الله العظمی زنجانی

رساله عملیه، راه رستگاری، تفسیر سوره حمد، شرح زیارت عاشورا، مناسبت حج و ترجمه فارسی آن، شرح خطبه حضرت زهرا(س)، زندگی‌نامه علامه فرزانه شیخ محمد جواد بلاغی، کتاب مطارحات حوال معیار الشریک فی القرآن (به زبان عربی و ترجمه فارسی)، یکصد و ده سؤال (که مشتمل بر ۱۱۰ عدد از استفتائاتی است که از معظم له پرسیده شد)، مقالات فراوان در مجلات مختلف از جمله آثار منتشر شده آیت‌الله حسینی زنجانی است.

آثار منتشر نشده زیادی دارند که عبارتند از: تقریرات اصول و فقه آیت‌الله العظمی حجت کوه‌کمره‌ای، تقریرات اصول و فقه آیت‌الله العظمی بروجردی، فیض‌العلیم فی شرح تحفة‌الحکیم، شرح زیارت آل یاسین، تعلیقه بر وسیلة‌النجاة آیت‌الله العظمی اصفهانی و رساله فی حقیقة‌الایمان.





گفت و گو

آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی: روش من در تفسیر، مشی امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی است

فی القرآن» تصریح کرد: برای درست روشن شدن آیات شریفه باید از خود قرآن استمداد کرد و من هم روشم همین بوده و تأکید دارم به این‌که قرآن باید در رأس همه برنامه‌ها چه برنامه‌های تحصیلی و چه سایر برنامه‌ها قرار گیرد به جهت این‌که به این زودی‌ها نمی‌شود به معانی قرآن دست پیدا کرد.

شاگرد علامه طباطبایی با تأکید بر این مطلب که قرآن به گونه‌ای است که باید از خودش استمداد کرد، گفت: برای تفسیر قرآن کریم دعاهایی هست که البته اغلب مردم و شاید حوزه علمیه هم از آن غافل باشند. از جمله دعای مفصلی هست راجع به وقت خواندن قرآن، که روایت هست که امام صادق(ع) هر وقت قرآن را تلاوت می‌فرمودند این دعا را می‌خواندند، این دعا هم غیر از آن دعاهای مختصری است که در مفاتیح است. مخصوصاً در ماه مبارک، دعای مفصلی هست که از جمله آن دعاهای این قسمت است که عرض می‌کنم،

روش امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی در تفسیر قرآن، این بود که قرآن را با استمداد از آیات دیگر قرآن تفسیر می‌کردند و مشی من نیز پیروی از این دو استاد بزرگوار است.

آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد عزالدین حسینی زنجانی، در گفت‌وگو با ایکننا، درباره مشی و روش تفسیری خود ضمن بیان مطلب فوق گفت: من مشرب خاصی در تفسیر غیر از طریق و روش استاد بزرگوارم، علامه طباطبایی که سالیانی از خدمت ایشان بهره بردم و قبل از ایشان از خدمت امام بزرگوار، امام خمینی(ره) استفاده کردم، روش تازه‌ای ندارم. آن چه معروف و مهم است و آن دو بزرگوار استفاده کردند، عبارت از این است که تفسیر قرآن را با استمداد از آیات دیگر قرآن انجام می‌دهیم و الآن هم همین طور است و ان شاء الله اگر توفیقاتی شد، ادامه خواهیم داد. در روایت هم هست که «القرآن یفسر بعضه بعضاً؛ قرآن خودش بعضی آیاتش بعضی دیگر را تفسیر می‌کند.» نویسنده کتاب «معیار الشرك و الايمان



منحصر به حیوان نیست، حتی در گل‌ها هم وجود دارد، منتهی تلقیح و لقاح آن‌ها به واسطه زنبورهایی است که گرده به پای آن‌ها پیچیده می‌شود و می‌روند روی گل دیگری می‌نشینند و این لقاح صورت می‌پذیرد. غرض این است که عجایب قرآن یکی دو تا نیست و اگر انسان تأمل کند، هر قدر تأملش بیشتر، همان طور خدا هم اسرار قرآن را پیش پایش قرار می‌دهد.

آیت‌الله زنجانی در واکنش به این مطلب که قرائن نشان می‌دهد تأکید شما در تفسیر قرآن کریم بر صرف و نحو زیاد است، گفت: لغاتی را که قرآن بکار برده است خیلی جای تأمل دارد. کتاب‌هایی در این خصوص نوشته شده است که یکی از آن‌ها «مفردات» راغب است. راغب هم یکی از حکماست که کتابش فقط راجع به

می‌فرماید: «اللهم اجعل لقلوبنا ذكاء عند عجائبه التي لا تنقضي؛ یعنی پروردگارا قرار بده به قلب‌های ما ذکاوتی خاص و هوشمندی خاص در نزد عجایب آیات قرآن که قابل احصا و تمام شدن نیست.» هر قدر تحمل کنی باز هم بیشتر اسرار قرآن روشن می‌شود.

این شاگرد امام خمینی (ره) با اشاره به نوشته شدن کتاب‌هایی راجع به اسرار قرآن، گفت: البته هیئات که به اسرار قرآن تماما احاطه داشته باشیم. از جمله آن‌هایی که خیلی با قرآن سرو کار داشتند، فیلسوف نامی معروف صدرالمتألهین است. او کتابی به نام «اسرارالآیات» دارد که الحمدلله چاپ شده و تجدید چاپ شده یا نه! نمی‌دانم. آن‌ها هم خواسته‌اند که تا حدی به اسرار آیات دست پیدا کنند و در همان مقدار هم که سعی کردند، خدا هم که بخیل نیست، حتما آن آروزهایشان و خواسته‌هایشان را داده است که تا حدی به اسرار قرآن آگاهی پیدا کنند.

این مرجع تقلید به چند نمونه از این اسرار قرآنی اشاره کرد و افزود: از جمله آن اسرار «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (سوره ذاریات، آیه ۴۹) است که الآن خیلی مایه شگفتی است. می‌گویند از همه چیز ما نرو ماده داریم و این نرو ماده



لغات قرآن نوشته شده است و در حد خودش کتاب بسیار خوبی است و لغات قرآن را تفسیر کرده است. منهج من هم همین است که از علامه طباطبایی و چندین سال هم از امام بزرگوار (ره) آموختم که هنوز بزرگی فعلی که خدا نصیبشان کرده و مردم را بهره‌مند کرد، نداشتند. ما دو سال بلکه بیشتر از آن فلسفه نزد امام خمینی (ره) خواندیم و بقیه را وقتی علامه طباطبایی آمد و محرز شد که ایشان خیلی متخصص در فلسفه هستند، امام (ره) برای خدا درس را ترك و به علامه تفویض کردند. البته امام (ره) هنوز يك صدم از این عنوانی که الآن خدا به ایشان داده است را نداشتند. خداوند همه آن‌ها را رحمت کند و ما را هم در روش ایشان توفیق بیشتر دهد.

آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی در پایان گفت: علامه عرفان تدریس نمی‌کردند و همین فلسفه متعالیه بود، منتهی فلسفه متعالیه طوری است که ترکیبی است از عرفان و حکمت – صدر المتألهین هنرش در این است که عرفان را با فلسفه مخلوط کرده است – من فصوص خدمت ایشان نخواندم. به همه رفقای محصل تأکید می‌کنم که درس‌ها را درست بخوانند و توسلات را قطع نکنند، مخصوصاً روزهای جمعه توسل به وجود مبارك حضرت ولی عصر (عج) را. الآن هم همه فرق این را قبول دارند که بدون اتصال به انسان کامل، ترقی میسر نیست. کدام انسان والاّی بالاتر از حضرت ولی عصر (عج) است. توسل به حضرت ولی عصر (عج) مخصوصاً روزهای جمعه خوب است. آخر مفاتیح دعایی است که امام هشتم صلوات الله علیه به یکی از بزرگان اصحاب به نام «یونس بن عبدالرحمان» که مرد خیلی جلیلی است، توصیه می‌کنند. به او می‌فرمایند که این دعا را ترك نکن: «اللهم اذفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلقک و لسانک المعبر عنک الناطق بحکمتک و عینک الناظره باذنک و شاهدک علی عبادک...»؛ یعنی خدایا ولی عصر (عج) چشم توست و از چشم تو چیزی مخفی نخواهد شد، از چشم آن بزرگوار هم به اذن تو چیزی مخفی نیست. خیلی دعای خوبی است که اگر خوب نبود امام هشتم (ع) تأکید به یونس بن عبدالرحمن نمی‌کردند. من هم تأکید می‌کنم مطلق دعا را مخصوصاً روز جمعه این دعا را فراموش نکنند.





آیت‌الله العظمی از نجفانی به‌عالمی زمان شناس



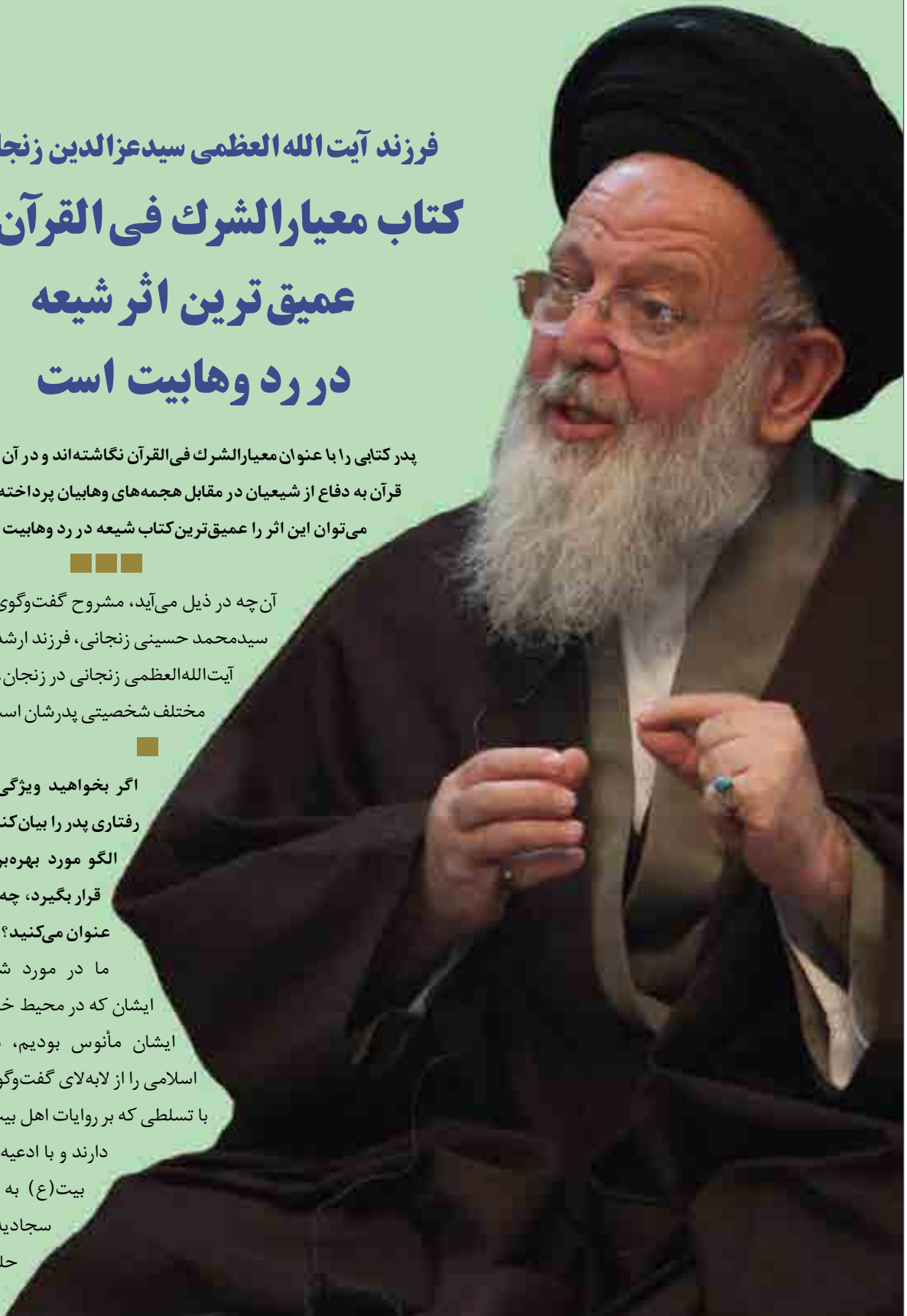
فرزند آیت‌الله العظمی سیدعزالدین زنجانی: کتاب معیارالشرك فی القرآن پدر عمیق‌ترین اثر شیعه در رد وهابیت است

پدر کتابی را با عنوان معیارالشرك فی القرآن نگاشته‌اند و در آن با تکیه بر آیات قرآن به دفاع از شیعیان در مقابل هجمه‌های وهابیان پرداخته‌اند، بطوری‌که می‌توان این اثر را عمیق‌ترین کتاب شیعه در رد وهابیت دانست.

آن‌چه در ذیل می‌آید، مشروح گفت‌وگوی ما با آیت‌الله سیدمحمد حسینی زنجانی، فرزند ارشد و رئیس دفتر آیت‌الله العظمی زنجانی در زنجان، در مورد ابعاد مختلف شخصیتی پدرشان است.

اگر بخواهید ویژگی‌ها و خصائص رفتاری پدر را بیان کنید تا به عنوان الگو مورد بهره‌برداری دیگران قرار بگیرد، چه ویژگی‌هایی را عنوان می‌کنید؟

ما در مورد شخصیت ویژه ایشان که در محیط خانواده بیشتر با ایشان مأنوس بودیم، مفاهیم عالی اسلامی را از لابه‌لای گفت‌وگوهای معظم‌له با تسلطی که بر روایات اهل بیت (ع) داشته و دارند و با ادعیه مأثوره از اهل بیت (ع) به ویژه صحیفه سجادیه که شب و روز حلیف ایشان



ابوی، بلکه مورد تأیید کل علمایی بود که با دید انقلابی به مسائل نگاه می‌کردند. حتی معظم‌له برای نجات ایشان (سعید محسن) تا قم سفر و با پاره‌ای از مراجع دیدار کردند که شاید بتوانند اعدام ایشان را تخفیف دهند که البته توفیقی حاصل نشد. مجموعه این حرکت‌ها باعث شد که نگذارند ایشان به زنجان برگردد.

از فعالیت‌های علمی‌ای که معظم‌له در شهر مشهد دنبال می‌کردند، بگوئید.

ایشان از سال ۵۱ که در شهر مشهد ساکن شدند، سه درس را به طور مرتب القا می‌کردند که من در آن درس هم شرکت داشتم. یک جلسه درس تفسیری بود که هر هفته گفته می‌شد که این درس تا این اواخر هم ادامه داشت، شاید نزدیک ۲۵ سال این جلسه ادامه داشت. دو جلسه دیگر هم فقه و اصول بود که ما در آن درس شرکت می‌کردیم و مرتب ۸ سال در محضر ایشان در این جلسات استفاده بردیم. البته در این میان گاهی اوقات متون فلسفی را هم تدریس می‌فرمودند؛ مثل شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری، نه‌ایة الحکمة علامه طباطبایی را نیز گاهی اوقات تدریس می‌کردند، البته این دورس در حاشیه بود و آن‌که جزو دورس اصلی بود، همان سه درس تفسیر، فقه و اصول بود، مخصوصاً درس تفسیر.

پدر در تفسیر قرآن کریم چه دیدگاهی دارند؟

ایشان در مسائل تفسیری دیدگاه‌های نوینی دارند. ما وقتی که مقایسه می‌کردیم، مشرب ایشان در تفسیر قرآن کریم، کار کردن در لغات قرآن است. ایشان معتقدند که زبان قرآن، لغات قرآن است. ایشان خیلی کنکاش می‌کردند که در زبان قرآن بیشتر بررسی داشته باشند. برای نمونه، ایشان در تفسیر آیه شریفه «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره بقره، آیه ۵) در مورد لفظ «فلاح» معتقدند که ترجمه کردن این لغت به «رستگاری» ترجمه‌ای نارساست، بلکه مفهوم فلاح این است که چیزی به همدیگر برسد و جوش بخورد و جدایی در بین آن حاصل نشود، البته این معانی را از ریشه‌های لغت درمی‌آورند. ایشان می‌فرمودند یعنی ایمان نمی‌گذارد در انسان خلأ باقی باشد و کسی که مؤمن شد، پر می‌شود و تو خالی و اجوف نمی‌شود و نیازی به خارج

بود، بدست آوردیم. آن مفاهیم بلند را که تقریباً می‌توان گفت در گفته‌های عادی ایشان هم موج می‌زد، یافتیم. ایشان فرازهایی از ادعیه و روایات اهل بیت (ع) را بیان می‌کردند و حتی گاهی اوقات مطالب ادعیه را با چاشنی شعر هم ممزوج می‌کردند، مخصوصاً اشعار مولوی که برای ما بسیار آموزنده و جالب بود و لذا ما احساس می‌کردیم که آن خطوطی که ایشان در رابطه با اسلام ارائه می‌کنند با آن چیزهایی که در بیرون مشاهده می‌کنیم، فرق کلی دارد. این‌ها اجمالی از خطوط کلی است که ما از محضر ایشان بهره بردیم.

با توجه به این‌که شما فرزند ارشد ایشان هستید و یقیناً در زمان رژیم ستم‌شاهی همراه ایشان بودید، از فعالیت‌های سیاسی

و انقلابی ایشان در آن زمان نکاتی را بیان کنید.

البته ایشان قبل از انقلاب از علمایی در بلاد زنجان بودند که از ابتدا همراه حضرت امام رضوان الله تعالی علیه بوده و براساس همین همراهی در سال ۴۲ با برخی از علما به زندان افتادند و این مبارزات تا سال ۵۱ ادامه داشت تا این‌که در سال ۵۱، بخاطر برگشت شاه از اپک - که موفقیتی در آن زمان برای ایران به حساب می‌آمد - خیلی‌ها به استقبال او رفتند که عده‌ای از آن‌ها هم روحانی‌نماها بودند که از زنجان هم عده‌ای شرکت کردند.

معظم‌له علناً در مقام انتقاد از این دسته، در مسجد جامع شهر زنجان مباحثی را در انتقاد به این افراد ایراد کردند که این سخنرانی مبنایی بر اقامت اجباری ایشان در شهر مشهد شد. معظم‌له در آن جلسه، هم از این روحانی‌نماها انتقاد کردند و هم هر حرکت اسلامی که آن زمان در رابطه با دفاع از اسلام مطرح می‌شد را تأیید می‌کردند که از آن دسته، در آن زمان، مجاهدین بودند.

معظم‌له در آن وقت از مجاهدین هم طرفداری کردند و حتی برای «سعید محسن» از بنیانگذاران مجاهدین، مجلس فاتحه‌ای را در شهر زنجان برگزار کردند، گرچه عوامل رژیم نگذاشتند آن مجلس پا بگیرد، اما بالاخره این مجلس را ایشان در آن زمان گرفتند. البته آن زمان افق‌ها مثل الآن روشن نبود و بعدها انحراف و انشعاب درون مجاهدین تحقق پیدا کرد. همانطور که گفتم چنین افق‌هایی نبود و نوعاً هر مبارزی که مخصوصاً به نام اسلام برمی‌خاست، بالاخره مورد تأیید نه تنها حضرت



ایشان در مسائل تفسیری دیدگاه‌های نوینی دارند. ما وقتی که مقایسه می‌کردیم، مشرب ایشان در تفسیر قرآن کریم، کار کردن در لغات قرآن است

احساس نمی‌کند؛ یعنی ایمان تمام خللی که در وجود انسان هست را پر می‌کند، مراد هم ایمان به خداست و اگر از مبادی و مقدماتش بیایند، همه این‌ها را در وجود انسان اشباع می‌کند.

راجع به «ریب» می‌گویند که مطلق شك نیست، بلکه شکی است که همراه با نگرانی است. مطلق شك «ریب» نیست و الا همان شك را بکار می‌برد و استناد ایشان هم به عمق زبان عربی است و برداشتشان این است که زبان عربی وسیع‌ترین زبان برای انعکاس معانی و مفاهیم انسانی است که در قلب انسان این صورت پیدا می‌شود.

ایشان این‌گونه برداشت‌هایی از قرآن کریم دارند و در خیلی از آیات برداشت‌های زیبایی هم دارند؛ مثلاً نتیجه‌گیری ایشان از معنای «حی علی الفلاح» که شعاری است که در اذان آمده است، این است که همیشگی و خیر ابدی است. خلاصه این‌که برداشت‌های زیبایی از مفاهیم قرآن دارند. ما از این مباحث هم استفاده کردیم، ولی متأسفانه این‌ها بطور مرتب ضبط نشده است، البته می‌دیدم که اصولی که ایشان در نگاه به تفسیر دارند با تفاسیر موجود تفاوت‌هایی دارد.

ایشان چقدر در مباحث تفسیری از علامه طباطبایی تأثیر پذیرفته‌اند؟

مسئله یکی از تفاسیری که مورد نظر ایشان است، همان تفسیر المیزان است، اما به طور مطلق مطالب ایشان را نمی‌پذیرند و نقد هم دارند. با اعتراف به عظمت علامه و با احترامی که به مقام ایشان دارند در عین حال نظرات خودشان را هم بیان می‌کنند. نکته‌ای که در وجود ایشان در طول ۸ سال بلکه بیشتر که

مرتب در محضرشان بودیم – البته بطور ۸ سال مرتب بودم؛ یعنی لیلاً و نهاراً اما به طور غیر مرتب مجموعاً ۱۴ تا ۱۵ سال ما از محضر ایشان استفاده کردیم – برای من اهمیت داشت، این بود که فهم لطیف روایی، خیلی در ایشان جلوه داشت؛ یعنی سعی می‌کنند زبان ائمه (ع) را با زبان خودشان معنا و از روایات قرآنی برای فهم مطالب پیدا کنند. خیلی برای ما جالب بود به خاطر همین در فقه هم ایشان نظرات متفاوتی با سایر بزرگان و علما و فقها دارند و این هم براساس همان فهم و تکیه به روایاتی است که در مقام وارد شده است.

پدر را جزو کدام دسته از فقها می‌توان قرار داد؟

ایشان در مبنا متأثر از استادشان مرحوم آیت‌الله بروجردی هستند. آیت‌الله بروجردی در فقه نوآوری‌هایی داشتند و معتقد بودند که فقه شیعه تعلیقه بر فقه عامه (اهل سنت) است؛ یعنی آنچه که در فقه شیعه مطرح می‌شود ناظر به فقه عامه است. اگر ما بخواهیم مطالب روایات را خوب درک کنیم باید اول اقوالی را که اهل سنت در آن مسئله دارند بررسی کنیم و این راهی است که از زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی در حوزه باز شده و مسئله کلیدی در فهم مطالب فقهی است و خیلی چیزها را می‌توان از حرف مقابلان و آن‌هایی که مخالف هستند دریافت کرد. علت این مسئله این است که اگر شما تتبع کنید - مخصوصاً خودم در تبعی که در روایات دارم - اکثراً سؤالاتی که از ائمه (ع) شده است، براساس سؤالاتی بوده که در میان اهل سنت بوده و این‌ها را موالیان و پیروان حضرات ائمه معصومین (ع) هم سؤال می‌کردند؛ مثلاً گاهی



... در همه چیز مداخله کردند، با این زمینه قضیه حل می‌شود که این روایاتی که در دست مردم هست، روایات نبوی نیست. در مورد این که شما روایت ما را عرضه کنید به روایت پیغمبر (ص) تتبع کردم، منظور کدام روایت پیغمبر (ص)؟! روایاتی که در صحیح بخاری آمده، اکثر و نوعاً از ناصبی‌ها روایت نقل کرده است. اما منظور ما از روایات پیغمبر (ص)، آن روایات نبوی است که از طریق اهل بیت (ع) بر ما وارد شده باشد که خوشبختانه اخیراً راجع به این مسئله اقدام بسیاری خوبی از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی انجام شده است که در ۱۰ جلد «سنن‌النبی (ص)» را از اول طهارت در تمام زمینه‌ها منتشر کردند و روایاتی که اهل بیت (ع) ما از پیغمبر (ص) نقل کردند، همه را جمع کردند.

پدر عرفان را نزد چه کسی یا کسانی خواندند؟

فکر نکنم ایشان عرفان به معنای خاص خوانده باشند، تلمذ ایشان در محضر مرحوم علامه طباطبایی به این شکل بود که ابوی در سال ۱۳۱۹ به قم رفتند و علامه نیز در سال ۱۳۲۵ از تبریز به قم تشریف آوردند. یادم هست ابوی می‌فرمودند که یک روز دیدم پدرم (آیت‌الله سید محمود امام زنجانی) تشریف برده بودند حمام - معمولاً آن زمان‌ها در منازل حمام نبود و آقایان همه حمام‌های عمومی می‌رفتند و نوعاً قبل از سحر هم می‌رفتند و تلاقی آقایان در حمام زیاد بود. به من گفتند که فلانی، البشاره، آقای قاضی تشریف آوردند به قم و قصد ماندن دارند. البته آن زمان

اوقات تعبیر می‌کنند: «ما یقول الناس»: مردم چه می‌گویند. «ناس»؛ یعنی افکار حاکم چیست؟ واضح است که منظور چه کسانی هستند. از این قرائن فهمیده می‌شود که اکثر ناظر به افکاری است که آن‌ها (اهل سنت) دارند.

علاوه بر آنچه گفته شد، شما در روایات اهل بیت (ع) مطالعه کنید، مخصوصاً از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) شخصی روایت می‌کند که شما چرا آن چیزی که مخالف عامه هست به ما دستور می‌دهید تا به آن عمل کنیم؟ بالاخره این سؤالی بود که در ذهنشان ایجاد می‌شد که مگر آن‌ها (اهل سنت) مسلمان نیستند و این روایات مال پیغمبر (ص) نیست و اگر هست پس چرا ما عمل نکنیم؟ یعنی در دل سؤال این مطلب نهفته است. حضرت (ع) در جواب می‌فرمایند که بنی‌امیه افرادی را می‌گماردند که می‌آمدند از حضرت علی (ع) احکام شرعی را سؤال می‌کردند و درست برعکس حکم امام (ع) را انجام می‌دادند و این خودش قرینه است بر این که شما مکتب علوی و نبوی را به دست بیاورید و درست عکس آن‌ها عمل کنید؛ چون بنای بنی‌امیه بر مخالفت بود؛ مثلاً در مسئله «تختم بالیمین» آن‌ها می‌گویند که «تختم بالیمین» از شعار علویان است، پس «تختم بالیسار» درست است. البته این‌ها دوره‌ای است و در تمام ادوار این‌گونه نیست. می‌خواهم نشان دهم که شدت معاندت و ضدیت خاندان اموی در حکومت به دست گرفتن خلاصه نمی‌شود، بلکه در همه جوانب فراگیر بوده، حتی در فرهنگ، دین، مذهب و



معروف به علامه طباطبایی نبودند؛ چون بیتشان در تبریز قاضی طباطبایی بود و الآن هم همین طور است - ابوی ایشان دستور می‌دهند که شما حتماً از علامه درس بگیرید. ابوی بنده فرمود که من در محضر حضرت امام خمینی (ره) اسفار را خواندم و نیازی به خواندن درس نزد ایشان نیست. پدر ایشان گفت که حالا شما برو خدمت ایشان ضرر نمی‌کنی و خیر می‌بینی. ابوی فرمودند که من رفتم محضر علامه و به ایشان عرض کردم که من آمدم که از محضر شما استفاده کنم. ایشان فرمود که هنوز کتاب‌های من نیامده است. گفتم اگر بهانه کتاب است من کتاب دارم و به شما می‌دهم و ایشان پذیرفت.

ابوی فرمودند که من کتاب‌ها را تحویل ایشان دادم - نوشته‌های علامه بر آن کتاب‌ها را هنوز دارند، البته کامل نیست، اما در بخشی به طور منظم حواشی زده‌اند و ما آن‌ها را نگه داشتیم - ابوی تعبیرشان این بود که همین که ایشان درس را شروع کردند، دیدم من باید بساط طلبگی را مجدداً برای ایشان بگسترانم و استفاده کنم. همین تعبیر را از آقای جوادی آملی هم شنیدم؛ چون آقای جوادی آملی فرمودند که من در تهران در محضر بزرگان اسفار را خوانده بودم، ولی وقتی محضر علامه را در قم درک کردم، دیدم که باید مجدداً این مباحث را خدمت ایشان بیاموزم، که همین کار هم شد. بعد هم شهید مطهری و خیلی از بزرگان آمدند و جلسات به راه افتاد.

ارتباط پدر با حضرت امام خمینی (ره) چگونه بود؟

ابوی این طور می‌فرمودند، آن زمانی که ما به قم رفتیم، امام (ره) ممحض در فلسفه بودند. البته خودشان بحث اصولی و مباحثه‌ای با بزرگان داشتند، اما تدریس نداشتند. وقتی که علامه به قم تشریف آوردند، دیگر ایشان فلسفه را رها کردند و ممحض در فقه و اصول شدند. منتهی آنکه ابوی ما از حضرت امام (ره) استفاده کردند، این بود که می‌فرمودند تمام اسفار را ما در محضرشان خواندیم الا مباحث جواهر و اعراض. ابوی مجذوب اخلاق امام خمینی (ره) بودند، از این نظر که شاگرد پرور بودند. ایشان می‌فرمودند زمانی که امام (ره) احساس می‌کرد که ما یک طلبه درس خوان هستیم، ما را ترو خشک می‌کرد و یکی از مصادیقش این بود که ابوی می‌گفتند که دچار مرض حصبه شدم و آن زمان هم آنتی بیوتیک و این‌ها کشف نشده بود و حصبه خیلی‌ها را می‌برد.

ایشان می‌فرمودند که امام (ره) هر روز به من سر می‌زد و می‌آمد داروهارا کنترل می‌کرد، ایشان تعبیرشان این بود که اگر پدر من آن‌جا بود، بیشتر از ایشان به من رسیدگی نمی‌کرد و حتی می‌فرمودند یک روز طبیب که برای مداوا می‌آمد، بر سر بالینم نیامده بود، امام (ره) که آمدند به دیدن من، پرسیدند امروز آمد یا نیامد؟ البته او هم در منطقه دوری بود. امام (ره) ناراحت شد که چرا نیامده است و گیوه‌شان را کشیدند تا تند به دنبال او بروند.

ابوی فرمودند تا این حد امام (ره) ما را شرمنده الطاف خودشان می‌کردند و این هم آن زمان



نبود جز این‌که ما يك طلبه درس خوان هستیم و می‌خواست خدمت کند؛ یعنی خلوص نیت بود نه این‌که يك روز می‌خواهد مرجع شود و ما وامدارش باشیم و این حرف‌ها در منطقتش نبود. ابوی این صحنه‌ها را مکرر در مکرر نقل می‌کنند. خیلی تحت تأثیر این عوامل امام(ره) بودند.

ابوی می‌فرمود که امام(ره) خیلی آن زمان درس اخلاق می‌گفتند و ما شرکت می‌کردیم - نه به طور مرتب - خلاصه ابوی از این مبادی و مبانی اخلاقی که ایشان داشتند و همچنین قدرت تسلط بیان در مطالب خیلی تعریف می‌کردند.

این ارتباط در زمان فعالیت‌های سیاسی حضرت امام(ره)

به چه شکل بود؟

بعد مرگ مرحوم جدم، ابوی در زنجان مستقر شدند و طبیعی است که نامه‌ها بین ایشان و امام(ره) رد و بدل می‌شد. من یادم هست که سال ۱۳۴۳ که به قم رفتم، هنوز امام خمینی(ره) قم تشریف داشتند و يك نامه را هم خدمتشان در مسجد اعظم بردم، البته زیاد هم نمی‌شد آفتابی شویم. مرتب مکاتبه بین ایشان بود. امام(ره) وقتی نجف رفتند، طبیعی است که ارتباطات در ظاهر قطع و مع‌الواسطه بود.

به عنوان فرزند و یکی از شاگردان پدر در کدام يك از

علوم بیشتر از ایشان بهره‌مند شدید؟

من بیشتر در فقه از ایشان بهره بردم. ایشان در احکام تأکیدشان به روایات است و روایات را خیلی خوب معنا می‌کنند و از دل روایات، روایات دیگر را تفسیر و توجیه می‌کنند و من در این مسئله نظیر ایشان را حتی در قم ندیدم. اما در قواعد اصولی و... بزرگانی بوده‌ و هستند، ولی در این مسئله که فقیه از دل روایات مطلب را بیرون بیاورد و قرینه برای فهم مطلب دیگر بگیرد، حتی در طول مدتی که در قم بودم، نظیر ایشان را ندیدم.

آیا ایشان از فرزندان خود در مسائل علمی و تألیف کتب

کمک می‌گیرند؟

استفاده به آن شکل از ما نبوده است، اما کتاب‌های ایشان را من منظم، مرتب و تبویب کردم. مطلب برای ایشان و تحریر از من است؛ مثلاً کتاب شرح خطبه حضرت زهرا (س)، مطلب برای ایشان، اما تحریر از من است، منتهی تفسیر سوره مبارکه فاتحه به قلم خودشان است و من هم نگاه و بررسی بر آن انجام دادم و یا کتاب آیین رستگاری. ایشان کتابی به زبان عربی دارند راجع به وهابیت با عنوان معیار الشک فی القرآن که خیلی هم پیش اهل علم جایگاه یافته است، حتی یکی از ائمه جمعه‌ای که در خوزستان است زمانی که در

بعثه بودم به من می‌گفت: من کتابی به این

پرمغزی در مقابل این‌ها (وهابیان)

ندیدم که نوشته شود و بحثی صرفاً قرآنی باشد.

وقتی شما با وهابیان مواجه

می‌شوید، می‌گویند فقط از قرآن

برای ما دلیل بیاورید. پدر هم در

این مباحث صرفاً تکیه بر قرآن

کریم کردند، به این مضمون که

اصلاً میزان شکر در قرآن کریم چیست؟ اول میزان را بدست

بیاوریم و بعد کبرای کلی را که از قرآن فهمیدیم، بزنیم به

مصادیق تا ببینیم شکر هست یا نیست. این‌گونه بحث را در

مباحث قرآنی ندیدم که کسی انجام داده باشد. خوشبختانه

روی این کتاب من خیلی کار کرده و مرتبش کردم و در بیروت

چاپ شد و خوشبختانه اخیراً هم ترجمه فارسی آن به وسیله

عمومیم (مرحوم ابوالفضائل مجتهدی) انجام شد که البته با

هم کار کردیم و بوستان کتاب قم هم چاپ کرده است. قصد

دارم تا این کتاب را مجدداً به زبان عربی با تحقیق دیگری چاپ

کنم.

کدام رفتار پدر بین افراد خانواده زبان‌زد بوده و می‌توان آن

را به عنوان الگویی به افراد جامعه ارائه داد؟

سعی ایشان در ارائه مکتب، فرمایش پیغمبر (ص) بود که

«بشروا ولا تنفروا» ایشان حتی این مسئله را یکی از قرائن فهم

روایات می‌دانند. شأن نزول این آیه این است که پیغمبر (ص)

از اصول جنگی هم استفاده می‌کردند و گروه‌های پارتیزانی

تشکیل می‌دادند و وقتی که هوا گرگ و میش بود آن‌ها را به

جنگ مشرکان می‌فرستادند. وقتی که این‌ها را دعوا می‌کردند،

می‌فرمودند: «بشروا ولا تنفروا»؛ یعنی چهره زیبای اسلام را به

مردم نشان دهید، بچه‌ها را نکشید، با زن‌ها کار نداشته باشید

و آن رؤسایی که عناد دارند، با آن‌ها درگیر و گلاویز

شوید و هر روز این عبارت را به همه

می‌فرمودند.

شما اگر توجه کنید، در قالب

فرمایشات پیغمبر (ص) است که

«انی بعثت بالدين سهلة سمحة»؛

یعنی من به دینی مبعوث شدم که

هم آسان است و هم زیبا. پدر خیلی

به این زیبایی‌ها تکیه می‌کنند و این

خیلی مهم است و این را یکی از

موارد ترجیح روایات متعارض می‌دانند؛ یعنی در مقابل دو

روایتی که سندشان مساوی باشد، هر روایتی که آسان‌تر است

آن را باید بگیریم.

یکی از علائم ترجیح که من در فقه ایشان دیدم و دیگران

بکار نمی‌برند، همین است که به استناد فرمایش پیامبر (ص)،

چون دین، دین آسان و زیبایی است ما نباید کاری کنیم که

مردم را به مشکل بیاندازیم و به نام دین مردم در بن‌بست‌ها

قرار دهیم. تا آن‌جا که اجازه داریم، راه را باز کنیم که مردم

بیابند. من این مسئله را در عمل ایشان هم مشاهده

می‌کردم.

سعی ایشان در ارائه مکتب، فرمایش پیغمبر (ص) بود که «بشروا ولا تنفروا» ایشان حتی این مسئله را یکی از قرائن فهم روایات می‌دانند





سیدمحمد یگانه فرد:

آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی مؤثرترین شخصیت در بیداری مردم زنجان است

آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی، قبل از انقلاب به واسطه آگاهی دادن به مردم نسبت به شخصیت امام(ره) به مشهود تبعید شدند و در زمان انقلاب نیز نماینده امام(ره) در شهر زنجان بودند و تاکنون مؤثرترین عالمی است که در بیداری مردم زنجان کوشیده است.



سیدمحمد یگانه فرد، یکی از شهروندان قدیمی زنجان است که از جوانی با آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی مأنوس بوده است. او در مورد شخصیت آیت‌الله زنجانی گفت: بنده از سال ۱۳۳۳ که مغازه خود را باز کردم تا زمانی که حاج آقا عزالدین در زنجان بودند، هر روز از درس‌های عمومی گرفته تا خصوصی‌شان شرکت می‌کردم و از منبر تا منزل با ایشان بودم و این به سبب علاقه‌مندی ما نسبت‌ایشان بود؛ لذا می‌توان گفت که حداقل من از ایشان ۲۵ سال استفاده کردم.

وی با اشاره به رفت و آمد ۵۵ ساله خود با خانواده آیت‌الله

زنجانی، گفت: من زمانی که منبرهای آقا

سیدعزالدین را گوش می‌دادم،

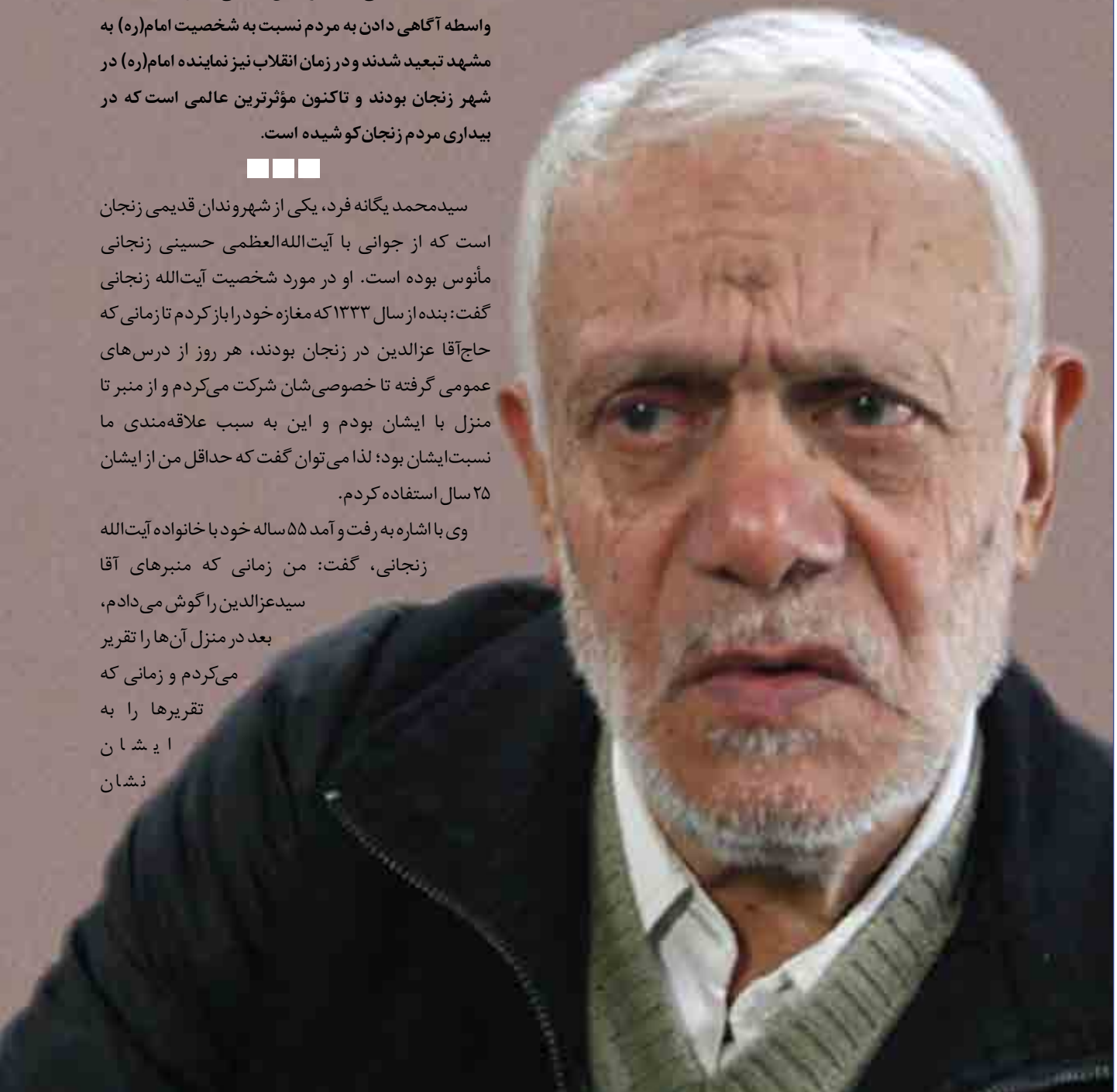
بعد در منزل آن‌ها را تقریر

می‌کردم و زمانی که

تقریرها را به

ایشان

نشان



گفتم به طرف شما تیراندازی می‌کنند اما اصابت نمی‌کند؛ چون گفتم بهشت نمی‌خواهم و در این گفته شما که از جهنم هم نمی‌ترسم، جهنم همین افراد مخالف و دشمنان شما در زنجان هستند که آن‌ها هم نابود می‌شوند، اما راه امام صادق (ع) این است که بروید مسجد و شاگردانی را تربیت کنید. فردای آن روز، آیت‌الله عزالدین رفتند در مسجد و کلاس درس را شروع کردند و از این قضیه شش ماه گذشت که یکی از دوستان من آمد و گفت شب گذشته خواب دیدم منزل حاج آقا عزالدین گریه و زاری وجود دارد که در تعبیرش گفتم زمان آن تیراندازی رسیده است و لذا رفتیم به آقا عزالدین این امر را تذکر بدهیم که تیراندازی به طرف‌شان انجام شد و یک جوانی که تحت تأثیر سخن‌های دیگران قرار گرفته بود، چهار تیر به سمت‌شان زد که خوشبختانه اصابت نکرد و بعد از این قضیه که موجب ناراحتی‌شان شد، به مشهد هجرت کردند.

یگانه‌فرد در ادامه سخنان‌ش خاطر نشان کرد: آمدن آیت‌الله سیدعزالدین در پیشرفت انقلاب در زنجان تأثیر بالایی گذاشت و همین الآن هم زنجانی‌ها به ایشان علاقه بسیار دارند و گفته‌اند ۷۰ درصد زنجانی‌ها مقلد ایشان هستند. رفتن آیت‌الله زنجانی به مشهد برای خودشان مفید بود؛ چرا که توانستند شاگردانی را در آن جا پرورش دهند که اگر در زنجان باقی مانده بود، تاکنون ایشان را کشته بودند. با رهبر معظم انقلاب و آیت‌الله واعظ طوسی هم رفت و آمد خیلی گرمی دارند. من زمانی حساب کردم و دیدم کسانی که آیت‌الله زنجانی را اذیت کرده بودند هر یک به نحوی کشته شدند و ۵۰ نفر این‌ها را به مرور با چشم‌های خود دیدم که چگونه به هلاکت رسیدند.

وی در مورد رابطه آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی با مسائل انقلاب گفت: رابطه آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی با انقلاب قوی بوده و هم‌اکنون نیز قوی است؛ آیت‌الله زنجانی در مصاحبه‌ای گفته بود قبل از انقلاب همه مردم و روحانیون از وضعیتی که شاه ایجاد کرده بود ناراحت بودند، ولی ناراحتی امام خمینی (ره) مثل ناراحتی مادر از وضعیت بد فرزندان‌شان بوده است که طاقت نیاورد و قیام و انقلاب کرد. وی در پایان خاطر نشان کرد: خیلی از علما به خانواده آقای زنجانی علاقه داشتند، از جمله آیت‌الله میلانی در مشهد؛ چون با این خانواده ارتباط بالایی داشت، علاقه زیادی هم به آن‌ها داشت و همچنین آیات عظام مرعشی، گلپایگانی و ... نیز در دیداری که با آن‌ها داشته‌ام علاقه و حب خود را نسبت این خانواده اعلام کرده‌اند و این به خاطر تقوایی است که این خانواده دارد. پدر آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی نیز مردی بسیار وارسته بود و طبقه تحصیل کرده زنجان ارتباط بسیاری با وی داشتند و در منبر سخنان عرفانی عمیقی می‌گفت، گرچه من ایشان را هم درک کرده‌ام، ولی چون سنم کم بود، نتوانستم بهره زیادی ببرم.

می‌دادم که چگونه تمام سخنان و آیات و روایات در تقریر آمده است، مورد تشویق‌شان قرار می‌گرفتم.

این مبارز انقلابی، در مورد حوادثی که قبل از انقلاب در زنجان افتاده بود، تصریح کرد: ایشان در جریان دستگیری امام خمینی (ره)، بر روی منبر خیلی تند علیه شاه سخن گفت و لذا دستگیر و مدتی در تهران زندانی شد که بعد از ۴۰ روز از زندان آزاد و به مشهد فرستاده شده و قرار بود که به زابل تبعید شود که مسئولان وقت از تبعید به زابل منصرف شده و قرار تبعید را در همان مشهد گذاشتند. در سال ۵۷ که قصد رفتن به کربلا را داشتیم، با آیت‌الله زنجانی صحبت کردم که به من گفتند بروم خدمت امام خمینی (ره) و پیامی را منتقل کنم. در بیت امام خمینی (ره) دیدارها محدود بود و به واسطه یکی از طلاب زنجانی به دفتر امام رفتم و نیم‌ساعت با ایشان صحبت کردم که تقریباً ۲۰ دقیقه فقط صحبت‌ها و گفته‌های امام در مورد آیت‌الله زنجانی بود و در پایان گفتند که به آقای زنجانی سلام من را برسانید و بگویید که حتماً شاه سرنگون است و حتماً بروید زنجان، من هنگام برگشت پیام را رساندم، ولی آیت‌الله زنجانی به واسطه مشکلاتی که داشت نتوانست خود را به سرعت به زنجان برساند که بالاخره امام به ایران بازگشتند و زمانی که خود آیت‌الله زنجانی برای دیدار خدمت امام رفته بود، امام در آنجا دوباره گفتند که باید حتماً بروید زنجان که بعد از دیدار آیت‌الله زنجانی از مشهد به زنجان هجرت کردند. یگانه‌فرد در ادامه خاطر نشان کرد: زمانی که آیت‌الله زنجانی به زنجان آمد، گروه‌های التقاطی خیلی ایشان را اذیت کردند، به نحوی که برخی از افراد و روحانیون که قبل از بازگشت آیت‌الله زنجانی دارای شهرت بودند با ورود آیت‌الله اطرافیان آن‌ها کمتر شده و خیلی مجذوب ایشان شدند؛ لذا حس حسادت آن‌ها ظهور کرد و سعی در تخریب آیت‌الله زنجانی داشتند. این افراد برای آینده خود برنامه‌ها ریخته بودند که چه کسی فرماندار بشود و چه کسی امام جمعه شود و یا فرد دیگرشان رئیس سازمان خاص دیگری شود که با حضور آیت‌الله زنجانی و استقبال مردم از ایشان، برنامه‌هایشان نقش بر آب شده بود. این در حالی است که برای استقبال ایشان مردم تا قزوین به استقبال‌شان رفته بودند و با همین حال قدم در تخریب ایشان برداشتند. گرچه این افراد با تخریب هم به آرزوی خود نرسیدند و اکثراً چون دچار انحراف‌هایی بودند، معاند و محارب با انقلاب شده فلذا یا کشته یا اعدام شدند.

همراه چندین ساله آیت‌الله زنجانی گفت: بنده گاهی تعبیر خواب هم می‌کنم؛ لذا یک بار آیت‌الله زنجانی من را خواست و گفت: من در خواب پدرم را دیدم که به من گفت بهشت را می‌خواهی یا از جهنم می‌ترسی؟ که من گفتم نه بهشت را می‌خواهم و نه از جهنم می‌ترسم، بلکه راه امام جعفر صادق (ع) را می‌خواهم، تعبیر این چیست؟ من هم

جعفر خدایی:

آیت‌الله زنجانی اولین کسی بود که امام (ره) را در زنجان به عنوان مرجع معرفی کرد



وی در پاسخ به این سؤال که آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی چه تأثیری در شهر زنجان داشته است؟، گفت: زنجان شهر مذهبی بوده و به این نام شناخته می‌شود، به نظر من – البته من از پدر و پدربزرگ خود شنیده‌ام – بیت امام جمعه بوده است، و به غیر این، علمای بزرگی مثل مرحوم آقا شیخ فیاض به پسر خود وصیت کرده بودند که اگر بخواهید دین دار باقی بمانید از بیت امام جمعه فاصله نگیرید و رابطه خود را قطع نکنید. قبل از انقلاب در اکثر شهرهای ایران مشروب‌فروشی امری عادی بود، در حالی که در شهر ما به علت حضور خانواده امام زنجانی این امر اصلاً نبود و به یاد دارم که در «سبزه میدان» قبل از انقلاب یکبار رئیس شهربانی به این جا آمده بود و گفته بود که چرا نباید در این شهر به این بزرگی یک مشروب‌فروشی در وسط شهر باشد و دستور ساخت این امر را داده بود. در مقابل چنین حرکتی آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در نماز جمعه برای مردم بازگو کردند که می‌خواهند در این شهر چنین امری رخ دهد و

آیت‌الله العظمی سیدعزالدین زنجانی، اولین فردی بود که بعد از رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در نماز جمعه زنجان، امام خمینی (ره) را به عنوان مرجع تمام شیعیان جهان معرفی کرد.



جعفر خدایی، از کودکی با خانواده آیت‌الله العظمی حسینی زنجانی همراه بود و هم‌اکنون دوران کهولت خود را سپری می‌کند. وی که دوران جوانی خود را با آیت‌الله العظمی سیدعزالدین زنجانی سپری کرده و هم‌اکنون کوله‌باری از خاطرات مبارزات انقلابی وی را به همراه دارد، با ما در مغازه‌ای محقر در بازار زنجان به گفت‌وگو نشست.

خدایی بیشتر شدن آشنایی خود را با آیت‌الله زنجانی، از سال ۱۳۴۲ عنوان کرد و گفت: بنده از پامنبری‌های آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی بودم، جوانی خود را با گوش دادن به سخنان این بزرگ‌مرد آغاز کردم، بیاناتش همیشه راه‌گشای ما قبل از انقلاب بود.

خودم با مردم آن جا را خراب خواهیم کرد. من به خاطر دارم، شبیه به بازار می‌آدم، راهم را از جلوی این مرکز فحشا کج کردم، دیدم که همان شب جمعه تمام شیشه‌هایش را شکسته‌اند و آن مرکز شده است یک مخروبه.

خدایی در پاسخ به این سؤال که بعد از انقلاب آیت‌الله عزالدین زنجانی چه تأثیراتی بر روند انقلابی شهر زنجان داشتند؟، گفت: بعد از انقلاب یک گروهی نگذاشتند که آیت‌الله در زنجان باقی بماند، چرا که تهمت‌ها و برچسب‌هایی را علیه وی مطرح کرده و رواج داده بودند که آیت‌الله سیدعزالدین، ساواکی است، یکی از این افراد که این شایعه‌ها را ترویج داده بود، از دوستانم بود که قبل از انقلاب با هم اعلامیه پخش می‌کردیم که بعد از انقلاب دشمن آیت‌الله زنجانی شده بود، روزی به او گفتم که تو خجالت نمی‌کشی که بر علیه

آقا حرف می‌زنی؟ تو همان کسی نبودی که درباره

دستگیری آیت‌الله عزالدین گفته بودی اگر

چنین شود من خودم را در سبزه میدان و

جلوی شهربانی آتش می‌زنم. در عین

اینکه تهمت‌ها و افتراها علیه‌شان بود،

هیچ‌گاه از اعلام حقایق و طرد خرافات

کوتاه نمی‌آمد، لذا به یاد دارم در

جلسه‌ای، یکی از اساتید دانشگاه زنجان

در مورد نهج البلاغه سخنرانی کرده بود که

خود آیت‌الله سیدعزالدین هم در آن جا

بود؛ به قدری در آن جلسه تفسیر به رأی در شرح نهج البلاغه کرده بود که آیت‌الله به محض رسیدن به منزل با آن استاد تماس گرفته و با ناراحتی از اینکه چرا در جایی که تخصص ندارید وارد می‌شوید و نهج البلاغه را به نفع خودتان تفسیر می‌کنید، گله کرده بودند و گفتند که از این تاریخ به بعد شما حق سخن گفتن در مورد نهج البلاغه را ندارید. و در آخر این استاد دانشگاه جزو گروهک‌های ضد انقلابی شد و این تیزبینی آیت‌الله زنجانی را نشان می‌داد که چگونه افکار صحیح و غلط را به سرعت کشف کرده و درصدد تخریب افکار باطل برآمده‌اند.

خدایی افزود: به قدری آیت‌الله زنجانی تیزهوش بودند که از نحوه تفکر افراد می‌فهمیدند که ادامه زندگی آنان چگونه است، بارها به خاطر دارم که وی به افرادی می‌گفتند که افکار تو در جهت باطل است و روزی به انحراف خواهی رفت و در آینده همین طور هم شد، اکثرا یا

گفتند که تا زمانی که من در این شهر هستم نمی‌گذارم چنین امری رخ دهد.

خدایی در مورد تأثیرات انقلابی آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در شهر زنجان گفت: در سال ۱۳۴۲ تنها کسی که مرجعیت امام خمینی (ره) را در شهر زنجان اعلام کرد و تنها کسی که امام (ره) را به مردم معرفی کرد، آیت‌الله سیدعزالدین بود که در منبر گفت ایشان استاد بنده است و از دلسوزی‌های امام برای طلاب می‌گفت و تعریف می‌کرد که خودش در دوران طلبگی در قم دچار بیماری حصبه شده بود، امام خمینی (ره) برای راحتی وی از منزل، مقداری ااثیه آورده بودند تا مدت بیماری ایشان به راحتی طی شود. آیت‌الله زنجانی بارها می‌گفت که امام خمینی حق پدری بر گردن‌شان دارد، لذا به بسیاری از امثال ما بعد از فوت آیت‌الله حکیم، ایشان را برای

مرجعیت معرفی کردند و معتقد بودند که باید تمام

شیعیان تحت مرجعیت ایشان باشند، لذا در

منبر خود این امر را بیان کردند و با شجاعت

گفتند که این سخن را به کسانی که در

این جا نیستند، بگوئید. به همین خاطر در

سال ۴۲ آیت‌الله سیدعزالدین را دستگیر و

مدتی زندانی کردند.

وی در ادامه افزود: در زمانی که آیت‌الله

زنجانی به تبع امام دستگیر شده بود،

بازاری‌ها قصد تعطیلی بازار را داشتند، در

همین حال یکی از افسران با علامت گذاشتن روی مغازه‌ها و ترساندن از اینکه آن‌ها را مورد اذیت قرار می‌دهد، بازاری‌ها را از ادامه کار بازداشته بود. در زندان خبر به وی رسید، لذا بعد از آزادی در مسجد به منبر رفت و از آن جریان اظهار تأسف کرد و گفت یک نفر را به زندان آورده بودند و آنقدر به او شلاق زده بودند که پشتش سیاه شده بود و از او پرسیدم چرا هر روز تو را شکنجه می‌کنند؛ در جواب گفته بود که کارم این است که فقط عکس‌های امام را توزیع کنم، لذا هر روز مرا می‌گیرند و شکنجه می‌کنند و بعد آزادی و دوباره توزیع عکس‌ها و بازهم دستگیری و شکنجه و ...، حال شما بازاری‌ها با یک خط قرمز مغازه‌های خود را باز کرده‌اید. در «کوچه مشکی» زنجان، یک مشروب‌فروشی باز کرده بودند و قصد داشتند آن جا را مرکز فحشا و منکر قرار دهند که آیت‌الله زنجانی یک روز در نماز جمعه چنین مرکزی را تهدید کرد و گفت اگر تا هفته دیگر این مرکز تعطیل نشود، من

سعی ایشان در ارائه مکتب، فرمایش پیغمبر (ص)
بود که «بشروا و لا تنفروا» ایشان حتی این مسئله
را یکی از قرائن فهم روایات می‌دانند



کار دارم و کمکم کن، من هم رفتم منزلشان تا ساعت ۱۲ شب در منزل بودیم، در حالی برف زیادی باریده بود، مقداری وسایل همچون پتو، البسه و مقداری خوراکی برداشت و آورد و با ماشینی حرکت کردیم و در ادامه راه ماشین نمی‌توانست حرکت کند، لذا دو نفری وسایل را به دوش گرفته و به منزلی بردیم. در این منزل کرسی بود که پنج نفر زیر این کرسی رفته بودند و آیت‌الله زنجانی با دست خود، پتوها را اطراف آن کرسی و روی این فقیرها انداخت و خودش هم کنار آن‌ها نشست و شروع کرد به گریه کردن، به قدری که اشک از محاسنش شروع به ریختن کرد. من پرسیدم چرا گریه؟ شما که وظیفه خود را انجام داده‌اید؟ در پاسخ گفتند روز قیامت این‌ها جلوی ما را خواهند گرفت که ما در جایی گرم زندگی کنیم و این عده افراد در شهرمان در سرمای تند زنجان شب را سپری کنند. در زمانی که آیت‌الله زنجانی در این شهر بود ۳۰۰ خانواده را مورد حمایت خود قرار داده بود و با یک اتومبیل همه اقلام مصرفی آن‌ها را تهیه می‌کرد و غیر از این رفتار، آیت‌الله زنجانی ادبی خاص داشت و من ندیدم فردی مثل آیت‌الله زنجانی با بی‌ادبی و بی‌احترامی با رعیت و غیر رعیت رفتار کند، همان‌گونه که مثلاً برای استاندار تمام قد می‌ایستاد، برای یک فرد عادی نیز هنگام ورود تمام قد می‌ایستاد، لذا آیت‌الله زنجانی نمونه اخلاق در زنجان بودند.

خدایی در ادامه سخنانش گفت: آیت‌الله

زنجانی در موارد ضرورت، وظایف و تکلیف

مردم را در مورد دین و جامعه‌شان به

درستی تبیین می‌کردند که مردم چه باید

بکنند، زمانی ما به دیدار آیت‌الله مدنی رفتیم و او

وقتی فهمید ما از زنجان هستیم، گفت در زمان شاه

یکی از شهرهایی که از لحاظ دینی خوب مدیریت

می‌شد، زنجان به واسطه حضور آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی بود.

وی در پایان در مورد علت تبعید شدن آیت‌الله زنجانی به مشهد،

خاطرنشان کرد: زمانی که شاه به آمریکا رفته بود و علیه او تظاهراتی

شده بود و به او در مصاحبه‌ای گفته بودند که روحانیون و علمای ایران

با تو همراه نیستند، شاه هم هنگام برگشت دستور داده بود از سراسر

کشور برای استقبالش روحانیون را بیاورند، لذا از زنجان هم چند

روحانی را به استقبال شاه بردند. این افراد هنگام برگشت مورد غضب

آیت‌الله زنجانی قرار گرفتند، به نحوی که آیت‌الله زنجانی مردم را از

اینکه با آن‌ها ارتباط داشته باشند بر حذر می‌داشت، این روند به حدی

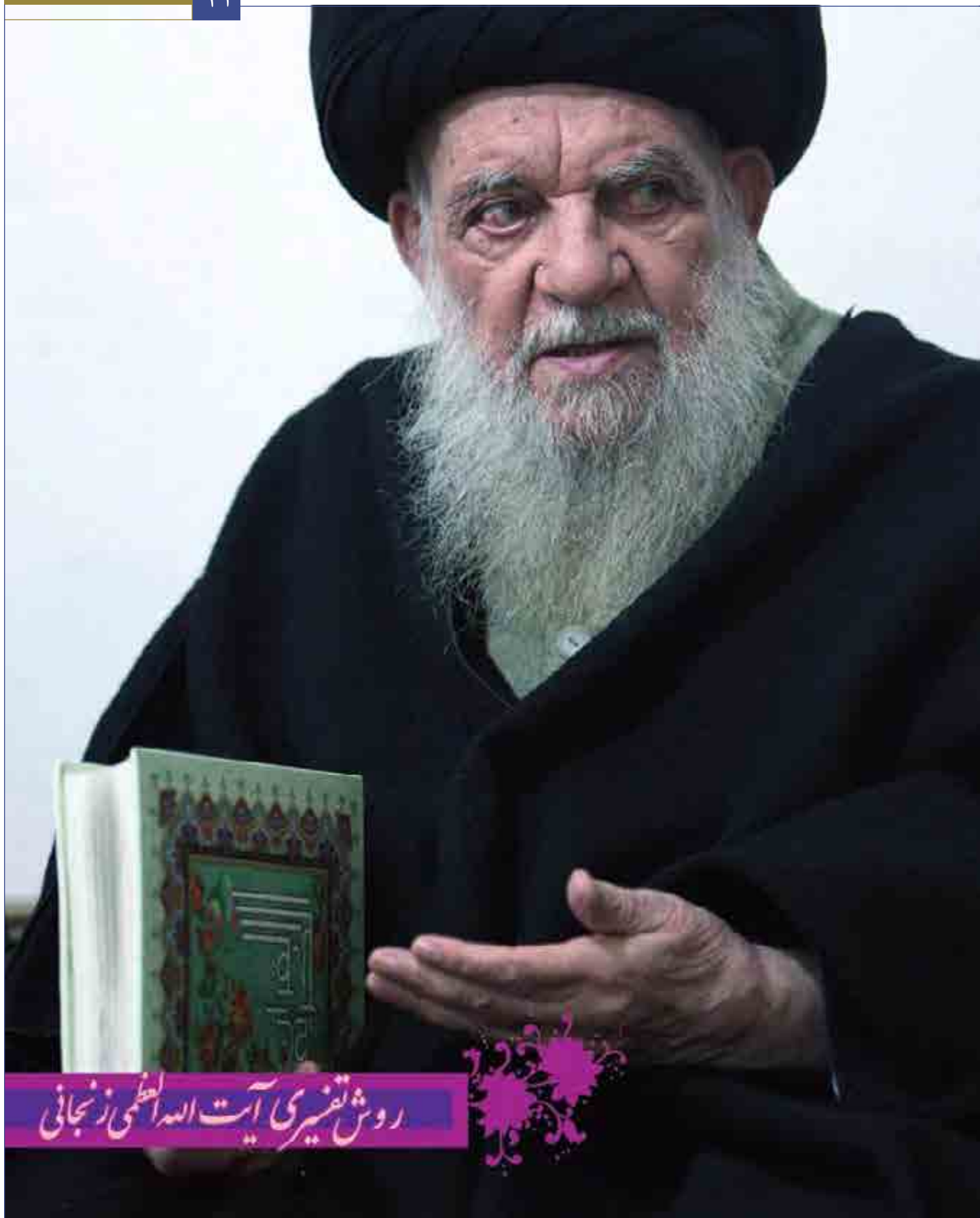
پیشرفت که آیت‌الله زنجانی را به خاطر این اینکه بیشتر مردم را علیه

آن‌ها شوراند به مشهد تبعید کردند.



کمونیسم یا مارکسیسم شدند. آیت‌الله زنجانی در مراحل تصویب قانون اساسی در مسجد شروع به تدریس قانون اساسی کرد و لذا بسیاری از افراد به ایشان خرده می‌گرفتند که الان چه موقع تدریس قانون اساسی برای مردم است با این اوضاع به هم ریخته مملکت، آیت‌الله زنجانی در جواب گفتند که اگر مردم قانون اساسی را خوب بفهمند، هیچ‌گاه سرشان کلاه نمی‌رود، وظیفه ما اکنون این است که باید در زمان حال حتماً قانون اساسی را تفهیم کنیم که چه باید بکنند و الا فردا ما هم دوباره دچار حوادث مشروطیت می‌شویم.

وی در مورد رابطه آیت‌الله زنجانی با مردم زنجان گفت: رابطه آیت‌الله زنجانی با مردم مثل پدر مهربان با فرزند بود. به مردم بی‌بضاعت سر می‌زد، یکی از طلاب زنجان نقل می‌کرد که قبل از انقلاب یک شب آیت‌الله زنجانی به من گفت امشب بیا منزل مقداری



روش تفسیری آیت الله العظمی زنجانی



آیت‌الله علی علمی اردبیلی:

عمق اندیشه و

جامع الاطراف بودن،

علت گیرایی درس تفسیر

آیت‌الله العظمی زنجانی بود

چند بعدی بودن آیت‌الله العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی و عمق اندیشه‌های ایشان باعث شد تا دروس تفسیر قرآن ایشان هم دارای عمق زیاد و ابعاد مختلف باشد.



آیت‌الله علی علمی اردبیلی، از مدرسین حوزه علمیه مشهد، در مورد شخصیت علمی و اخلاقی آیت‌الله العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی گفت: پدر بنده، آیت‌الله شیخ محمد علمی اردبیلی، با آیت‌الله سیدعزالدین، آشنایی دیرینه‌ای داشت و این آشنایی و ارتباط در زمانی که در نجف ساکن بودیم ادامه داشت، به نحوی که هرگاه آیت‌الله سیدعزالدین به نجف می‌آمدند سریعاً پدرم به استقبالشان می‌رفت. بعد از آن‌که بنده به مشهد هجرت کردم، در ابتدا قصد بازگشت به نجف را داشتم، که به خاطر کودتای صدام علیه «حسن البکر»، به عراق ممنوع‌الورود و لذا در مشهد ماندگار شدم و از زمانی که آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در سال ۵۲ به مشهد تبعید شدند به فرموده پدرم به دیدنشان رفتم و از همان زمان دیدارهایم با ایشان ادامه یافت.

این مدرس دانشگاه علوم اسلامی رضوی گفت: آیت‌الله



این محقق علوم اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا در کلاس‌های فقه و اصول آیت‌الله زنجانی شرکت کرده‌اید؟ گفت: آیت‌الله زنجانی در دوران انقلاب کلاس‌های فقه خود را آغاز کرد که بنده به این دلیل که این کلاس‌ها به خاطر راهپیمایی‌های متعدد مرتب نبود، نتوانستم استفاده کنم و بعداً که مشغله بنده به حدی شد که فرصت رفتن به کلاس‌ها از من گرفته شد، گرچه مدتی در کلاس‌های اصولی‌شان در سال‌های ۵۵ و ۵۶ در مسجد سلیمانیه مشهد شرکت کردم و در هر دو حالت کم توانستم از ایشان استفاده کنم و اگر استفاده می‌کردم خیلی خوب بود؛ چرا که بنده واقعا به ایشان و علم‌شان اعتقاد دارم؛ چرا که علمی در دستشان است که کمتر یافت می‌شود.

مؤلف شرح نه‌ایة‌الحکمة افزود: زمانی که در درس‌های فقه و اصول و تفسیر آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی شرکت می‌کردم، معلوم بود که ایشان به علوم دیگر همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی فلسفه غرب آشنایی دارد؛ چرا که در کلاس چیزهایی را می‌گفت که برای تحقیق طلبه بیشتر مفید بود. در کلاس درس در يك خط کارکردن، بسیار خسته‌کننده است، از ویژگی‌های کلاس‌های درسی آیت‌الله زنجانی این بود که در تدریس نگاهی جامع‌الاطراف به علوم داشت.

این مدرس حوزه و دانشگاه در پاسخ به این سؤال که نحوه حضور آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در مسائل سیاسی و اجتماعی چگونه است؟، گفت: در زمانی که کسی جرأت آوردن اسم امام خمینی (ره) را نداشت، آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی جزو اولین افرادی بود که امام (ره) را معرفی می‌کرد و به همین علت در میان طلاب و روحانیون زبان زد بود و خصلت‌های وسیع امام (ره) را معرفی می‌کرد.

سیدعزالدین زنجانی در مشهد درس تفسیر قرآن را آغاز کرد و بنده خود را ملزم کرده بودم که در جلسات تفسیر قرآن ایشان شرکت کنم و به قول معروف، این جلسات گیرایی خاصی داشت که من را شیفته خود کرده بود. این جلسات قرآن در سال ۵۲ برگزار شد که در آن وقت در مشهد مقدس جلسات تفسیر قرآن هم کم بود. بنده به برخی از جلسات تفسیری رفته بودم و نیز مطالعات تفسیری داشتم و حتی در تفسیر قرآن چیزهایی را نوشته و گفتم، ولی آیت‌الله سیدعزالدین انسان جامعی است؛ چرا که فیلسوف، عارف، لغت‌شناس و تاریخ‌دان است و به سخن دیگر اکثر علوم که راجع به علوم اسلامی می‌شوند را مطالعه کرده و صاحب نظر است.

وی در ادامه افزود: به خاطر چند بعدی بودن آیت‌الله زنجانی و عمق اندیشه‌هایش دروس تفسیر قرآن ایشان هم دارای عمق زیاد و ابعاد مختلف بود؛ لذا فرصت را غنیمت شمردم و نه تنها خودم بلکه عده‌کثیری از طلاب را برای شرکت در این دوره تفسیری تشویق کردم.

این مدرس مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد در مورد منش اخلاقی آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی عنوان کرد: آیت‌الله زنجانی دارای ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فردی است، از جمله این‌که دارای تواضع خاصی است و این موجب شده که میان مردم مقبولیت داشته باشد. از دیگر خصوصیات اخلاقی ایشان، شوخ طبع بودنشان است که مجلس را گرم نگاه می‌دارد و سبب می‌شود مباحث خشک علمی که در کلاس مطرح می‌شود، دل‌نشین‌تر باشد. شوخ طبعی آیت‌الله زنجانی به نحوی بود که بارها اتفاق می‌افتاد که همراه آیت‌الله زنجانی به گردش و تفریح می‌رفتیم، در حالی که ایشان از من بزرگ‌تر و عالم‌تر بودند و به صرف این‌که بنده يك طلبه‌ای هستم که با مسلک‌شان همراه هستم، بنده را تشویق می‌کردند.

محمد عبداللهیان:

اهتمام آیت‌الله العظمی زنجانی در تفسیر قرآن بیان اشارات و لطایف قرآنی است



خدمت ایشان، از این محضر نورانی بهره‌مند شدم، البته با توجه به دروس مختلفی که ایشان تدریس می‌کردند، در زمینه‌های دیگر نیز بی‌بهره نماندم، اما این استفاده‌ها بیشتر در درس تفسیر قرآن بود.

مدیرمسئول و سردبیر نشریه «آفاق نور» با بیان ویژگی‌های درس تفسیر آیت‌الله زنجانی خاطرنشان کرد: آیت‌الله زنجانی دارای جامعیت بسیار بالایی هستند که تنها برخی از عالمان دینی از آن برخوردار می‌شوند. وی در فقه، اصول، حکمت، تفسیر و شناخت فرهنگ جامع و اصیل تشیع می‌توان گفت که انسان کم‌نظیری است. آیت‌الله زنجانی شاید بیش از چهل سال است که مرجع تقلید هستند و از دوره پیش از انقلاب این شرایط را داشتند. رساله‌شان که قبل از انقلاب چاپ شده و افراد نیز از ایشان تقلید می‌کردند.

حجت‌الاسلام عبداللهیان با تبیین علت روی‌آوری آیت‌الله زنجانی به درس تفسیر قرآن در حوزه علمیه مشهد بیان کرد: نوعاً افرادی که در مقام مرجعیت هستند و اشتغالات فقهی و اصولی دارند، کمتر می‌شود

مدیر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع) با بیان این‌که به حسب روایات، قرآن کریم بر چهار پایه عبارات، اشارات، لطایف و حقایق استوار است، گفت: آیت‌الله العظمی سیدعزالدین زنجانی سالیان متمادی عمر شریف خویش را در راه تبیین اشارات و لطایف قرآن صرف کرد و معتقد است این زمینه بین مفسران مغفول مانده است.



حجت‌الاسلام و المسلمین «محمد عبداللهیان»، مدیر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، ضمن تشکر از اقدام خبرگزاری ایکننا، در بزرگداشت مقام عالمان دینی، با بیان زمینه آشنایی خود با آیت‌الله العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی گفت: آیت‌الله زنجانی قبل از انقلاب از زنجان به مشهد تبعید شده بودند. وی دروس مختلفی در مشهد مقدس ارائه می‌کرد که از جمله درس تفسیر قرآن کریم بود که زمینه آشنایی من با وی بیشتر در زمینه تفسیر قرآن کریم بود. در حدود پنج سال قبل از انقلاب با آیت‌الله زنجانی آشنا شدم و با تلمذ در

نشده است. قرآن کریم بر حسب روایات امام صادق (ع) بر چهار پایه استوار است و این چهار بعد عبارات، اشارات، لطایف و حقایق است. عبارات؛ در خور فهم عوام و عموم مردم است، اشارات؛ مختص خواص و زبندگان، لطایف؛ ویژه اولیای الهی، و حقایق؛ مخصوص پیامبران است.

مدیر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) با بیان این که بیشتر تفاسیر، در واقع تفسیر عبارات قرآن است، تصریح کرد: با وجود این که قرآن دارای اشارات و لطایف است، تفسیرها تنها به تبیین عبارت می پردازند که این آیه شریفه چه معنایی دارد، محل نزولش در کجا بوده و شأن نزولش چیست و مسائلی از این قبیل. بیشترین توجه آیت الله امام زنجانی در تفسیر، بیان لطایف آیات قرآن است. به عنوان نمونه این که چرا خداوند متعال فرمود: «ذلک الکتاب لا ریب فیه» و

نفرمود: «لا شک فیه» و یا چرا در جایی می فرماید: «انفجرت»

و جای دیگر می فرماید: «انبجست»، چه تفاوتی در

این بین وجود دارد؟ آیت الله زنجانی معتقد بود

نصف معانی قرآن در فهم لطائف آن گنجانده

شده است، لذا با اهمال این بخش، نصف

معانی قرآن کاویده نشده. لذا به نظر

می رسد که آیت الله العظمی زنجانی در

وادی شناخت و ازگان و فقه اللغة قرآن کریم

و لطائف آیات آن، فردی بی نظیر است.

مدیر مسئول فصلنامه قرآنی «بینات»

خاطر نشان کرد: جای بسیار حسرت و ناراحتی است که این چنین فردی با این ویژگی و تخصص و با این بینش دقیق و جامعیت به مطالب قرآنی می پردازد و آن طور که باید از محضر وی استفاده نمی شود. ضمن این که ایشان شناختی دقیق از روش علامه طباطبایی داشتند، با این حال می خواستند تفسیر را با آن روشی که داشتند، یک گام جلو ببرند. یعنی وادی دیگری که کمتر بر روی آن کار شده بود را کار علمی انجام دهند و مطالبی ارائه کنند تا شاگردان را با جامعیت و اجتهادی که داشتند متوجه به آن وادی کنند.

عبداللهیان با بیان این که تفسیر آیت الله زنجانی پرداختی خوب نسبت به عبارات قرآنی دارد، اظهار کرد: آیت الله زنجانی معتقد بودند که عبارات قرآن را همه می دانند و اگر ندانند هم کار دشواری نیست. آنچه باید درباره آن کار شود و همانند معانی قرآن همچنان مهجور مانده و حتی از فهم عالمان دینی و مفسران قرآن دور مانده است، فهم

که به مسائل قرآنی بپردازند. قرآن کریم در محفل های سطح بالای علمی نوعی مهجوریت دارد. معمولا اساتید به گفتن فقه و اصول مشغول می شوند و در محفل ها و مجالس درسی شان، وقت کمتری برای پرداختن به این مباحث می گذارند. آیت الله زنجانی هنگامی که در حوزه مشهود وارد شدند، با زمینه ها و قدرت فکری بالایی که داشتند، از سراسر احساس این که قرآن کریم باید در محفل های علمی مطرح شود و طلاب به درس تفسیر و شناخت قرآن بپردازند و قرآن در حاشیه دروس حوزوی و زندگی افراد نباشد، درس تفسیر را شروع کردند.

مدیر مسئول و سردبیر دوماهنامه «بشارت» تصریح کرد: استاد در واقع درس تفسیر را بدین جهت شروع کردند - که قرآن می باید در جایگاه واقعی خود که همگان را می تواند در پیرامون خود جمع کند و از معارف قرآن بهره مند شوند. قرار گیرد. نظر آیت الله امام زنجانی این بود که این جایگاه حقیقی قرآن را به حوزه ها نشان دهند؛

بنابراین درس تفسیر ایشان غنیمتی بود که در حوزه

علمیه مشهود وجود داشت و طلاب بسیار و افراد

فاضل و فرهیخته دانشگاهی و دکترها در آن

درس حاضر، و از آن بهره مند می شدند.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا روش

تفسیر آیت الله امام زنجانی همان روش

علامه بود و یا نوآوری دیگری نیز داشت؟،

بیان کرد: همانطور که می دانید، مرحوم

علامه طباطبایی در مصاحبه ای که در صدا

و سیما پخش شد، برای خودشان سه شاگرد درجه اول را معرفی، و آنان را خلاصه وجود خود خطاب کرده بودند؛ شهید مرتضی مطهری، آیت الله منتظری و آیت الله سیدعزالدین زنجانی. از آنجا که آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی یکی از سه شاگرد برتر علامه طباطبایی بود که خود وی در آن مصاحبه یاد کرده و محضر و مسلك علامه را تا حد بالایی درک کرده بود؛ لذا با مرام علامه در تفسیر قرآن به قرآن آشنا بود و از این روش در درس تفسیر خود بهره می برد، اما به نظر می رسد که آیت الله زنجانی ویژگی خاص دیگری را علاوه بر این روش در تفسیر تعقیب می کرد.

وی با بیان این که این ویژگی، پرداختن به لطائف و اشارات آیات قرآن کریم بود، اظهار کرد: آیت الله زنجانی شاید سالیان متمادی عمر شریف خود را در این راه مصروف کرده بود و معتقد بود که در این زمینه خلأی است و در بین مفسران مغفول مانده است و به آن چندان پرداخته



آیت الله زنجانی شاید سالیان متمادی عمر شریف خود را در این راه مصروف کرده بود و معتقد بود که در این زمینه خلأی است و در بین مفسران مغفول مانده است و به آن چندان پرداخته نشده است



دادن، ناراحت نشدن، یکی از محصنات آیت‌الله زنجانی بود. آیت‌الله زنجانی درس‌هایی در دانشگاه داشت و برخی از اوقات به خواست آنان درس را شروع می‌کردند. به همین خاطر در این جلسه جوانان زیادی هم شرکت می‌کردند و بعد از آن هم درس‌هایی داشتند، گاهی برای خاص دانشجویان درس داشتند که شرکت‌کنندگان فقط آنها بودند. لذا از این جنبه روحیه بالا و شرح صدی داشتند که می‌توانستند با جوانان و خصوصیات آنان هماهنگ حرکت کنند و آنها را با حقایق قرآن آشنا کنند.

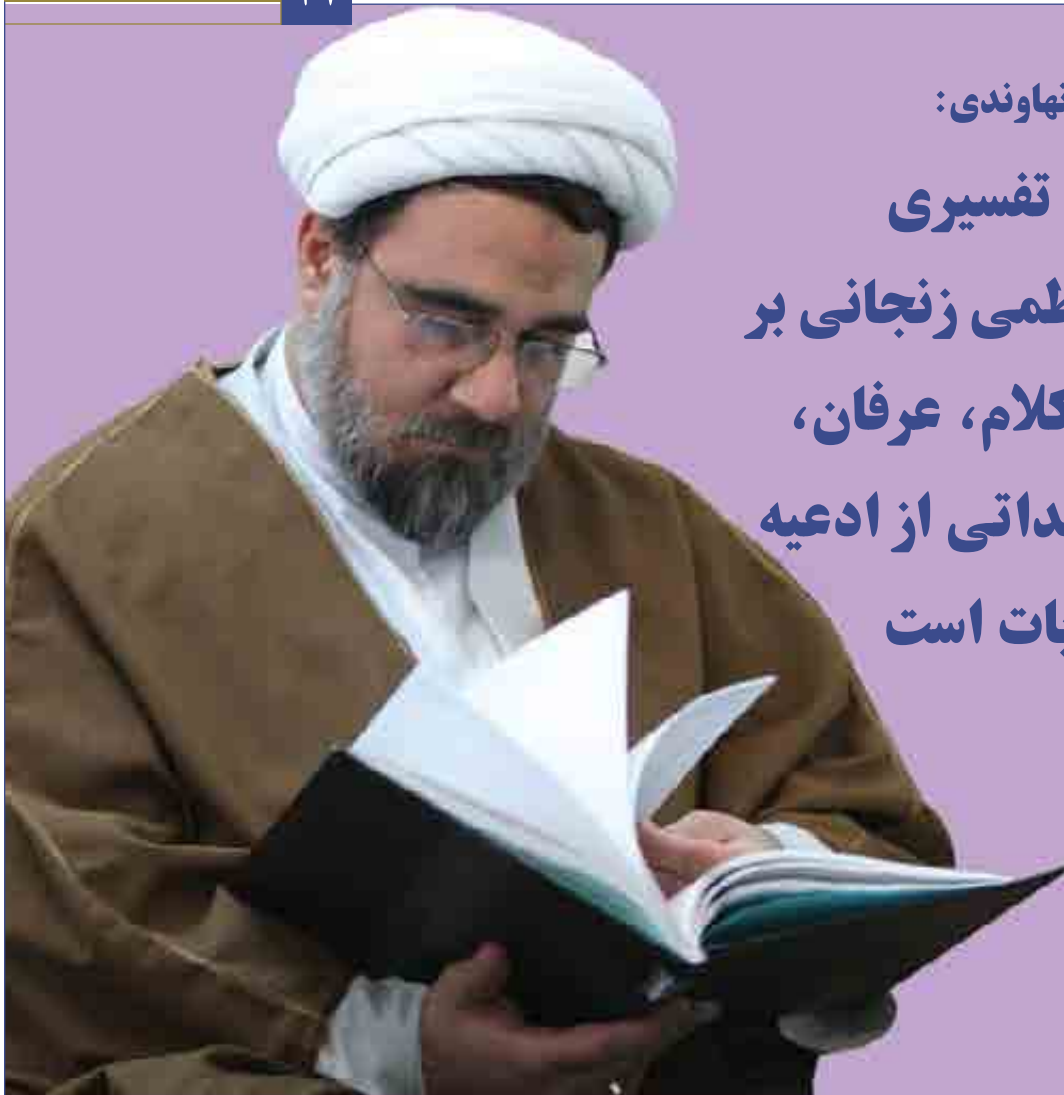
عبداللهیان با بیان خاطرات مبارزات سیاسی و فرهنگی آیت‌الله زنجانی تصریح کرد: ایشان یک عالم مبارز بود که از زنجان به مشهد تبعید شده بود. این مسئله درخشندگی بسیار تنبه‌آور داشت که فردی با این استواری به مشهد تبعید شده بود. در واقع آیت‌الله زنجانی فردی بود که در متن فعالیت‌های سیاسی و مبارزات قبل از انقلاب حضور داشتند و از طرف دیگر یکی از بزرگ‌ترین شاگردان حضرت امام خمینی (ره) در فقه، اصول بودند.

مدیر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) در پایان با اشاره به ارتباطات خصوصی میان آیت‌الله زنجانی و پدرشان و بیت حضرت امام خمینی (ره)، خاطر نشان کرد: آیت‌الله زنجانی عالم دینی بود که به تمام معنی مؤید حرکت اصل و اصیل انقلاب بود. البته اگر برخی اوقات تندروی‌هایی انجام دادند با همان روحیه خود از تذکر دادن برخی از تندروی‌ها که افراد افراطی آنها را رقم می‌زدند دریغ نمی‌کرد و تلاش می‌کرد که امور را اصلاح کند.

لطائف قرآن است. لذا ایشان با زبردستی و استادی خود، در تفسیر قرآن کریم، لطائف آیات را بیان می‌کردند. درس تفسیر آیت‌الله زنجانی در سطح خارج تفسیر بود. همانطور که می‌دانید در حوزه‌های مادر و س از سه سطح برخوردار است؛ سطح آغازین، میانه و عالی. آیت‌الله زنجانی چون یک مجتهد مسلم در فقه و اصول و مسائل مختلف بود، در وادی تفسیر نیز به صورت اجتهاد به تفسیر می‌پرداخت.

وی خاطر نشان کرد: آیت‌الله زنجانی مطالب دیگران را بسیار نقد، نقل و رد می‌کرد و رأی خود را با استدلال به کرسی علمی می‌نشاند. بنابراین آنچه که مبنای نظر ایشان بود، این‌که افراد بتوانند در سطح عالی در محدوده معارف قرآن وارد شوند و استفاده کنند. ایشان خوشبختانه روش نیکویی که داشتند، مطالب را از قبل یادداشت می‌کردند و سر درس آنها را می‌خواندند و برای دیگران توضیح می‌دادند. یکی از غنیمت‌های درس‌های تفسیری این است که نوشته‌های ایشان همچنان باقی مانده و هنوز هست و الان آماده سازی آن برای چاپ در دست اقدام است. امیدوارم این مجموعه که چاپ شود و در اختیار حوزه‌ها قرار بگیرد که در آن صورت صدها نمونه از کارهای ابتکاری در جلوی رویشان قرار می‌گیرد.

مدیر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) با بیان روحیات و ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله زنجانی تصریح کرد: ایشان یکی از روحیاتشان حشو و نشر با جوانان است، حوصله با جوانان نشستن و هم کلام شدن، به سخنانشان گوش کردن، شبهه آنان را جواب



علی نهاوندی:

ارکان تفسیری

آیت الله العظمی زنجانی بر

پایه نحو، کلام، عرفان،

فلسفه با مؤیداتی از ادعیه

ورویات است

«سلیمانیه» در مشهد درس می خواندم و تدریس هم داشتم و حضرت آیت الله زنجانی صبح ها برای آموزش درس فقه به طلاب، به مدرسه سلیمانیه می آمدند و پنج شنبه ها هم موضوعی قرآنی - اخلاقی را در آن مدرسه ارائه می دادند.

وی افزود: آن منش و هیبت حضرت آیت الله زنجانی و آن سیادت و وقارشان به گونه ای بود که ماسعی می کردیم هنگام ورود ایشان به مدرسه از پشت پنجره حجره خودمان این حرکت و وزانت و وقار را به عنوان زی طلبگی که معمولا طلبه ها از ابتدا به دنبال آن هستند که الگویی را انتخاب کنند و حس و حال معنوی در آن ها تحقق پیدا کند، بیابیم.

این مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد با تأکید بر این مسئله که شخصیت حضرت آیت الله زنجانی شخصیت قابل تحسینی است، گفت: اوایل یا اواسط طلبگی بعد از این که معارفه ای اجمالی با ایشان پیدا کردم و فهمیدم که ایشان هم از محضر مرحوم امام (ره) در درس فلسفه و اسفار استفاده کردند و هم از درس علامه طباطبایی و بقیه

رکن تفسیری آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی بر پایه فهم عمیق آیات با استفاده و استناد به مباحث نحوی و ادبیات عرب است. جهت گیری ایشان در تفسیر، جامعیتی بین مباحث کلامی، عرفانی، فلسفی و تطبیق و تأیید گرفتن از ادعیه و روایات است.



حجت الاسلام و المسلمین علی نهاوندی، از شاگردان آیت الله العظمی سیدعزالدین زنجانی، درباره شخصیت این عالم و مرجع شیعی، گفت: سابقه آشنایی بنده با حضرت آیت الله زنجانی باز می گردد به مراحل اولیه طلبگی ام. من بعد از این که بخشی از دوره مقدماتی را در حوزه علمیه تهران گذراندم، جهت گذراندن درس سطح به مشهد مقدس آمدم و از دروسی که در این حوزه علمیه تدریس می شد، بهره بردم. یکی از اتفاقات شیرینی که خاطره اش برای من ماندگار شد و همین مسئله بعد از مدتی مایه وصل و جذب من به حضرت آیت الله زنجانی شد، این بود که من در مدرسه علمیه



اخلاقی هم برای طلاب سطوح مختلف در مدرسه داشته باشند. مشاوره عالی معاونت مجلس و امور استان‌های سازمان صدا و سیما بیان کرد: یادم هست که چند هفته‌ای بحث اخلاق ادامه داشت و به دلیل کسالتی که عارض بر ایشان شد، این درس تعطیل شد، اما مباحث تفسیری را خدمت ایشان ادامه دادیم و بعد هم این درس، چهارشنبه شب‌ها در طبقه بالای منزل ایشان پیگیری شد و بعد از آن هم به مسجد امام صادق (ع) در خیابان دانشگاه منتقل شد؛ چون دایره حضور دانشجویان و اساتید گسترده شد. چیزی که مرا پس از رفتن به قم و بازگشت به مشهد مقدس - بعد از ۸ سال - بیشتر اغب و شایق کرد که از محضر ایشان استفاده کنیم و در درس عرفان و فقه و فلسفه ایشان در محدوده‌ای که قسمت و نصیب ما شده بود بهره ببرم، این بود

اساتیدی که در قم حضور داشتند، بهره بردند، احساس کردم که ویژگی‌هایی را می‌توانم در ایشان پیدا کنم. افزون بر آن، گرایش و انسی هم که به مباحث فلسفی و تحصیلی در آن ایام داشتم، مرا برای حضور در برخی از دروس ایشان که برای آن سطح علمی لازم بود، شایق کرد. ایشان در آن برهه از زمان، درس خارج فقه می‌گفتند و من هنوز به آن مرحله نرسیده بودم تا در کلاس‌های ایشان در درس خارج فقه شرکت کنم، از این رو سعی می‌کردم در کلاس‌هایی که پنج‌شنبه‌ها در باب تفسیر قرآن کریم داشتند، مشارکت داشته باشم تا لااقل در بخشی از تفسیر قرآنی که آن‌جا می‌فرمودند، حضور پیدا کنم. همین باعث شد که ما به دلیل آن فضایی که حاصل شده بود، به عنوان طلاب مدرسه سلیمانیه از ایشان درخواست کردیم که پنج‌شنبه‌ها صبح درس

جامعیت و چنین ظهور و بروز را ما در شخصیت آیت الله زنجانی می بینیم.

وی گفت: آیت الله زنجانی همیشه به مسائل نحوی و صرفی و به تعبیری ادبیات عرب تأکید داشتند. خاطر من هست که در مدرسه «سلیمانیه» چون مباحث صرفی و نحوی را تازه گذرانده بودیم و حضور ذهن داشتیم و تازه دروس سطحی؛ مثل لمعتین و رسائل را شروع کرده بودیم، به دلیل دقت آیت الله زنجانی به مسائل ادبی و نحوی که همیشه اصرار داشتند و به دانش پژوهان و طلاب می گفتند که بحث های نحوی را خوب بخوانید؛ زیرا این ها پایه های ادبیات شماس است و می توانید بر اساس آن متون دینی را خوب بفهمید و لطائف و ظرایفش را درک کنید؛ لذا اصرار دارند کسانی که می خواهند در تفسیر کار کنند یکی از پیش نیازها این است که به جای مختصر المعانی، مطول را بخوانند. یاد من هست که سؤالی نحوی از ایشان کردم و ایشان پاسخی دادند که من یک هفته روی این پاسخ فکر و مطالعه کردم و

مطالبی نوشتم و بعد خدمت ایشان آورده و گفتم این دیدگاه زمخشری، ابن فارس و دیگران است، ولی در تعبیر نحوی شما هیچکدام از این دیدگاه ها نیست. ایشان خیلی با شجاعت و جسارت گفتند که این دیدگاه من است و من هم نظریه ای در این موضوع دارم.

این مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد افزود: بعد از شنیدن این پاسخ از

آیت الله زنجانی، حس پویایی در علوم و تفسیر و رشته های دیگر را در ایشان احساس کردم و یافتم که صاحب سبک هستند و نظریه جدید دارند. حتی در حوزه نحو و معانی و بیان دارای دیدگاه هستند، به همین دلیل بعد از بازگشت از دروس خارج قم نزد مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری و بقیه اساتیدی که از محضرشان در قم استفاده و تلمذ کردم، در مشهد مقدس خدمت ایشان رسیدم. زمانی که من از قم برگشتم، اولین مأمونی که احساس کردم می تواند پناه علمی من باشد و انسی با آن داشته باشم، محضر درس آیت الله زنجانی بود که متأسفانه معارف قرآنی و تفسیری آنجا ارائه نمی شد و بخشی از مباحث عرفانی فصوص و دروس فقهی را پیش ایشان ادامه دادم.

این مدرس علوم اسلامی با بیان این مطلب که انس و ارتباط من با

که حضرت آیت الله زنجانی را شخصیتی جامع، روشن، با روحیه انقلابی، مشارکت جو در فضاها علمی، درسی و فرهنگی یافتیم و سوابق حضورشان در صحنه های مختلف جامعیتی را از ایشان در ذهن من شکل داده بود. جالب است که بدانید من با حس مقایسه ای عرض می کنم - هر يك از علمای ما معمولاً در يك یا دو رشته صاحب نظر هستند و در حقیقت فعالیت های علمی خودشان را در آن زمینه سامان داده اند، اما یکی از ویژگی های برجسته حضرت آیت الله زنجانی این است که در بخش های مختلف علمی، اعم از فلسفه، کلام، تفسیر، بحث های فقهی، اصولی هم اساتید فراوانی دیده و هم انصافا کار کرده اند و در طرح دیدگاه ها و نظریاتشان، صاحب نظر هستند و به این اضافه کنید مباحثی که ایشان در حوزه ادبیات، شعر و مثنوی و مولوی شناسی به گونه ای کار کرده اند که نقدهایی از بعد تخصصی و علمی به محتوا و مضامین این متون دارند.

این مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد افزود:

علاوه بر این مباحث، حس توسل و اذکار و ادعیه ای که در ایشان وجود دارد که مکرر در مکرر این مسئله برای من و دیگران اتفاق افتاده بود، قابل توجه است. گاهی اوقات فرزندانم که به دنیا می آمد، خدمت حضرت آیت الله زنجانی می بردیم، ایشان دعای حضرت سجاد (ع) را برایش می خواندند. اگر شما در صحیفه سجاده نگاه کنید این دعا شاید قریب به دو یا سه صفحه است، با این حال

این دعا را از حفظ می خواندند و خیلی متعبد به ادعیه بوده و هستند. حجت الاسلام نهانندی تصریح کرد: یاد من هست که به ما می گفتند: «شما به مفاتیح اکتفا نکنید، دعاهای اصیلی داریم که در کتب ادعیه دیگر آمده است» و از ما می خواستند و می خواهند که این دعاها را در جای جای زندگی بکار گیریم. با این که ایشان سبک عرفانی و عرفان نظری را از بعد تئوریک کار کرده اند، ولی جالب است که بدانید حس «ولوی» ایشان به گونه ای است که اگر گاهی اوقات از ایشان سؤال می کردیم در رفتار عرفانی شخصیت های عارف ما این اذکار دیده می شود، ایشان پاسخ جالبی می داد؛ برای نمونه يك بار به من می گفتند: «در همان ساعتی که شما می خواهید ذکر یونسیه را ۴۰۰ بار در سجده بگویند، ائمه اطهار (ع) دعا دارند و لحظات دعا را برای ما تشریح و ترسیم کردند.» می خواهم بگویم با تمام این ویژگی ها چنین

علاوه بر این مباحث، حس توسل و اذکار و ادعیه ای که در ایشان وجود دارد که مکرر در مکرر این مسئله برای من و دیگران اتفاق افتاده بود، قابل توجه است

کردند که خیلی برایم تازگی و جذابیت داشت. ایشان از آیه‌ای استفاده کرده و گفتند که متن این آیه یک قاعده، سنت و اصل است و بعد هم از «مکارم الاخلاق» و دعا‌های امام سجاد (ع) برای آن مؤید آوردند. به همین دلیل اگر بخواهم بگویم که صرفاً مشی ایشان مشی روایی است یا تفسیر ایشان فلسفی است یا کلامی است، صحیح نیست؛ زیرا این‌گونه ندیدم که بخواهد بر پایه‌ای خاص در تفسیر استوار باشد. با توجه به این‌که مرحوم جد ما، آیت‌الله شیخ محمد نهایندی خودشان مفسر و صاحب تفسیر نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن هستند؛ زمانی که تفسیر ایشان را مطالعه می‌کنم، تفسیری روایی است و تفسیر مرحوم ملاصدرا یک تفسیر فلسفی است، تفسیر زمخشری باز ویژگی خاصی دارد، عرض این است که جامعیت و تبیین مباحث را در بخش‌ها و لایه‌های مختلف تفسیر آیت‌الله زنجانی داریم.

حجت‌الاسلام نهایندی گفت: به دلیل همین جامعیت در تفسیر، معمولاً تفسیر و تبیین آیات خیلی کند جلو می‌رود و گاهی اوقات چند ماه می‌گذرد و تنه‌روی ۲ یا ۳ آیه طرح بحث می‌شود و زوایای مختلف مطرح و برداشت‌هایی بر پایه اصول و قواعد نحوی و ادبی و یا عرفانی و فلسفی مطرح می‌شود که منظومه و مجموعه‌ای از این مطالب است.

آیت‌الله زنجانی در همین محدوده است، بیان کرد: اگر چه بهره‌وافر و زیادی از آیت‌الله زنجانی نبودم، اما همین درک حضور ایشان در بخش‌های مختلف برای من پیامدها و پنندهای خیلی محکم علمی و عملی داشته و دارد. یکی از نکات جالب و برجسته‌ای که برای من در تفسیر ایشان است و حتی چندین سال که در درس تفسیر آیت‌الله جوادی آملی در قم بودم، اگر بخواهم تفاوتش را در یک حوزه مقایسه‌ای عرض کنم این‌که رکن تفسیری آیت‌الله زنجانی بر پایه فهم عمیق آیات با استفاده و استناد به مباحث نحوی و دروس ادبیات عرب است. به عبارتی، کاملاً محسوس و ملموس است که برداشت ابتدایی آیت‌الله زنجانی از آیات، بر اساس قواعد نحوی و صرفی ادبیات عرب اتفاق می‌افتد. جهت‌گیری ایشان به

تعبیر بنده که در آن مراحل اولیه با این مشی آشنا شدم، جامعیتی بین مباحث کلامی، عرفانی، فلسفی و تطبیق و تأیید گرفتن از ادعیه و روایات است.

حجت‌الاسلام نهایندی افزود: چند شب پیش که خدمت ایشان بودم، طرح بحثی را داشتند و فی البداهة مسئله‌ای را مطرح



است بدانید که کتاب‌هایی را که گاهی نوشته شخصیت‌های غیر مسلمان و غیر ایرانی است، برای مطالعه پیشنهاد می‌دهند. ایشان زبان فرانسه را می‌دانند، حتی در ملاقات‌هایی که با شخصیت‌های خارجی اتفاق می‌افتد که محدودده‌اش هم گسترده است، به بحث و مباحثه می‌پردازند. حافظه بسیار قوی ایشان و حضور ذهن بسیار بالای ایشان در این سن قابل توجه است. اگر شما الآن بحثی را از دوره مشروطه - شاید پدرشان در آن دوره بود، اما شنیده‌ها و یافته‌های بعد از آن زمان را کاملاً درک کرده‌اند - بپرسید، حضور ذهن دارند. صحنه‌های جزئی زندگی خود را هم مطرح می‌کنند.

این مدرس علوم اسلامی با بیان این مطلب که آیت‌الله زنجانی خیلی تحت تأثیر مرحوم حضرت امام (ره) است، گفت: در آن بیماری حادی که آیت‌الله زنجانی پیدا کرد، مکرراً این را برای ما نقل کردند که به حالت ناتوانی که نمی‌توانستند سخن بگویند، می‌بینند که حضرت امام (ره) وارد منزلشان شدند و احوال‌پرسی کردند و از منزل بیرون رفته و طبیب آوردند و بستر ایشان را جابجا کردند، دارو گرفتند. ایشان معمولاً این مسئله را برای افراد نقل می‌کنند، خلاصه، این گرایش مردمی ایشان و آن دلسوزی‌های دقیقشان، مسئله توسلات و توجهات روزهای جمعه، روضه‌های ایشان که از دیرباز هست، مشی و وقاری که در وجودشان هست،

از ویژگی‌های رفتاری ایشان است. ما هر وقت گرفتگی روحی و قبض پیدا می‌کنیم، زمانی که خدمت ایشان می‌رسیم، منبسط می‌شود؛ یعنی انسان حسی خوشایند دارد. صمیمی و خوش مشرب هستند و محضر پربرکتی دارند. معمولاً در جلساتی که حضور پیدا می‌کنیم یا يك فرع فقهی مطرح می‌شود یا خاطره‌ای نقل می‌کنند. احاطه‌ای که بر شعر و ادبیات دارند، مباحثی که طرح بحث می‌کنند را لطیف می‌کند. یکی از ویژگی‌هایی که من از ایشان سراغ دارم و خیلی جالب است، این است که گاهی اوقات برخی از نیازهایی که ما از نظر روحی و معنوی و راهکار زندگی داریم به صورت غیر مستقیم در بیاناتشان دیده می‌شود. هدایت الهی است که این اتفاق می‌افتد، ولی اگر هم نکته‌ای را بخواهند ذکر کنند،

نوآوری‌ها و شکوفایی‌ها و برداشت نواز آیات قرآن در لابه‌لای تفسیر آیت‌الله زنجانی دیده می‌شود که گاه به گاه ایشان مؤیدات روایی و ادعیه‌ای را دست‌مایه برای تفسیر و تبیین قرآن کریم قرار می‌دهند. از ویژگی‌های آیت‌الله زنجانی این است که ایشان مشی اجتماعی دارند؛ یعنی در حقیقت انس و مأنست با اطرافیان داشته و حلقه ارتباطی خود را محدود به دوستان حوزوی یا اساتید حوزوی نمی‌کنند، اتفاقاً منزل ایشان بیش از آن‌که محل رفت و آمد حوزویان باشد، بیشتر محل رفت و آمد اساتید دانشگاه، مسئولان و فعالان اجتماعی - سیاسی است که این مسئله، جامعیت شخصیت ایشان را می‌رساند که برای گروه‌های مختلف حرف و پیام دارند.

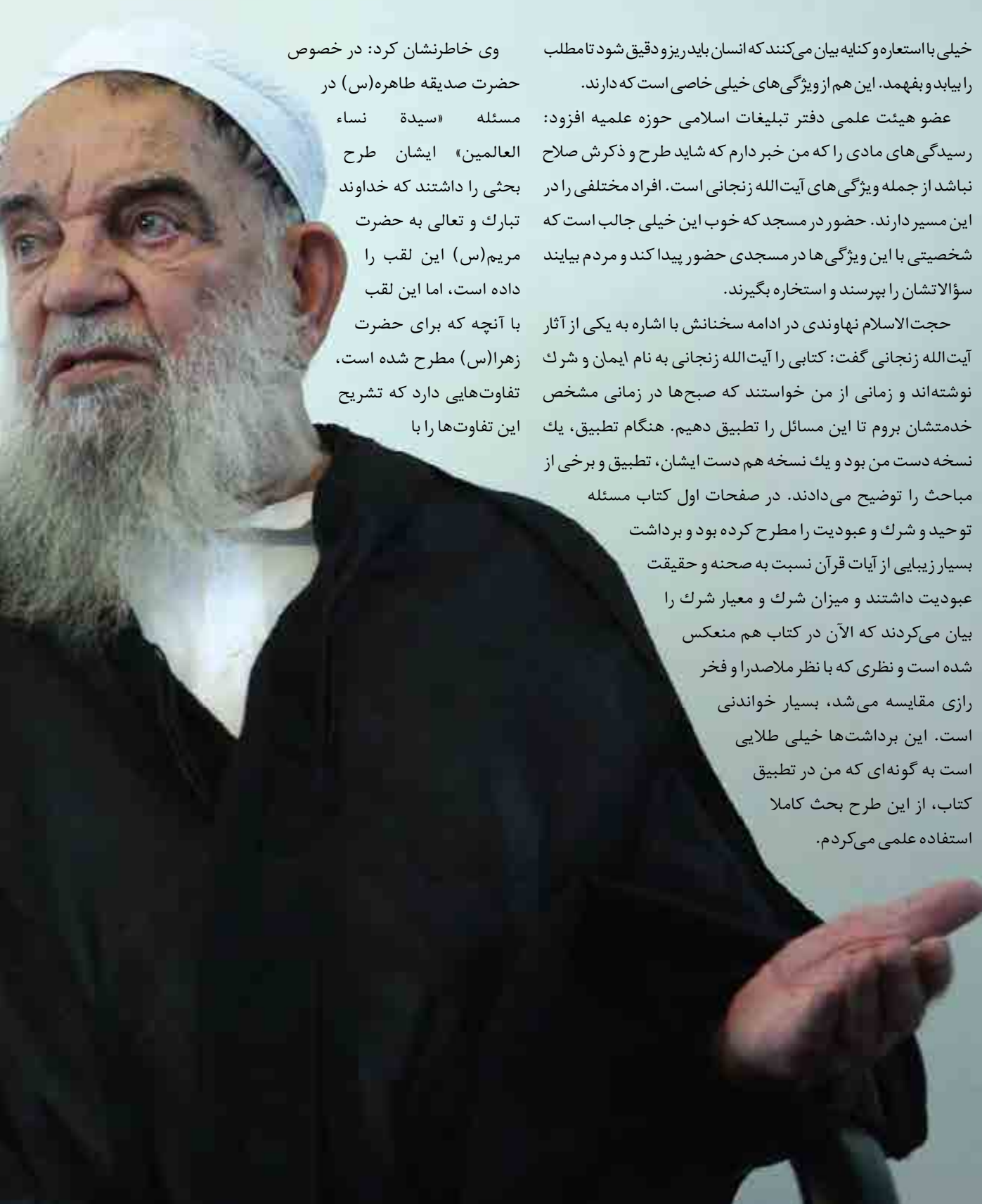
نپاوندی با اشاره به توجه خاص آیت‌الله زنجانی به ائمه اطهار (ع)، گفت: اگر حس ولوی که من در ایشان سراغ دارم را بخواهید احساس و لمس کنید و از بعد شخصیتی و حس توسل و توجه ایشان به ائمه اطهار (ع) و استمدادگیری از این

بزرگواران آگاه شوید، همین بس که بدانید آیت‌الله زنجانی دو جلد تفسیر و شرح خطبه حضرت زهرا (س) را در برنامه خود داشتند که انصافاً شرح محکم و متقنی است. این بخشی از حضور متوسلانه و تبرک جستن به صاحت مقدس ائمه معصومین (ع) در شخصیت ایشان است. آن زمانی که حالشان بهتر بود، معمولاً به دعوت‌های شخصی افرادی که با آن‌ها مرتب بودند جواب

همین بس که بدانید آیت‌الله زنجانی دو جلد تفسیر و شرح خطبه حضرت زهرا (س) را در برنامه خود داشتند که انصافاً شرح محکم و متقنی است

مثبت می‌دادند که با این کار به افراد هویت دینی می‌داد. مکرر می‌شد که ایشان را در مجالس عروسی و عزای دوستان و اطرافیان و شخصیت‌هایی که در حقیقت توجیه داشت که در مراسم‌شان حضور پیدا نکنند، دیدیم. این نشانه از مشی مردم‌گرایی ایشان است. در مواجهه با مسئولان به مشکلات و معضلات اجتماعی اشاره می‌کنند و به فضاهایی که باید سوق دهند و هدایت کنند، توجه می‌دهند.

وی با بیان این مسئله که پی‌گیری مشکلات جوانان از دغدغه‌های آیت‌الله زنجانی است، اظهار کرد: مکرر در مکرر دیدیم که در ملاقات‌ها و جلسات با مسئولان، بحث ازدواج جوانان را مطرح می‌کنند و پیشنهادهایی را هم در این رابطه دارند. جالب



خیلی با استعاره و کنایه بیان می‌کنند که انسان باید ریز و دقیق شود تا مطلب را بیابد و بفهمد. این هم از ویژگی‌های خیلی خاصی است که دارند.

عضو هیئت علمی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه افزود: رسیدگی‌های مادی را که من خبر دارم که شاید طرح و ذکرش صلاح نباشد از جمله ویژگی‌های آیت‌الله زنجانی است. افراد مختلفی را در این مسیر دارند. حضور در مسجد که خوب این خیلی جالب است که شخصیتی با این ویژگی‌ها در مسجدی حضور پیدا کند و مردم ببینند سؤال‌اتشان را بپرسند و استخاره بگیرند.

حجت‌الاسلام نهایندی در ادامه سخنانش با اشاره به یکی از آثار آیت‌الله زنجانی گفت: کتابی را آیت‌الله زنجانی به نام ایمان و شرک نوشته‌اند و زمانی از من خواستند که صبح‌ها در زمانی مشخص خدمتشان بروم تا این مسائل را تطبیق دهیم. هنگام تطبیق، یک نسخه دست من بود و یک نسخه هم دست ایشان، تطبیق و برخی از مباحث را توضیح می‌دادند. در صفحات اول کتاب مسئله توحید و شرک و عبودیت را مطرح کرده بود و برداشت بسیار زیبایی از آیات قرآن نسبت به صحنه و حقیقت عبودیت داشتند و میزان شرک و معیار شرک را بیان می‌کردند که الآن در کتاب هم منعکس شده است و نظری که با نظر ملاصدرا و فخر رازی مقایسه می‌شد، بسیار خواندنی است. این برداشت‌ها خیلی طلایی است به گونه‌ای که من در تطبیق کتاب، از این طرح بحث کاملاً استفاده علمی می‌کردم.

وی خاطر نشان کرد: در خصوص حضرت صدیقه طاهره (س) در مسئله «سیده نساء العالمین» ایشان طرح بحثی را داشتند که خداوند تبارک و تعالی به حضرت مریم (س) این لقب را داده است، اما این لقب با آنچه که برای حضرت زهرا (س) مطرح شده است، تفاوت‌هایی دارد که تشریح این تفاوت‌ها را با

ایشان نقل می‌کنند که زمانی که من با مرحوم مطهری در زندان بودم، بحث‌هایی داشتیم و گاهی اوقات راجع به برداشت‌های حافظ شیرازی از قرآن کریم بحث می‌کردیم. چیز جالبی که بود و من تا به حال نشنیده بودم و آیت‌الله زنجانی فرمود، این بود که مرحوم مطهری يك نوآوری انجام داده بود که از مباحث خارج از

زندان مطلع شود، در آن زمان مرحوم فلسفی؛

واعظ شهیر و تعدادی افراد دیگر هم در زندان

بودند. ایشان می‌فرمود که شهید مطهری

به کسی گفته بود که هندوانه برایشان

بیاورد. هر هفته که هندوانه می‌آمد ما

می‌دیدیم که يك سری اطلاعات جدید

کشف می‌شود و فهمیدیم که زخم

کوچکی روی هندوانه درست می‌کنند و

در يك کاغذ پیچیده شده مطالب مهم و

سری را می‌نویسند و شهید مطهری هر هفته این مطالب را از

هندوانه‌ها بیرون می‌آورد و برای ما می‌خواند. آیت‌الله زنجانی بخش

مبارزه و زندانی شدن را با این خاطرات ذکر می‌کردند.

نهادندی در پایان سخنانش خاطر نشان کرد: اما درباره انسی که

امام (ره) با پدر ایشان داشتند و ارادتی که حضرت آیت‌الله زنجانی به

امام (ره) داشت، همین بس که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب طی

حکمی که خود آن حکم هم تجلیل از شخصیت علمی و اجتهادی

آیت‌الله زنجانی است، امام (ره) ایشان را امام جمعه زنجان و نماینده

خودشان در زنجان می‌کنند. در ابتدای امر در زمان شاه آیت‌الله

زنجانی به مشهد تبعید بودند که حکایت از این دارد که در جرگه

مبارزان و مخالفان با رژیم سلطنتی بود که تحت تأثیر ویژگی‌های

مرحوم حضرت امام (ره) این اتفاق افتاد. مرحوم علامه طباطبایی

هم در مصاحبه تلویزیونی خود زمانی که از ایشان می‌پرسند بعد از

شهادت شهید مطهری از شاگردان مبرزتان چند نفری را نام ببرید

ایشان با تأملی علاوه بر نام بردن از چند شخص دیگر می‌فرماید:

«امام زنجان» که نشانه از این است که آیت‌الله زنجانی تجلی و ظهور

علمی و بروزهای خاصی دارد که مورد توجه این دو استاد بزرگوار قرار

گرفته بود.

استناد به آیات دیگر و مضامین آیات مطرح می‌کردند. عرض این بود که همانجا این احاطه و تسلط ایشان به بخش‌های مختلف قرآن کریم و برداشت‌های ناب و شفاف که واقعا جای تأمل و تعمق دارد، برای ما حاصل می‌شد. ایشان روش و سبک قرآن به قرآن را

می‌پسندد و خود هم عمل می‌کند؛ یعنی برخی از آیات

قرآن می‌تواند براساس خود قرآن کریم تفسیر

شود. به عبارتی برخی از آیات، مفسر و مبین

برخی آیات دیگر است. آیت‌الله زنجانی هم

از همین سبک در بخشی از تفسیر قرآن

کریم استفاده می‌کردند و به همین دلیل

نسبت به مشی و روش علامه طباطبایی

وجه مخالفتی دیده نمی‌شود، اما این که

چه میزان از برداشت‌های تفسیری

علامه را ذکر کرده‌اند، الآن برای

بیان مصداق، حضور ذهن ندارم.

وی در مورد ارتباط آیت‌الله زنجانی با امام

خمینی (ره) گفت: آیت‌الله زنجانی انسی به

درس امام (ره) داشت. در درس اسفار

امام (ره) چند نفری بیشتر نمی‌رفتند که

یکی از آن‌ها آیت‌الله زنجانی بود.

همچنین رفاقت و همراهی که با

شهید مطهری داشتند.



آیت‌الله زنجانی انسی به درس امام (ره) داشت. در درس اسفار امام (ره) چند نفری بیشتر نمی‌رفتند که یکی از آن‌ها آیت‌الله زنجانی بود

هادی رستگار مقدم گوهری:

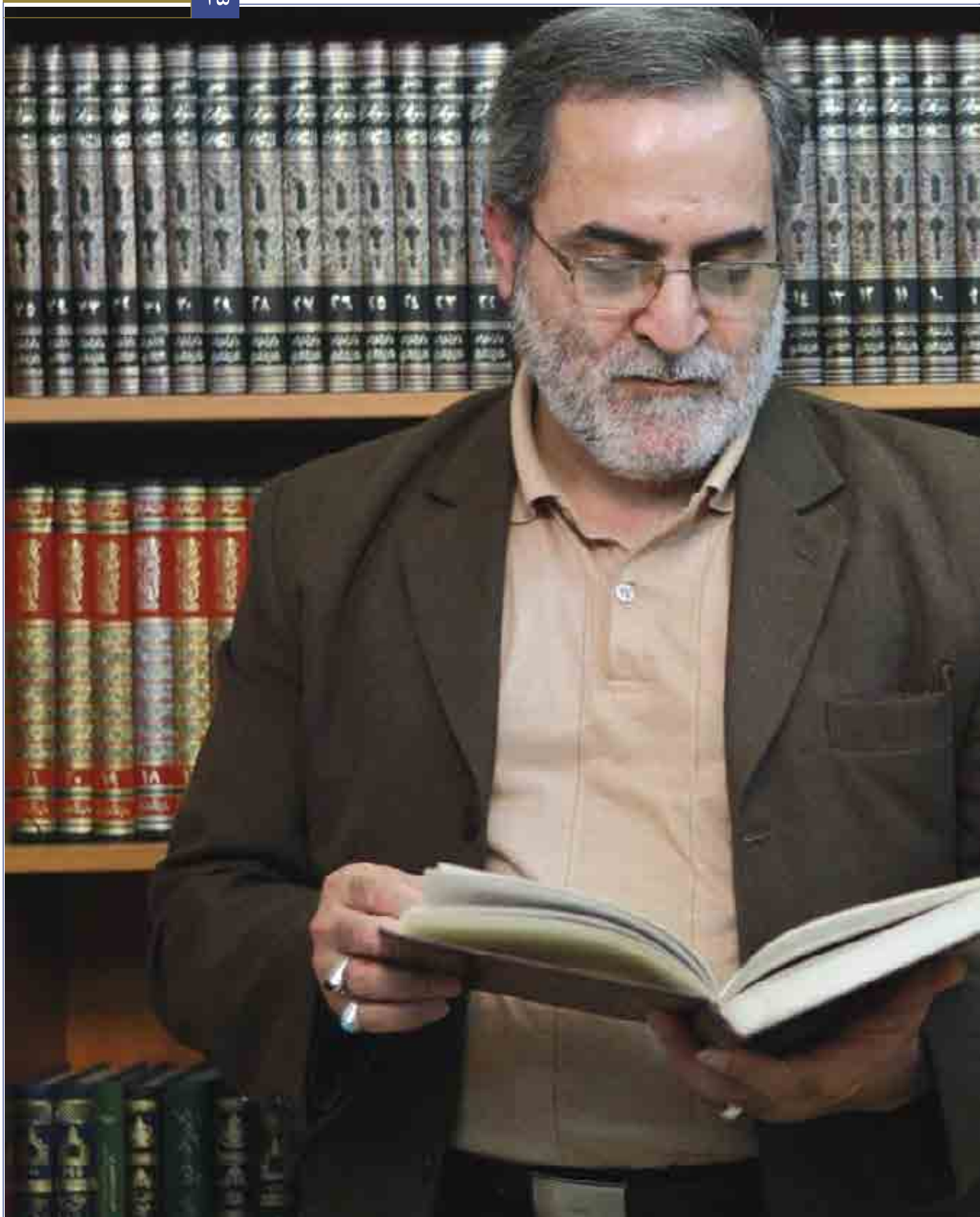
پای بندی آیت‌الله‌العظمی زنجانی به سیاق آیات قرآن تا مرز عدم تعارض با روایات است

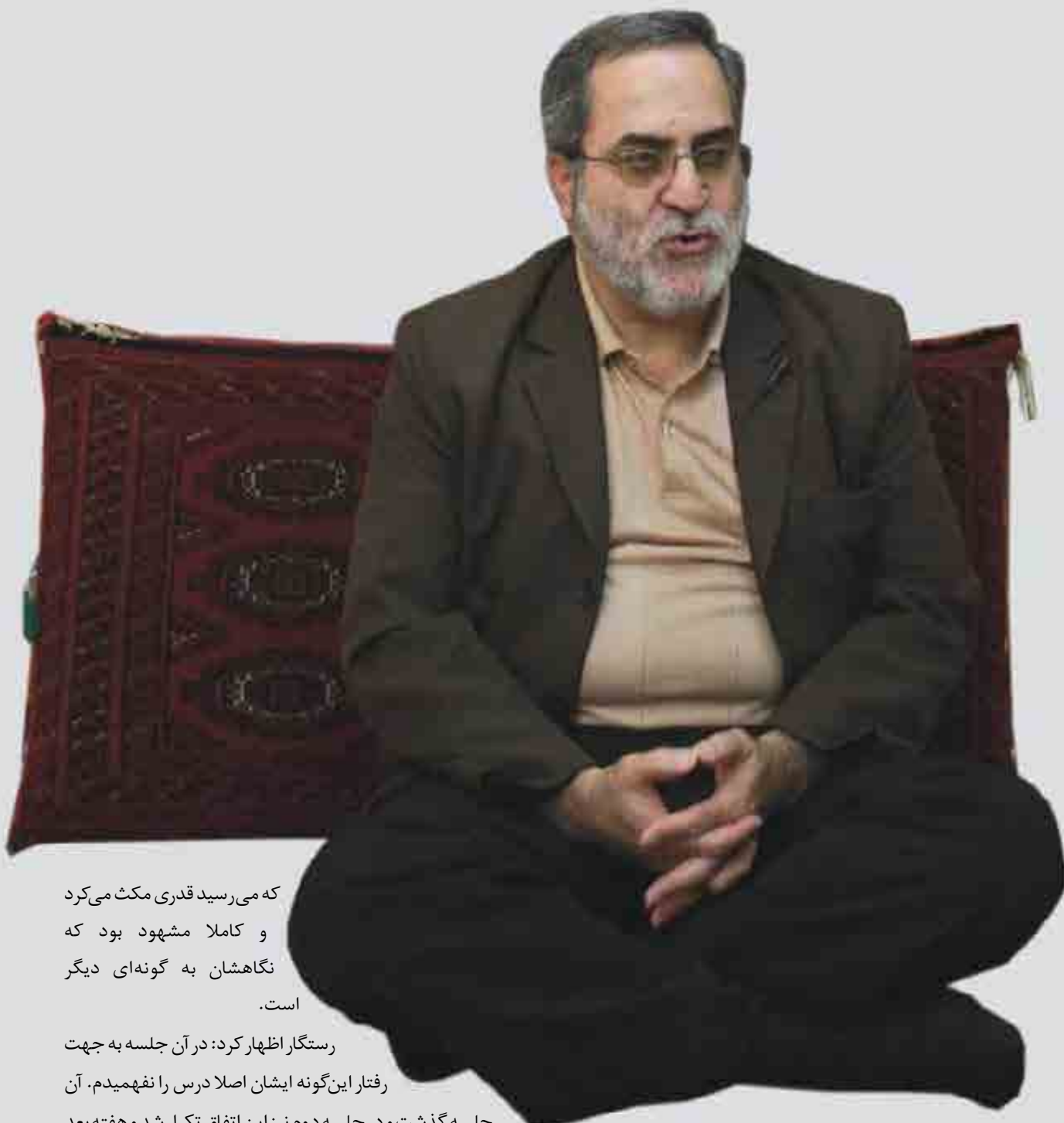
وی افزود: در واقع من با خود آیت‌الله زنجانی آشنائیت چندانی نداشتم؛ یعنی حتی اسم ایشان را هم نشنیده بودم. شبی خواب دیدم که فردی گفت: قرار است حضرت حجت (عج) تشریف بیاورند، هر کس دوست دارد به این آدرس برود. آدرس هم به گونه‌ای بود که از یک طرف محصور به دیوار بود و از سمتی هم تا چشم کار می‌کرد، بیابان بود. یکی از کسانی که علاوه بر آن جمعیت کثیر در آنجا حضور داشت، بنده بودم. در آن جمعیت شخصیت را نمی‌دیدم و چهره‌اش واضح نبود، ولی فردی را دیدم که جلو ایستاده و نماز می‌خواند و بنده هم پشت سر و در سمت راست ایشان ایستادم و نماز خواندم، وقتی نماز تمام شد، آمدند در قسمت انتهایی جمعیت، جایی که دیوار بود، نشستند و چیزی شبیه پوست تخته‌ای انداخته بودند و دو متکا به عنوان پشتی قرار داده و تکیه داده بودند، به گونه‌ای که یک زانویشان جمع شده بود و زانوی دیگر هم بالا بود، دست آقا را بوسیدم و کنارشان نشستم.

محقق کتاب لوامع الانوار فی شرح عیون اخبار الرضا (ع)، با بیان این مسئله که از این خواب خیلی متعجب و به دنبال تعبیر آن بودم، گفت: این مسئله در ذهنم بود تا این‌که توسط یکی از دوستان شنیدم که آیت‌الله زنجانی درس تفسیر دارد و به علت علاقه فراوان دوست داشتم در این درس شرکت کنم. آدرس محل جلسه را تقریباً روز شنبه به من داد و جلسه هم پنج‌شنبه برگزار می‌شد و دوست داشتم این زمان زودتر فرارسد. شب چهارشنبه من مجدداً خود

پای بندی آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی در تفسیر قرآن کریم به سیاق تا جایی است که با روایات و شیوه‌های عقلی تضاد پیدا نکند و جهت موفقیت وی در تفسیر آیات به مدد جریان عقلانیت صحیح و مقید است.

«هادی رستگار مقدم گوهری»، از شاگردان درس تفسیر آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی، درباره ابعاد مختلف علمی و شخصیتی استادش گفت: بنده از سال ۱۳۶۰ تقریباً مقارن با آن سالی که منزل آیت‌الله زنجانی به خیابان دانشگاه (محل فعلی) منتقل شد، با ایشان آشنا شدم. من از سال‌های گذشته؛ یعنی قبل از انقلاب، خیلی علاقه‌مند به بحث تفسیر قرآن کریم بودم و تمایل داشتم که اگر جایی درس تفسیر قرآن گفته می‌شود، شرکت کنم. قبل از انقلاب در منطقه‌ای به نام «چناران» زندگی می‌کردم و آن هم به این علت بود که پدرم در کارخانه قند چناران فعالیت می‌کرد و ما هم آنجا ساکن بودیم و بعد از انقلاب به مشهد مقدس منتقل شدیم و شنیدم که حضرت آیت‌الله زنجانی به منزل فعلی خود منتقل شدند و در مسجد امام صادق (ع) روزهای پنج‌شنبه و جمعه صبح تفسیر قرآن می‌گویند. از همان تاریخ به جهت این‌که علاقه‌مند به تفسیر بودم در این درس‌ها شرکت کردم و باب آشنایی و مرادهم با ایشان بیشتر باز شد. این جهتی هم داشت که شاید بیان آن ضرورتی هم نداشته باشد و بیشتر متوجه خوابی بود که دیدم.





که می‌رسید قدری مکث می‌کرد
و کاملاً مشهود بود که
نگاهشان به گونه‌ای دیگر
است.

رستگار اظهار کرد: در آن جلسه به جهت
رفتار این‌گونه ایشان اصلاً درس را نفهمیدم. آن
جلسه گذشت و در جلسه دوم نیز این اتفاق تکرار شد و هفته بعد
که جلسه سوم بود، وقتی درس تفسیر را بیان کردند و تفسیر تمام شد،
جمعیت رفت و من هم برخاستم تا بروم، آقا فرمود که شما بمانید.
ماندم، مسائلی را سؤال کردند و بعد فرمود که از من تقاضا شده است تا
نمازی را در این مسجد (مسجد امام صادق(ع)) بخوانم، شما اگر
مجاله دارید بیایید تا به اتفاق به مسجد برویم، من هم پذیرفتم و این

آیت‌الله زنجانی را در خواب دیدم و این در حالی بود که
من تا به آن زمان نه ایشان را دیده بودم و نه اسمشان را شنیده بودم.
ایشان را با همین شکل و قیافه‌ای که هستند در ساختار قدیمی
منزلشان در خواب دیدم. مصمم تر شدم تا در کلاس‌های تفسیر شرکت
کنم. زمان برگزاری رسید و من دیر رسیدم، اتاق پر بود و جایی را یافتم
که تقریباً مقابل خود آقا بود. ایشان به جمعیت که نگاه می‌کرد به بنده

برگزار می‌شد. در سال ۱۳۶۱ با توجه به تعداد زیاد جوانان و وجود دانشکده‌های متعدد در اطراف مسجد امام جعفر صادق (ع)، دانشجویها در کلاس‌ها حضور داشتند که عموماً به خاطر شخصیت ایشان بود.

نویسنده مکاتیب الامیر: نامه‌های حضرت امیرالمؤمنین (ع)، با اشاره به این‌که در آن زمان خطر خانقاه‌ها مشهود بود، تصریح کرد: در آن زمان شنیده می‌شد که خانقاه‌هایی در مشهد راه‌اندازی شده است که عده‌ای از جوانان را جذب کرده و در آن مجالس اعمالی چون سماع و رقص و امثال چیزهایی که صوفیه و بعضی از عارف‌نماها از خود در می‌آوردند، انجام می‌دهند. به گمانم در همان ایام هم یکی دو جلد کتاب خدمت ایشان آوردند که با دیدن آن‌ها خیلی ناراحت شدند که چرا این کتاب‌ها در دست جوانان و دانشجویان است؛ زیرا این‌ها کتبی ناصحیح است که اعتقادات را دچار گمراهی می‌کند. در همان زمان پیشنهاد کردم که درس تفسیر مثنوی در مسجد امام صادق (ع) برپا کنیم. ایشان نیز مثنوی را به این جهت بیان کردند که در واقع نقدی باشد بر رفتارهایی که در این خانقاه‌ها و امثال آن‌ها انجام می‌شود.

این مدرس حوزه و دانشگاه دو هدف را در برگزاری این کلاس مورد توجه دانست و عنوان کرد: هدف اول آنکه عرفان واقعی به صورت علمی مطرح و نشان داده شود تا مردم بدانند که عرفان چیست و دیگر

این‌که انحرافات که در عرفان‌های ظاهری وجود دارد، بیان شود. این کلاس تقریباً سه سال ادامه پیدا کرد و اغلب جلسات را ضبط کردیم که با توجه به کمبود نوار کاست این کار به سختی انجام شد. بعداً نیز این نوارها بر روی کاغذ پیاده و اصل آن نیز نگه داشته شد که هنوز آماده چاپ نشده، ولی بحث‌هایی از آن را آماده کردم که البته زمان عمیق‌تری برای کار می‌طلبید. جو مشهد مقدس موافق با عرفان و فلسفه نبود، طبیعتاً فشارهایی جهت برگزاری این کلاس‌ها بود؛ یعنی هم انحرافات که با این صوفی‌نماها و عارف‌نماها انجام می‌شد و هم نگاه ضد فلسفی که در مشهد بود سبب ایجاد فشار می‌شد تا این‌که پیامی آمد که بناست جلساتی برگزار شود تا توضیح داده شود که چه ضرورتی دارد که هم‌اکنون فلسفه و به ویژه مثنوی در مسجد امام صادق (ع) مطرح شود؟

موجب شد که من هر روز و شب را به اتفاق ایشان به مسجد بروم و یک سال به همین منوال گذشت. در سال ۶۱ جریانات دیگری اتفاق افتاد که مربوط به تشکیل کلاس‌ها و دروس ایشان بود.

وی در پاسخ به این پرسش که آیت‌الله‌العظمی زنجانی از نظر اخلاقی چه منشی دارند؟، تصریح کرد: چیزی که در مورد ایشان خیلی به چشم می‌آید، نجابت و عفت کلام است که گاهی اوقات به بعضی از دوستان عرض می‌کردم که ایشان هر چه می‌کشد از بابت نجابتش هست؛ یعنی اگر جوانی کم سن و سال بعد از نماز می‌آید و سؤال می‌کرد، با این‌که آقا درس داشت، تا مادامی که او نشسته بود و سؤال می‌کرد، ایشان از جای خود بلند نمی‌شد و این برای من خیلی جالب بود. برخی اوقات که به حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مشرف می‌شوند، عموماً مردم این‌گونه هستند که یکی از علما و اهل علم را که می‌بینند، ابتدا سلام می‌کنند، فردی که از نظر ظاهری چندان ظاهر مناسبی نداشت به ایشان سلام کرد، آیت‌الله زنجانی فرمود

اگر مبلغی پول هست به من بده، من پول را به ایشان دادم و خودشان برگشت و فرد را صدا زد و گفت:

این را از باب تبرک از ما قبول کن، وقتی برگشت، مجدداً فرمود: بیا از این جهت به خدا شبیه شویم، خدا هیچ وقت نگاه نمی‌کند که بندگانش ایمان دارند یا ایمان ندارند، نعمتش را به همه می‌دهد. من چه کار دارم که او نیاز داشت یا نداشت. خیلی از این موارد از ایشان دیده می‌شود. مسئله‌ای

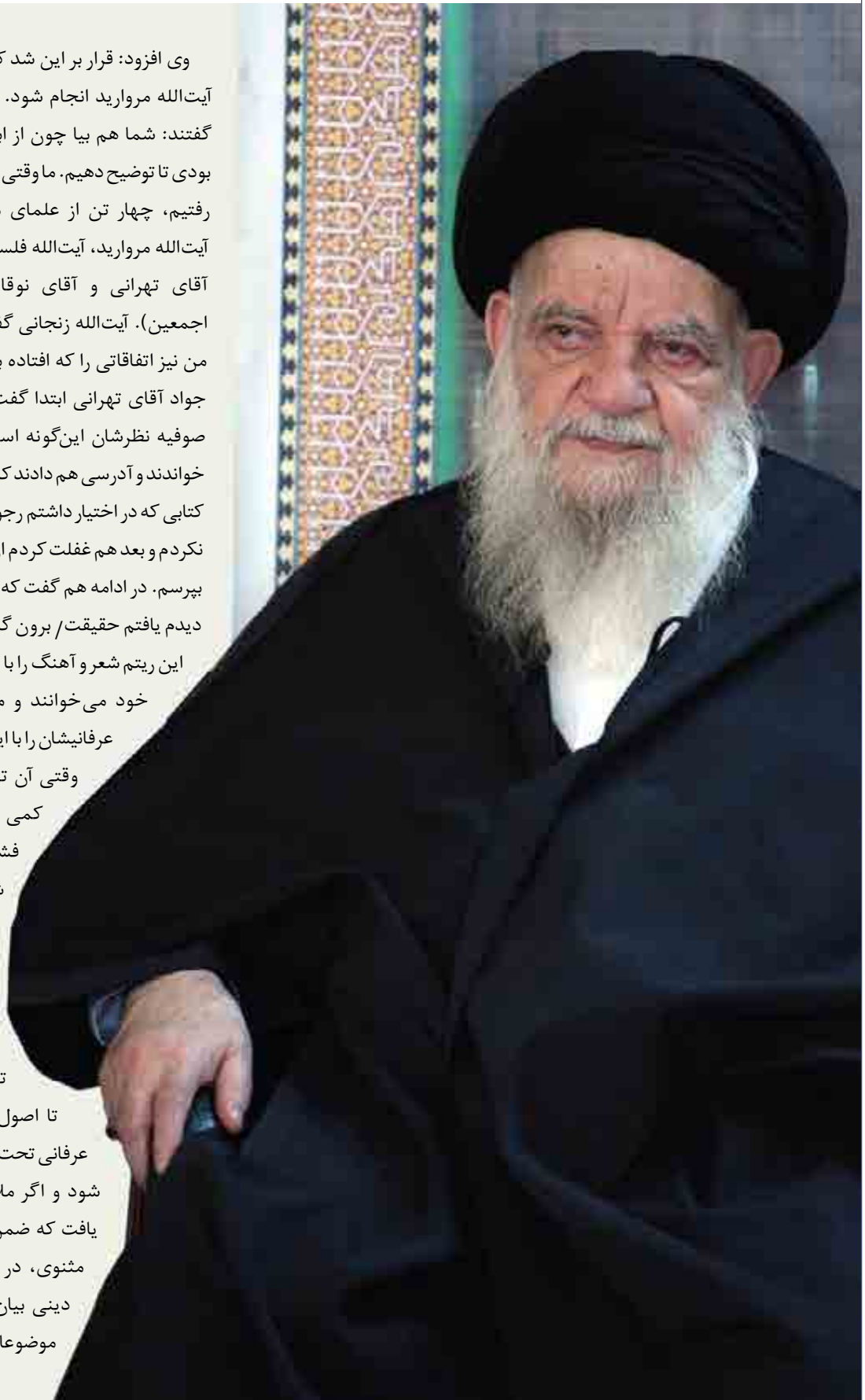
چیزی که در مورد آیت‌الله‌العظمی زنجانی خیلی به چشم می‌آید، نجابت و عفت کلام است که گاهی اوقات به بعضی از دوستان عرض می‌کردم که ایشان هر چه می‌کشد از بابت نجابتش هست

که خیلی به چشم می‌آمد نوع رفتارشان با جوانان است. مسجد امام صادق (ع) مادامی که ایشان می‌آمد، تقریباً مملو از جوانان بود و ۵ دقیقه از اذان که می‌گذشت دیگر در مسجد جا نبود.

وی در پاسخ به این سؤال که در چه زمینه‌هایی از آیت‌الله زنجانی بهره برده‌اید؟، اظهار کرد: بنده حدود سی سال در زمینه فقه و اصول، تفسیر، عرفان و همچنین فلسفه در خدمت ایشان بودم که استاد بعضی از این درس‌ها را در جلسات عمومی تری و برخی را نیز در جمع‌های خصوصی‌تر بیان می‌کرد. آیت‌الله زنجانی از سال ۱۳۶۰ درس تفسیر و فلسفه می‌گفت. در سال ۱۳۶۱ مسجد امام جعفر صادق (ع) آماده بهره‌برداری شد و درس تفسیر و فلسفه نیز به آنجا منتقل شد. ایشان فلسفه را ابتدا از منظومه حاج ملاهادی سبزواری شروع کرد. درس تفسیر نیز در روزهای پنج‌شنبه و جمعه ابتدا صبح و سپس شب‌ها

وی افزود: قرار بر این شد که این جلسات در منزل آیت‌الله مروارید انجام شود. آیت‌الله زنجانی به من گفتند: شما هم بیا چون از ابتدا در جریان کلاس‌ها بودی تا توضیح دهیم. ما وقتی به منزل آیت‌الله مروارید رفتیم، چهار تن از علمای مشهد حضور داشتند: آیت‌الله مروارید، آیت‌الله فلسفی، مرحوم میرزا جواد آقای تهرانی و آقای نوقانی (رحمة‌الله علیهم اجمعین). آیت‌الله زنجانی گفتند که مطالب را بگو و من نیز اتفاقاتی را که افتاده بود، بیان کردم. مرحوم جواد آقای تهرانی ابتدا گفت که بله، بعضی از این صوفیه نظرشان این‌گونه است و یک بیت شعر هم خواندند و آدرسی هم دادند که البته من با آن آدرس به کتابی که در اختیار داشتم رجوع کردم، اما چیزی پیدا نکردم و بعد هم غفلت کردم از ایشان آدرس آن بیت را بپرسم. در ادامه هم گفت که این‌ها می‌گویند: خدا را دیدم یافتم حقیقت/ برون گشتم من از قید شریعت. این ریتم شعر و آهنگ را با شیوه خاصی در مجالس خود می‌خوانند و مجالس رقص و سماع عرفانی‌شان را با این ابیات شروع می‌کنند. وقتی آن توضیحات را دادیم فضا کمی تلطیف شد. هر چند فشارها از این جهت کمتر شد، ولی این نوع کار و این‌گونه فعالیت‌ها خیلی راحت نبود.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی در ادامه گفت: تقریباً ۳ سال طول کشید تا اصول و مبانی کلی مباحث عرفانی تحت عنوان شرح مثنوی بیان شود و اگر ملاحظه کنید در خواهید یافت که ضمن بیان هر بیت از ابیات مثنوی، در واقع اصول اسلامی و دینی بیان می‌شد؛ مثلاً یکی از موضوعاتی که خیلی نمود



تفسیر علامه و دیگر تفاسیر شاگردان مرحوم علامه متمایز می‌کند، این است که او تفسیر را آموزش می‌دهد نه این‌که قرآن را تفسیر کند و در حقیقت در درس ایشان شیوه تفسیر گفتن بیان می‌شود، چنانکه در درس‌های دیگر نیز همین شیوه را دارد.

نویسنده مقاله «تجلیات قرآنی در شعر امام خمینی (ره)» در بیان نحوه آموزش روش تفسیر توسط آیت‌الله زنجانی به نمونه‌ای اشاره کرد و گفت: ایشان بارها و بارها در درس تفسیر تذکر می‌دهد که در تفسیر ابتدا به آرای مفسران نپردازید، بلکه ابتدا خودتان یک برداشت اولیه داشته باشید و بعد به سراغ دیگران بروید تا یاد بگیرید چگونه برداشت کنید، آن وقت پس از بررسی ادله آنان فکر خود را تصحیح کنید. ایشان نیز خود بدین شیوه عمل می‌کرد و می‌گفت: ما باید یاد بگیریم که چگونه بیندیشیم نه این‌که اندیشه‌ها را یاد بگیریم. در واقع شیوه درست هم، همین است و دلیلی برای پیگیری آنچه دیگران گفته‌اند وجود ندارد؛ زیرا در این صورت ذهن خود را پر از اندیشه‌های دیگران می‌کنیم. باید یاد بگیریم که چگونه بیندیشیم و راه تصحیح

اندیشه خود را نیز از قرآن بیاموزیم و گرنه با دانستن آنچه دیگران گفته‌اند تنها یک مقلد هستیم.

محقق لوامع الانوار فی شرح عیون اخبار الرضا (ع)، نگاه آیت‌الله زنجانی به قرآن را نگاه اجتهادی و بر مبنای این شیوه دانست و افزود: ایشان نوآوری‌های زیادی دارد که البته در روش علامه نبود، بلکه در برداشت‌های علامه بود. روش تفسیری آیت‌الله زنجانی همان روش علامه است و

تقریباً می‌توان گفت روش تفسیری تمام شاگردان علامه همان روش علامه است، اما این تفاوت در تکنیک این روش بود نه در خود روش؛ یعنی بیان و نگرش و برداشت آنان به گونه‌ای متفاوت بود که این را در حضرت آیت‌الله زنجانی می‌بینیم. یکی دیگر از امتیازات تفسیری استاد، بیان پیام آیات الهی است. ایشان هنگامی که آیات را تفسیر می‌کند با توجه به ادله و روایاتی که ذیل آیه می‌آورند پیام آیات را بیان می‌کند و می‌گوید: اگر ما باشیم و جامعه امروز و این آیه، پیام آیه را چگونه باید عملیاتی کرد؟ در واقع اغلب آیات به این شکل بیان می‌شود. البته این شیوه تنها در درس تفسیر بود و در درس‌های دیگر درست برعکس عمل می‌شود؛ یعنی اگر ایشان وارد متنی می‌شود ابتدا می‌گوید: من باید ابتدا فرمایش آنان را تقریر کنم تا بدانم آیا این

داشت، بحث ایمان بود. وقتی می‌گوییم ایمان، می‌پرسند این ایمان یعنی چه؟ خوب این را مطرح کردند و پس از آن هم کتابی تحت همین عنوان از ایشان منتشر شد که در پایه و اساس آن از ابیات مولوی و آیات قرآن استفاده شده است و بیان شد که ایمان حتما دارای دو عنصر است؛ یکی بحث معرفت و دیگری بحث تسلیم که اگر یکی از این‌ها نباشد، ایمان تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین اصول کلی عرفان را بر این مبنای قرار دادند که فردی عارف است که این دو عنصر در او وجود داشته باشد. البته مباحث دیگری را هم بیان می‌کردند؛ در فلسفه، جلد اول اسفار را بیان فرمودند، منطق منظومه را بیان کردند که این‌ها جلساتی بود که مباحث فلسفی در آن بیان می‌شد، اما دروسی که شخصا به صورت محدود در خدمتشان بودم، کتاب اصول المعارف مرحوم فیض کاشانی بود که البته کامل بیان نشد و بخشی از شواهد الربوبیه. البته بخشی از شرح فصوص قیصری را نیز بیان کردند که این جلسات در جمع‌های محدودتری برگزار می‌شد.

رستگار مقدم گوهری در ادامه سخنانش به منابع مورد

استفاده آیت‌الله زنجانی در سطح خارج اشاره و تأکید کرد: در مباحث اصول مبنای ایشان رسائل بود که به صورت خارج بیان می‌کردند، البته کفایه هم بود. در فقه ابتدا مکاسب را در محضرشان بودم که به صورت خارج بیان شد، بحث جهاد، امر به معروف و نهی از منکر که از جواهر و بحث ولایت فقیه که از مکاسب بیان می‌شد را نیز در خدمت ایشان بودم.

وی در پاسخ به این سؤال که روش و مسلک تفسیری آیت‌الله زنجانی به چه صورت است؟ آیا همانند استادشان علامه طباطبائی عمل می‌کنند یا تکمله‌ای بر روش علامه زده‌اند؟، اظهار کرد: روش ایشان به تبع همه شاگردان علامه همانند استادشان بود، لیکن در برخی مسائل وجه تمایزی داشت. مرحوم علامه شیوه‌ای خاص در تفسیر دارند که مهم‌ترین شاخص تفسیری وی تفسیر قرآن به قرآن است که براساس سیاق آیات است. سیاق در تفسیر از مباحث بسیار مهمی است که مفسر را از تأویل‌های نابجا بازمی‌دارد که در دوره معاصر رایج شده است و در دوره‌های گذشته چندان مورد توجه نبوده است، گرچه در روایات بحث سیاق به وفور دیده می‌شود. آیت‌الله زنجانی نیز به تبع مرحوم علامه همین شیوه را دارد، ولی نکته‌ای که تفسیر او را از



نکته‌ای که تفسیر او را از تفسیر علامه و دیگر تفاسیر شاگردان مرحوم علامه متمایز می‌کند، این است که او تفسیر را آموزش می‌دهد نه این‌که قرآن را تفسیر کند و در حقیقت در درس ایشان شیوه تفسیر گفتن بیان می‌شود

هندی» پایه‌گذاری کرد و بعد از او شیخ «محمد عبده» و «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» پایه‌های آن را تقویت کردند، ولی هیچکدام به صورت یک تفسیر درنیامد و تنها در اندیشه‌هایشان شکل گرفت. اولین تفسیری که در این زمینه بیرون آمد تفسیر المنار تألیف «محمد رشید رضا» بود. در این تفسیر اگرچه به این شیوه پرداخته شده است، لیکن تأویل‌های نابجای زیادی دیده می‌شود. علامه طباطبایی این شیوه را برگزید تا قرآن را به جامعه بکشاند. نظر علامه این بود که نگاه قرآن به مسائل اجتماعی است و از جمله برای اصلاح اجتماع و نهادهای اجتماعی نازل شده است. اگر به انسان نگاه می‌کند انسان را به عنوان اجزای این اجتماع می‌بیند و اگر به مباحث اقتصاد، خانواده و تعامل‌های اجتماعی می‌پردازد، به جهت پرداختن به نهادهای اجتماعی است. پس در نتیجه قرآن برای وضع اجتماع آمده است و از این رو علامه به این مسائل پرداخته است.

وی با اشاره به نگاه آیت‌الله زنجانی به این مسئله و تلاش ایشان بر ارائه پیام‌آیات، اظهار کرد: پیام‌گیری از آیات را در آثار دیگر

شاگردان مرحوم علامه نمی‌توان دید، به عنوان

نمونه یکی از بیانات آیت‌الله زنجایی که من در

تفاسیر دیگر ندیدم در مورد آیه شریفه «بسم

الله الرحمن الرحیم» است که گفتند

شما در نگاه اول به این آیه، جار و مجرور

می‌بینید. از آنجا که جار و مجرور نیاز به

متعلق دارد، در تفاسیر دیگر، فعلی را در

تقدیر گرفته‌اند، به عنوان نمونه مرحوم

طبرسی در مجمع‌البیان بسیار بر روی

این مسئله مانور می‌دهد. ایشان

می‌گویند که متعلق گرفتن به این نحو صحیح نیست و متعلق این آیه فعل خود انسان است، به این جهت که ما روایات زیادی داریم اگر انسان «بسم الله الرحمن الرحیم» را در آغاز هر کاری نگوید کارش ابرتر است. ما با توجه به روایات می‌فهمیم که خود فعل انسان ابرتر است به عنوان مثال هنگام برخاستن بگوید «اقوم بسم الله»، پس بسم الله در خود انسان است. در این صورت استفاده فقهی از «بسم الله الرحمن الرحیم» توجیه پیدا می‌کند که به نظر فقها «بسم الله» خاص آن سوره است و در نتیجه جزو آن سوره محسوب می‌شود.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا تا به حال به دنبال معرفتی در آیه‌ای

خاص بوده‌اید که پس از رسیدن به محضر آیت‌الله زنجانی برای آن

فرمایش را فهمیدم یا نفهمیدم، بعد آن را تقویت یا رد کنم. در واقع ایشان براساس برداشت و فهم متن شیوه خاصی دارند و بر مبنای آن عمل می‌کنند؛ مثلاً فردی از متن برداشتی دارد، باید خود را در برابر این متن عرضه کند تا بداند متن را فهمیده یا نه و اگر درست فهمیده، می‌تواند بگوید متن به این شکل تقویت یا به این شکل رد شود. این شیوه را ما در اصحاب ائمه (ع) نیز می‌بینیم که خدمت حضرات معصومین (ع) می‌رسیدند و عقاید خود را مطرح می‌کردند، سپس آن حضرات (ع) اظهارات آنان را تأیید یا تصحیح می‌کردند. این شیوه در مباحث فقهی و اصولی و همچنین مسائل فلسفی رعایت می‌شد.

رستگار مقدم گوهری در پاسخ این پرسش که آیت‌الله زنجانی در تفسیر خود بیشتر از چه کسانی نقل می‌کنند؟، تصریح کرد: این مسئله بستگی به آیات داشت؛ زیرا آیات متفاوت بود. در کلاس‌هایی که من شرکت داشتم، در اوایل قرآن به تفسیر ملاصدرا رجوع می‌کرد، به آیات اعتقادی که می‌رسید بیشتر به فخر رازی اشاره می‌کرد. در نگاه به ادبیات عنایت زیادی به زمخشری داشت و در روایات به

مجمع‌البیان و تبیان نگاه می‌کرد، اما شیوه علامه را

شیوه درستی می‌دانست. برخی معتقدند علامه

طباطبایی در برداشت موضوعات بهره زیادی

از المنار برده است، به طوری که تا سوره توبه

چون موضوعات را از المنار می‌گرفت،

تفسیرش هم مفصل شد، اما بعد از آن به

علت نداشتن موضوع، تفسیر المیزان کم

شده است. ترجیح می‌دهم نظر مذکور

درباره المنار و تفسیر المیزان را به شیوه‌ای

دیگر مطرح کنم، نه به این عنوان که علامه

موضوع نداشته و بحث را رها کرده است. می‌توان گفت علامه

طباطبایی یکی از اصلاح‌گرانی است که در تفسیر مبنای جدیدی را

پایه‌گذاری کرده و تفسیر علمی اجتماعی بنا نهاده است. مادر بررسی

شیوه‌های تفسیری از صدر اسلام شروع می‌کنیم و روش تفسیر

پیامبر (ص) و ائمه (ع) را بررسی می‌کنیم، سپس به شیوه صحابیان و

تابعین و مکاتب تفسیری دیگر از جمله صوفیه و فلاسفه و باطن‌گراها

و غیره نگاهی می‌اندازیم. در این بررسی خواهیم دید یکی از مکاتب

تفسیری که نگاه کاملاً متفاوتی با مکاتب دیگر دارد، همان مکتب

علمی - اجتماعی است.

وی افزود: مکتب علمی - اجتماعی را ابتدا «سیداحمد خان



پیام‌گیری از آیات را در آثار دیگر شاگردان مرحوم علامه نمی‌توان دید، به عنوان نمونه یکی از بیانات آیت‌الله زنجایی که من در تفاسیر دیگر ندیدم در مورد آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحیم» است



گره معرفتی پاسخی شیرین دریافت کرده باشید؟، اظهار

کرد: من موارد متعددی در این زمینه به یاد دارم اما به عنوان نمونه به چند مورد از آن اشاره می‌کنم.

مثلا در مبحث حب و عشق، در هیچ روایتی در اسلام واژه عشق نیامده، ولی ما واژه‌های خیلی عمیق تر از عشق در قرآن داریم. از آن جمله آیت‌الله زنجانی به آیه ۳۱ سوره آل عمران: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» اشاره و بیان کردند که آیا

انسان به خداوند دوستی ظاهری دارد یا بالاتر از اینهاست و همچون حضرت امام حسین(ع) که مشمول این آیه بودند و خود را فدایی حق کردند، تنها یک دوست داشتن سطحی بود؟ این رابطه بالاتر از عشق است، تعبیر «فاتبعونی» به چه کسی برمی‌گردد. اگر به خداوند برگردد یک معنی دارد و اگر به رسول اکرم(ص) برگردد معنای دیگری. در صورت نخست به معنای این است که از احکام و اوامر خداوند و فرستادگان او تبعیت کنید و در حالت بعدی بدین معناست که از رسول اکرم(ص) و کسی را که او به عنوان جانشین معرفی می‌کند باید پیروی کنید؛ یعنی در این آیه هم بحث اعتقادی خداشناسی و امامت و هم بحث عرفانی عشق و محبت مطرح شده است.

این مدرس حوزه و دانشگاه افزود: ایشان در مورد آیه ۱۷۹ سوره اعراف: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ

بها ولهم اعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا

یسمعون بها اولیک کالانعام بل هم اضل

اولیک هم الغافلون» چند مطلب بیان

کردند، از جمله این‌که حیوان نیز مانند

انسان، قلب، چشم و گوش دارد، پس چرا

قرآن می‌فرماید: بل هم اضل؟ نکته تمایز

انسان از حیوان در عبارات بعد از آن نهفته

است که قلب را در انسان برای تفقه و چشم را

برای بصیرت و گوش را برای شنوایی معرفی

می‌کند. سمع در انسان شنیدن محتوایی و غیر از

شنیدن صداست؛ زیرا فهم ما از گوش ظاهری و عمقی است.

شنیدن صدای یک متکلم به زبان بیگانه بدون هیچ برداشتی شنیدن

ظاهری و فهمیدن آن شنیدن باطنی است. به خاطر این مسئله در مورد

وحی در قرآن تعبیر «فاستمعوا» به کار رفته تا اشاره به شنیدن

عمقی باشد. این شنیدن، شنیدن معنایی است پس

گوش عضو مشترک انسان و حیوان است، اما در

انسان باید سماعت و جود داشته باشد که این

مسئله در حیوان نیست. پس انسان برای

بصیرت و سماعت و تفقه خلق شده است.

حال اگر انسان از این‌ها بهره‌برداری نکند، بدتر

از حیوان است.

وی ادامه داد: «اولئک هم الغافلون» در

حیوان است و نه در انسان پس مبنای قرآنی

غفلت در انسان عدم بهره‌برداری از امکاناتی است که در انسان نهاده شده

است. با این نگاه قرآنی می‌توان بر جامعه تأثیر بیشتری گذاشت.

محقق لواح الانوار فی شرح عیون اخبار الرضا(ع)، با پرداختن به

جایگاه سیاق از منظر آیت‌الله زنجانی و تحلیل پای‌بندی ایشان به سیاق

در کنار روایات معصومین(ع) تصریح کرد: پای‌بندی ایشان به سیاق

آیات تا جایی است که با روایات و شیوه‌های عقلی تضاد پیدا نکند. به

عنوان مثال روایتی در ذیل آیه ۱۱۱ سوره توبه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى

بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ» آمده است که فردی در راه مکه به خدمت امام سجاد(ع)

می‌رسد و از حضرت ایراد می‌گیرد که شما چرا سختی جهاد را رها کرده

و کار راحت را انتخاب کرده، به حج آمدید؟ و

سپس به این آیه استشهد می‌کند. امام(ع)

در پاسخ فرمودند: بله ولی ادامه آیه را

بخوان که خداوند فرموده «التَّائِبُونَ

الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ

السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ

عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ

الْمُؤْمِنِينَ» اگر چنین کسانی پیدا شوند ما نیز

جزو جهادگران خواهیم شد. پس تفسیر جهاد در

این آیه در این سیاق صحیح است.

وی در ادامه گفت: آیت‌الله زنجانی در بیان روایات تفاسیر معمولا

بدین منظر توجه دارند و نظیر این مسائل در روایات زیاد دیده می‌شود.

سیاق آیات مورد توجه و مذاقه ایشان قرار می‌گیرد، مشروط بر این‌که با

به نظر من آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی از
معدود مراجعی است که تنها شخصیت تک‌بعدی
در فقه و اصول نیست، بلکه در اغلب علوم
تخصص دارد

سیاق آیات مورد توجه و مذاقه ایشان قرار می‌گیرد،
مشروط بر این‌که با روایات تعارض نداشته باشد
مسئله دیگر این‌که این آیه در سیاق آیات دیگر نباید
مخالفت با عقل داشته باشد



روایات تعارض نداشته باشد. مسئله دیگر این‌که این آیه در سیاق آیات دیگر نباید مخالفت با عقل داشته باشد. پس نمی‌توان گفت ایشان سیاق را کاملاً بدون لحاظ هیچ مسئله‌ای قبول داشته و یا صرفاً به سیاق توجه نداشته و به روایات می‌پردازد. شخصیت ایشان را نمی‌توان تنها از یک بعد مورد بررسی قرار داد. اگر به شخصیت تفسیری ایشان نگاه کنیم، نگاهشان به قرآن عقلانی است، البته این عقلانیت به معنای وارد کردن فلسفه به قرآن نیست، بلکه عقلانیت خاصی که حکم می‌کند نباید از روایات چشم‌پوشی کرد، عقلانیتی که به عدم تعارض روایات با عقل حکم می‌کند، منظور عقل منطبق است نه مطلق؛ عقلی که مبانی خود را از راه صحیح بدست آورده باشد. بنابر فرمایش امیرالمؤمنین (ع) قرآن ذو جوه است و باید در کنار آن به سنت رسول الله (ص) تمسک بجوید. جهت موفقیت ایشان در تفسیر آیات به مدد جریان عقلانیت است.

رستگار مقدم‌گوهری در پایان، دور شدن از عقلانیت صحیح را علت انحراف جوامع در طول تاریخ معرفی و خاطر نشان کرد: متأسفانه در طول تاریخ هر جامعه‌ای که از مسیر عقلانیت - به معنای مقید و نه مطلق - دور شده است، خود قرآن مسیر انحراف را برای آنان ایجاد کرده است. به عنوان نمونه خوارج تمسک شدیدی به قرآن داشتند، اما نبود عقلانیت باعث انحراف آنان شد. باز در همین زمینه می‌توان به باطنی‌گراها، ظاهرگراها و همچنین اشعری‌ها اشاره کرد که از دوران بنی عباس و زمان متوکل، آیات قرآن را ملعبه دست خود کردند و بدین وسیله بسیاری از شیعیان را کشتند. در تمام این فرقه‌ها که از مسیر ائمه (ع) دور شدند، در یکجا مخالفت با عقل را می‌توان دید. پس جریان عقلانیت صحیح که مبانی خود را از راه صحیح بدست آورده و مخالفتی با نصوص نداشته باشد، پایه و اساس برداشت‌های صحیح است. به نظر من آیت‌الله العظمی حسینی زنجانی از معدود مراجعی است که تنها شخصیت تک‌بعدی در فقه و اصول نیست، بلکه در اغلب علوم تخصص دارد.

محمدرضا ریاحی:

آیت‌الله‌العظمی زنجانی قرآن را تطبیقی و به مقتضای حال مخاطب تفسیر می‌کند



تسلط آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی بر تفسیر قرآن کریم به حدی است که با بیان قرآنی که دارند توضیح آیه را با نوعی تفسیر تطبیقی که به شرایط خاص سؤال کننده هم می‌خورد بیان می‌کنند.



در دروس خارج فقه ایشان هم شرکت کردم. ریاحی در پاسخ به این سؤال که بیشتر در کدام علوم از ایشان بهره برده‌اید؟، تصریح کرد: با توجه به جلسات منظمی که به طور هفتگی در زمینه تفسیر قرآن و تفسیر مثنوی داشتند و بحث فلسفی هم بود که من منظم شرکت نمی‌کردم و در بحث فقه هم چند سالی مباحث فقهی ایشان را رفتم. ایشان با توجه به این‌که یکی از شاگردان ویژه مرحومه علامه طباطبایی هستند، از این رو نگاه تفسیری ایشان را کاملاً آموخته و همان مکتب با را جامعیت نگاه تفسیر دارا هستند؛ چون نوع نگاه مفسر به قرآن کریم مطلب پر اهمیتی است. اکثر افرادی که خدمت ایشان بوده و هستند، از این نوع نگاه خیلی استفاده برده و می‌برند و آن، جامعیت نگاه نسبت به قرآن کریم است.

ریاحی با اشاره به دیگر ویژگی‌های این عالم شیعی گفت: علاوه بر آن‌که عنوان شد، توجهات خاص ایشان که نسبت به قرآن دارد، قابل

محمدرضا ریاحی، از شاگردان آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی، درباره شخصیت این عالم و مرجع شیعی، ضمن بیان مطلب فوق گفت: حدوداً سال ۶۲ یا ۶۳ بود که مسجدی در خیابان دانشگاه شهر مقدس مشهد به نام مسجد امام جعفر صادق (ع) پایه‌گذاری شد و آیت‌الله حسینی زنجانی به عنوان امام جماعت آن مسجد تشریف آورده و اقامه نماز کرد و من هم چون از همان محله و مشغول تحصیل در مدرسه علمیه بودم با حضرت آیت‌الله زنجانی آشنا شدم. من در جلسات تفسیر قرآن کریم، تفسیر مثنوی و ... خدمت ایشان بودم و رفت و آمدی از این نوع داشتم تا این‌که چندین سال بعد

عامل نورانیت شخصیت‌هایی؛ مثل آیت‌الله زنجانی است. البته طبیعتاً عرف حوزه و مسائل علمی این‌گونه است که بین شاگرد و استاد سؤالات و مسائلی هست و نظراتی را با هم مطرح می‌کنند و طبیعتاً آیت‌الله زنجانی هم نظراتی نسبت به بیانات مرحوم علامه طباطبایی داشتند و به عنوان «نظر ما در مقابل سیدنا الاستاد» مطرح می‌کردند. تسلط ایشان بر ادبیات عرب و ادبیات فارسی؛ یعنی شعرها و نوع شعرها زیاد است. بارها شده است که کسی، استادی، روحانی یا غیر روحانی بیت شعری خدمت حضرت آیت‌الله زنجانی خوانده و آقا تصحیح کردند که این‌گونه بخوان و این نوع تسلط نشانه این است که آن زمانی که می‌آموزت خوب فراگرفت. خصوصاً اولین استاد که

تأثیر زیادی بر ایشان داشت مرحوم پدرشان، مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمود زنجانی بود که از دوستان حضرت امام (ره) و شخصیت بزرگی بود. البته خاندان آیت‌الله زنجانی معروف به «امام جمعه» هستند؛ چون نسل اندر نسل امام جمعه زنجان از این خاندان بوده است. آیت‌الله العظمی سید محمود امام جمعه که اولین استاد آقا بود، خیلی چیزها به ایشان آموزش داد،

خیلی از چیزهایی که الان بین ما فراموش شده است. وی افزود: مثلاً آموزش خط، ما الان خط‌هایمان چندان اصول ندارد، ولی حضرت آقا خط زیبای خاصی دارند، از آن طرف تسلط بر ادبیات فارسی از ابتدایی‌ترین کتب؛ مثل کیله و دمنه از ویژگی‌های ایشان است. ما شاید اصلاً این کتاب را نخوانده باشیم اما ایشان تسلط خاصی دارند و داستان‌های آن را بیان می‌کنند. تسلط بر اشعار ایرانی که خیلی‌ها فقط حافظ می‌خوانند و سعدی را نمی‌خوانند و شعر خیلی از شعرای دیگر را که شاید نخوانده باشند، ولی ایشان آن فضا را در بحث مثنوی داشته و تسلطی خاصی در ادبیات فارسی دارند. خلط نکردن مباحث بحثی بسیار مهم است و کسی که خلط بین مباحث نکند مشخص است که مطلب را بسیار خوب فهمیده است؛ یعنی هر موضوعی باید در جای خود بحث شود و گرنه شما نمی‌توانید استدلال را کامل کرده و به معرفت و علم برسید؛ لذا فکر می‌کنم آیت‌الله زنجانی بسیار در این امر مسلط است.

ریاحی در تبیین بیشتر این مسئله گفت: در درس فقهی که پیش ایشان بودم، می‌فرمود که من «کتاب الصلوة» شیخ مرتضی انصاری را

تأکید است. یکی از این توجهات، اهمیت دادن به ادبیات قرآن است. ما که درس حوزه خوانده‌ایم و ادبیات عرب را خوب فراگرفتیم، گاهی نکات ادبی را در مباحث ایشان می‌شنیدیم که در کتاب‌ها نخوانده بودیم و قابل توجه بود. به عبارتی تطبیق بین مسائل از ویژگی‌های برجسته آیت‌الله زنجانی است.

وی با بیان این مطلب که من فکر می‌کنم شخصیتی که بیشترین تأثیر را در نوع برداشت تعالیم قرآنی ایشان داشته است، علامه طباطبایی بود، اظهار کرد: آیت‌الله زنجانی از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) هم بود و در مباحث فلسفه آن زمانی که حضرت امام (ره) فلسفه و اخلاق تدریس می‌کردند، شرکت داشت. ایشان

می‌فرمود که درس فلسفه حضرت امام (ره) در حجره‌ای بود که بیشتر از ۱۰ یا ۱۲ نفر جا نمی‌شدند و حضرت امام (ره) هم هر روز از درس روز قبل سؤال می‌کردند. آیت‌الله زنجانی می‌فرمود که من و شهید مطهری در این جلسات شرکت می‌کردیم و امام (ره) سؤال می‌کردند و بعد اگر مطلب دیروز جا افتاده بود بحث جدید را مطرح می‌کردند و نظر امام این بود که فلسفه جزو علوم قاجاق

آیت‌الله زنجانی چون مشرب فلسفی و عرفانی خویش را از امام اخذ کرده و از آن طرف هم از شاگردان ویژه مرحوم علامه طباطبایی در فلسفه و تفسیر قرآن کریم است، با نگاه جامع نسبت به امور برخورد می‌کند

است - البته این عبارت خود آیت‌الله زنجانی است - و باید کسی که می‌فهمد، بخواند و هر کسی نمی‌تواند بخواند؛ لذا بعضی از آقایان که درس عمومی فلسفه گذاشته بودند تا هر کس که دلش می‌خواهد فلسفه بخواند، بیاید و استقبالی هم در آن زمان شد - شاید قبل از سال ۴۲ باشد - حضرت امام (ره) پیام دادند که فلسفه را هر کس نمی‌فهمد و این‌گونه عمومی بیان کردن آن، جامعه را دچار حادثه می‌کند.

این شاگرد درس خارج آیت‌الله زنجانی افزود: بنابراین آیت‌الله زنجانی چون مشرب فلسفی و عرفانی خویش را از امام اخذ کرده و از آن طرف هم از شاگردان ویژه مرحوم علامه طباطبایی در فلسفه و تفسیر قرآن کریم است، با این نگاه جامع نسبت به امور برخورد می‌کند و ویژگی دیگری که در شخصیت ایشان هست این‌که محفلی نیست که در خدمت حضرت آیت‌الله باشید و آیه‌ای از آیات قرآن را با برداشتی جدیدتر و زیباتر نشنوید. سؤال‌های مختلفی در محضر ایشان بیان شده است و تسلط ایشان در قرآن کریم به حدی است که با بیان قرآنی که دارند توضیح آیه را با نوعی تفسیر تطبیقی که به شرایط خاص سؤال کننده هم می‌خورد بیان می‌کنند و فکر می‌کنم انس با قرآن مهم‌ترین

فلسفه را تخطئه می‌کنند و مبانی فلسفی را نمی‌آموزند، به هر حال آموختن مسئله و بعد، فهمیدن اشتباهات آن مهم است. شما بدون این‌که بیاموزید که نمی‌توانید متهم کنید. خود آیت‌الله آقا میرزا مهدی اصفهانی این استاد بزرگوار هم شاید خودشان فلسفه را خوب خواندند و بعد نقد بر آن زدند، اما این در افرادی که الآن جویای حقیقت هستند، وجود ندارد؛ یعنی من نمی‌روم فلسفه را بخوانم و بعد کتاب آقا میرزا مهدی را بخوانم که بینم این مسائلی که گفتند به چه نحو است.

وی با اشاره به این مطلب که مقداری از این دعاها، دعای عنب و انگور است، گفت: مقدار دیگری از این دعاها عدم

برداشت صحیح از حرف طرف مقابل است که جای

بحث دارد. شخصیت حضرت آیت‌الله زنجانی

به خاطر این‌که آشنای با این مبانی هستند،

شخصیت جامعی است؛ یعنی ایشان

انتقاداتی که بعضا به مولوی دارند، خوب

است، اما نه با آن فضا که مولوی را مرتد

بدانند. مولوی جاهایی خطا کرده است،

قبول، اما جاهایی هم بیان خوب داشته

است. مولوی که معصوم نبوده و ادعای

عصمت هم نداشته است، طبیعتا خطا هم داشته. طبیعتا آن خطا در فضای علمی است نه در فضای برخوردی که آقا هر چه مولوی گفت، بد گفت، مولوی؛ یعنی انحراف، آن‌که شعر مولوی بخواند از مسیر اهل بیت (ع) خارج است. این‌ها حرف‌های معقولی نیست؛ یعنی الآن در جامعه امروز این حرف‌ها عقبه استدلالی ندارد. بله، مولوی اشتباه هم کرده و باید بررسی شود. آیت‌الله زنجانی در تفسیر مثنوی، به اشتباهات مولوی اشارات زیادی دارند و کسانی که در این جلسات می‌آمدند، این را می‌دیدند، اما نکات مثبتی که هست و بیانی که مولوی در خصوص مبانی فکری، اعتقادی و عرفانی داشته است، خیلی جاها پیدا نمی‌کنید که این‌گونه سلیس و روان و زیبا گفته باشند.

وی افزود: لذا من احساس می‌کنم؛ چون خوشه‌چینی حضرت آیت‌الله زنجانی، هم از مبانی مشهود و هم بیشترش از قم بوده است، سبب جامعیت در ایشان شده است؛ زیرا ایشان در دوران آموزش از افرادی چون آیت‌الله بروجردی خوشه‌چینی کرده‌اند که نوع نگاه ایشان به حدیث يك نوع جمع است؛ زیرا يك عده حدیث را گرفته و مبانی عقلی را رها می‌کنند، عده‌ای مبانی عقلی را گرفته و حدیث را رها می‌کنند، در صورتی که جمع بین این دو به این معنا که عقل تا جایی ما

نزد آیت‌الله خوانساری از علمای ثلاث قم خواندم. کتاب الصلوة شیخ مرتضی کتاب سنگینی است و معمولا خوانده نمی‌شود، ولی معلوم است که پختگی شخصیت‌هایی؛ مثل آیت‌الله زنجانی به این علت است که در دوران آموختن خود بسیار قوی آموختند و این می‌تواند برای ما درس باشد؛ زیرا ما فانتزی آموزش می‌بینیم و این است که قدرت تولید فکر نداریم، ولی شخصیتی مثل آیت‌الله زنجانی می‌تواند تولید فکر کند و مبانی را تطبیق دهد و حرف جدیدی بزند که به اصول بخورد و این نشانه این است که در دوران آموختن، قوی آموخته است، چیزی که الآن ما خیلی از آن فاقد هستیم.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی با بیان این مطلب که

مسئله «انسان چه بیاموزد؟» خیلی مهم است،

تأکید کرد: ما خیلی وقت‌ها ضروری‌ترین

چیزها را نمی‌دانیم، ولی کلی اطلاعات

داریم که این حجم اطلاعات شاید

خیلی هایش فایده نداشته باشد؛ لذا فکر

می‌کنم دوران آموزش آیت‌الله زنجانی در

محضر بزرگانی که بودند در مباحث قرآنی،

عرفانی، فلسفی، ادبیات و... مهم است.

مثلا من طلبه اگر الآن بخواهم درس ادبیات فارسی؛ مثل گلستان سعدی بیاموزم، آیا جایی هست که بروم؟ احتمالا زمان این بزرگواران اساتیدی بودند و امثال آیت‌الله زنجانی از آن‌ها استفاده می‌کردند. مثلا در نجوم آموزش گرفتند، مسائل پزشکی و طب قدیم آموختند؛ لذا آن دوران، دورانی خاص بوده است که خوب آموزش گرفتند و خوب درس خواندند که الآن می‌توانند در این دوران بهره‌وری بیشتری داشته باشند.

وی در بخشی از سخنان خود با اشاره به منش و مکتب علمی آیت‌الله زنجانی بیان کرد: آیت‌الله زنجانی در مقطع کوتاهی بنا به دلایلی به نجف اشرف رفتند و به علت فوت پدرشان، توقفشان در نجف اشرف کم بوده است، اما خوشه‌چینی که از علمای قم؛ مانند حضرت امام (ره)، آیت‌الله بروجردی، علمای ثلاث قم؛ آقای صدر، حجت و خوانساری داشتند، در مبانی ایشان تأثیر داشت. طبیعتا آیت‌الله زنجانی در مبانی فقهی و اصولی بیشتر متأثر از مبانی حوزه قم است. ایشان تسلط خاصی نسبت به مسائل فلسفی و عرفانی دارند و آگاه و مطلع از مبانی تفکیکی که در مشهد مطرح است، هستند به عبارتی جامعیت بین این دو مکتب را دارند. عده‌ای می‌آیند با مبانی تفکیک،



آیت‌الله زنجانی در تفسیر مثنوی، به اشتباهات مولوی اشارات زیادی دارند و کسانی که در این جلسات می‌آمدند، این مطلب را درک می‌کردند



بفهمید و بعد از فهم، نقاط اختلاف قابل جمع را جمع کنید و آن مقداری که قابل جمع نیست، مسلماً حتماً روایت مقدم است به شرطی که برداشت از روایت درست باشد. خیلی وقت‌ها در مبانی فقهی برداشت از روایت درست نیست و برداشت‌ها متفاوت است؛ لذا استادی می‌گوید برداشت فلانی خطا بوده است و دیگری می‌گوید نه برداشت تو خطا است. من می‌خواهم این را بگویم که حتماً در مبانی حضرت آیت‌الله زنجانی، تقدم روایت بر عقل وجود دارد، اما برداشت صحیح از روایت نه هر برداشتی که ما خیلی راحت و ابتدایی انجام دهیم و بعد بگوییم این مخالف مثلاً مبانی فلسفی است پس فلسفه بد است. این جامعیت را مکرر در مباحث مطرح شده از آیت‌الله زنجانی می‌بینم.

وی افزود: ویژگی ایشان هم شاید همین باشد که می‌تواند جمع بین مسائل کند و قطعاً هم ما به هر حال تابع روایت هستیم و روایت قطعی الصدوری که دلالتش هم قطعی باشد مقدم بر هر چیز و برداشت عقلی و استدلالی است و وقتی طرف خوب آموخته و زیر بنا را خوب درست کرده است زمانی به مرحله نتیجه‌گیری می‌رسد، درست برداشت می‌کند. در مبانی فقهی، طبع آیت‌الله زنجانی بیشتر از حوزه

را می‌برد و بعد قاصر از حرکت و نیازمند به وحی است که برداشتش را کامل کند، تفکر صحیحی است. این مسئله جامعیت

مبانی آیت‌الله زنجانی را زیاد کرده است و من

فکر می‌کنم شخصیت ویژه ایشان در همین بخش، تسلط بر مبانی روایی، مبانی فلسفه و عرفان است و می‌تواند جمع به این مطالب کند.

ریاحی تصریح کرد: آیت‌الله زنجانی با دید انصاف با مسائل برخورد می‌کنند؛ چون خیلی‌ها با دید فلسفی وارد روایت می‌شوند و خیلی‌ها وارد فلسفه می‌شوند با دیدی که این موضوع فلسفی مخالف روایت است و باید رد شود. درست آن است که بررسی صحیح انجام شود و این بررسی صحیح کار اجتهاد است. اجتهاد تنها در فقه نیست، بلکه اگر خواستید در قرآن اجتهاد کنید، باید این دو مبنا را ببینید؛ اول خوب

قم است؛ چون بیشترین دوران تحصیل فقهی خود را در قم بوده، اما غافل از مبانی نجف هم نیست، ولی بیشتر تحت تأثیر علمای قم هستند.

ریاحی در پاسخ به این پرسش که آیا آیت‌الله زنجانی ویژگی خاصی دارد که او را متمایز از دیگر علما می‌کند؟، تصریح کرد: آنچه که برای من همیشه نو بوده، قدرت تطبیق مسائل در ایشان است. خیلی وقت‌ها ما نظریه را می‌دانیم، اما نمی‌توانیم با مسائل روز تطبیق دهیم و خلأ داریم؛ لذا خیلی وقت‌ها دین را جایی می‌گذاریم که نمی‌توانیم به آن نگاه کنیم. نمی‌توانیم این دین را با همین کاری که امروز داریم تطبیق کنیم. تطبیق روزمرگی، نه روزمرگی تکراری بلکه تطبیقش با مسائلی که مبتلابه است، تطبیق با مسائلی که گرفتار آن شدیم، یک هنر است و کار هر کسی نیست که مسائلی که در حیطه‌های مختلف اتفاق می‌افتد را بتواند تطبیق دهد. در واقع می‌خواهم دین کاربردی را بیان کنم. ما خیلی وقت‌ها کاربردهای دین و قرآن را به عنوان کلام خداوند در زندگی خود نمی‌دانیم؛ چون تصور داشته و مجبوریم به غیر قرآن مراجعه کنیم؛ لذا حرف یک نویسنده خیلی برای ما بزرگ می‌شود.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی بیان کرد: من هیچ وقت یادم نمی‌رود که حضرت استاد می‌فرمود که این روایت «الله الله فی القرآن فلا یسبقتکم بالعمل به غیرکم»؛ یعنی مواظب باشید که زنگ‌های عالم برای عمل کردن به این دستوراتی که بالاترین دستورات است، تلاش می‌کنند و امکان دارد از شما هم جلو



مشهد است؛ یعنی ۳ یا ۴ دانشگاه در همان خیابان است؛ یعنی مرکز شبهه است، شبهات سنگین و ویژه؛ لذا توانایی ایشان نسبت به پرداختن شبهات با تسلطی که در فلسفه، عرفان و کلام دارند، بسیار بالاست. خیلی وقت‌ها شبهه را باید با مبانی کلامی پاسخ داد، به شرطی که خلط مبحث نشود و مبانی خوب شناخته شود. برای نمونه گفته شده است که «حق و باطل نسبی است» خوب چه کسی گفته است که حق و باطل نسبی است؟ اگر حق و باطل نسبی باشد دیگر خوب و بدی نمی‌ماند. فهمیدن این معنا و پاسخ دادن درست به آن، تسلط انسان را می‌رساند، خیلی‌ها پاسخ دادند، اما طرف مجاب نشده است؛ زیرا بیشتر از این‌که پاسخ دهند، به شبهه کننده پرداخته‌اند.

وی افزود: به اعتقاد من، شبهه را درست نفهمیدند و

بیشتر از این‌که پاسخ به شبهه دهند، شبهه کننده را

تخطئه کردند. این فضا خودش واکنش نشان

می‌دهد. خوب سؤال وقتی در ذهن انسان

ایجاد شد، مثل خرّه است و تا پاسخ به

انسان داده نشود، تمام نمی‌شود. این

توانایی را در برخورد آیت‌الله زنجانی با

شبهات مختلف در ایشان دیدم.

وی با اشاره به یکی از شبهات مطرح

شده در مقطعی از زمان درباره تساوی ارث

مرد و زن، اظهار کرد: زمانی درباره ارث زن و مرد و تساوی در این امور با حضرت آیت‌الله زنجانی بحثی داشتیم. ایشان در پاسخ روایتی را علی‌الظاهر از حضرت امام موسی کاظم (ع) نقل کردند و پاسخ دادند که خانم‌ها تعهد و وظیفه مالی ندارند و این مرد است که موظف است تا روزی افراد تحت تکلف خود را به دست بیاورد و بر او واجب است. شیخ مرتضی انصاری در بحث تحصیل مال می‌گوید این مسئله زمانی واجب است و حتی مقدم بر درس و هر وظیفه دیگر است، وقتی که تحت تکلف نیاز دارد، واجب است و باید دنبال رفع نیاز مالی آن‌ها رفت و این وظیفه برای مردهاست و برای زن نیست. از آن طرف اگر مرد پول داشته باشد باید پرداخت کند و اگر پرداخت نکند گناه کرده، اما زن چون این وظیفه را ندارد اگر پول هم داشته باشد و پرداخت نکند، هیچ گناهی مرتکب نشده است.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی در ادامه سخنانش افزود: در دین مبین

اسلام این تعهدات بر گردن مرد گذاشته شده است و از طرفی

مسئولیت و اداره مالی با مرد است و زن چنین مسئولیتی ندارد؛ چون

بزند. خیلی از دستوراتی که در کشورهای پیشرفته اجرا می‌شود دستورات قرآن ماست؛ لذا حضرت (ع) فرمودند: «لا یسبقنکم بالعمل به غیرکم؛ غیر شما بر شما سبقت نگیرند». تطبیق این مسئله با عمل روز ما، کار سختی است؛ لذا یک روشنفکر، فقیه و قرآن‌شناسی مثل آیت‌الله زنجانی را می‌طلبد. ما در این زمینه مسائل مختلف را به ایشان مراجعه دادیم و دیدیم که خیلی زیبا تطبیق کرده و این تطبیق را قبل از آن ما نفهمیده و ندیده بودیم با تمام آنچه که انسان فکر می‌کند که می‌داند. در مراجعات افراد مختلف هم من این را دیدم که بر آنند که دین، قرآن و آیات قرآن کاربرد دارد، کارکرد دارد، آیه فقط یک دستورالعمل نیست، بلکه انجام می‌شود، با همین شرایط امروز ما انجام می‌شود؛ برای

نمونه، آیت‌الله زنجانی ارتباط زیادی قبل از کسالت با جوانان

داشتند، اگر کسی مشکل حادی در زندگی داشت و ما

نمی‌توانستیم حل کنیم در این صورت می‌گفتیم

با آیت‌الله زنجانی مشورت کند، آن شخص

می‌رفت و حضرت آیت‌الله برداشتی را از آیه

قرآن بیان می‌کرد که اصلاً ما به ذهنمان

نرسیده بود و مشکل آن طرف حل می‌شد.

این فضا یک ویژگی خاص است و تسلط

ویژه فرد را نیز می‌رساند.

وی گفت: خیلی وقت‌ها ما حوزه نظری

را خوب به یاد داریم اما در تطبیق و الگو کردن دستورالعمل برای خود و دیگران، گیر کرده و نمی‌توانیم تطبیق دهیم؛ لذا مثل یک نقشه ساختمان است، نقشه را خیلی زیبا کشیدند، اما در اجرا نمی‌توانند خوب اجرا کنند؛ چون تطبیق آن نقشه را روی آن زمین نمی‌توانند درست بیابند. این یکی از ویژگی‌های خاص آیت‌الله زنجانی است که در مقاطع مختلف دیدم، ویژگی خاصی که جای دیگر کمتر دیدم.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی در پاسخ به این سؤال که این مفسر شیعی نسبت به شبهات تا چه اندازه حساس است؟، تصریح کرد: من در جریانات و شبهات مختلف که بیان شده بود خصوصاً از طرف برخی از این آقایان؛ مانند مباحث قبض و بسط تئوریک شریعت و...، ایشان را فعال دیدم به طوری که برخورد کرده و زیبا پاسخ دادند. اول از همه شما باید بدانید که شبهه به کجا اصابت کرده است، خیلی وقت‌ها بیشتر از این‌که به شبهه بپردازیم به شبهه کننده می‌پردازیم؛ لذا این اشتباه است و موضوع گم می‌شود. شبهه‌ای که وارد شده اول باید خوب بررسی شود. مسجدی که ایشان نماز می‌خوانند قلب دانشگاه



آیت‌الله زنجانی ارتباط زیادی قبل از کسالت با جوانان داشتند، اگر کسی مشکل حادی در زندگی داشت و ما نمی‌توانستیم حل کنیم در این صورت می‌گفتیم با آیت‌الله زنجانی مشورت کند

که در این موضوع هم دخالت نمی‌کند؛ یعنی مصداق تعیین نمی‌کند. موضوعات کلی مثل این‌که باید با این ملاک رأی داد را بیان می‌کند. من یادم هست در بحث ولایت فقیه زمانی شبهاتی بود، ایشان سخنرانی خوب و زیبایی انجام داد که خیلی از دانشجویان که تا آن زمان منتقد به این مسئله بودند، مجاب شدند. ایشان بیان کرد که در بحث ولایت فقیه، ولایت برداشت دینی است و یک متخصص دینی حکم می‌دهد. شما چگونه پیش دکتر می‌روید و او به شما دستور مصرف دارو می‌دهد، چگونه یک متخصص در روبرو شدن با غیر متخصص

برخورد می‌کند، خوب بحث ولایت فقیه هم همین است و تفاوت آن در این

است که متخصص در فقه، ساکلا

لنفسه، حافظا لدینه،

مخالفا لهوا است، غیر از

این‌که بر مبنای رأی می‌دهد و بی دلیل رأی نمی‌دهد. اگر از او سؤال کنند که بر چه مبنایی این حرف را زدی، مبنایش را تقریر

می‌کند، پس بنابراین عقل می‌گوید از این فرد باید تبعیت کنید که هوای نفس ندارد، تقوا دارد، با مبنای هم حرف می‌زند و اگر از او سؤال شد باید مبنایش را تقریر کند. اگر از مجتهدی سؤال شود که بر چه مبنای این حرف را زدی تقریر می‌کند، پس بنابراین چه مشکلی در تبعیت است.

وی افزود: در زندگی روزمره خود از کارشناس و متخصص تبعیت می‌کنیم و صبح تا شب زندگی ما این است، حالا که به اینجا رسید دچار مشکل می‌شویم، نه این‌گونه نیست. از این دست پاسخ‌ها؛ یعنی شناختن

این مسئولیت را ندارد، نصف ارث را می‌برد، هزینه ندارد که درآمد برایش کارایی داشته باشد؛ لذا مرد همیشه پول هایش را خرج می‌کند، اما خانم‌ها نگه می‌دارند و این سبب وسعت مالی خانم‌ها می‌شود. این شبهه را حضرت (ع) هزار و چندین سال پیش پاسخ دادند که نصف بودن ارث برای زن، ظلم نیست، بلکه عدالت و بالاتر از آن هم شاید باشد؛ چون نصف پول به زن می‌رسد، بدون هیچ تعهد مالی، اما مرد با این همه تعهد مالی دو برابر می‌گیرد. این‌گونه پاسخ‌ها انسان را مجاب می‌کند. حتی فکر می‌کنم خانمی بود این سؤال را مطرح کرد که چرا

چنین ظلمی شده است و با این پاسخ

آیت‌الله زنجانی، معلوم شد که

ظلمی نشده است؛ لذا

می‌خواهم بگویم همیشه

نسبت به شبهات

حساس هستند. آیت‌الله

زنجانی نسبت به مسائل

اجتماعی همیشه حساس

است. ایشان در محیطی است

که مرکز شهر بوده و همه چیز هم در مرکز شهر دیده می‌شود؛ حجاب خانم‌ها، رفت و آمدها، برخوردها، مسائل گوناگون و مشکلات اجتماعی آنجا دیده می‌شود و این در حالی است که ایشان هیچگاه نسبت به این دسته از مسائل بی تفاوت نبوده است.

ریاحی گفت: در مسائل سیاسی هم سعی دارند تا با روشی خاص اصل تقویت نظام که اولویت دارد را مد نظر قرار دهد. همیشه در انتخابات بر مشارکت تأکید دارد. بعضی وقت‌ها افرادی را تأیید می‌کردند ولی مدت‌هاست

آیت‌الله زنجانی در مسائل سیاسی سعی دارند تا با روشی خاص اصل تقویت نظام که اولویت دارد را مد نظر قرار دهد؛ لذا همیشه در انتخابات بر مشارکت تأکید دارند

می‌دهیم. يك ذره عنوان که پیدا می‌کنیم - علمی یا غیر علمی - سخت برخورد می‌کنیم. این شخصیت‌ها نشان می‌دهند که چقدر بزرگوارند، چقدر بزرگ هستند. توجهی که آیت‌الله زنجانی به کلام افراد می‌کند، نکته ویژه‌ای است. معمولاً انسان در محضر بزرگان دست و پایش را گم می‌کند و حرف زدن برایش سخت است حال در هر شرایطی که باشد، ولی همیشه آن محبت و توجهی که ایشان می‌کردند، جالب توجه بود این را در دین به ما یاد دادند. این دستورات دینی فقط در کتاب نیست، بلکه باید در عمل باشد. اگر شخصی حرف زدن برایش سخت باشد، ایشان صبر می‌کند، با نگاه و لبخندشان و آن محبتی که درونی دارد، او را یاری می‌کند. این‌ها تأثیراتی است که از آن وجود خود ساخته بلند می‌شود.

ریاحی تأکید کرد: اگر در

محضر آیت‌الله زنجانی

چندین ساعت هم بنشینیم،

حرف اضافه نمی‌شنویم و چیزی بر اندوخته‌هایمان اضافه می‌شود. تسلط بر مسائل، دیگر ویژگی ایشان است، اخبار را از

طریق روزنامه و... دارند و موضع درست می‌گیرند؛ زیرا خیلی وقت‌ها ما سردرگم هستیم، ولی ایشان هر بار که رجوع می‌کنیم چیزی که در مسیر قرار بدهد را بیان می‌کند. آن نگاه ژرف و عمیق نسبت به مسائل، در برخوردهای عادی هم دیده می‌شود و انسان چیزی می‌آموزد و باز می‌گردد. نگاهشان به محروم‌های جامعه ویژه است و توجه دارند. به هر حال افرادی جمع می‌شوند و مدرسه و غیره می‌سازند که طبیعتاً همیشه علمای ما در این فضاها فعال بوده و

خوب شبهات و پاسخ درست دادن؛ چون خیلی‌ها آنقدر سنگین حرف می‌زنند که فکر می‌کنم اول خودشان نمی‌فهمند که چه می‌گویند. یکی از خصوصیات ویژه آیت‌الله زنجانی این است که به قول ما روان، ساده و قابل هضم سخن می‌گوید و این مرحله‌ای از علم است که شما بتوانید به اوجی از علم برسید که مسائل علمی را ساده بیان کنید. این مرحله‌ای است که شاید کمتر کسی به آن برسد و این یکی از ویژگی‌های استاد شهید مرتضی مطهری بود که سخت‌ترین مباحث را با بیان ساده‌ای مطرح می‌کرد که قابل هضم بود. فکر می‌کنم شخصیتی مثل آیت‌الله زنجانی در مبارزه بانفس و ساختن آن خیلی تلاش کرده است. انسان‌های خودساخته با دیگران

فرق می‌کنند و در برخورد ابتدایی،

پاسخ دادن، توجه به دیگران،

خیلی خوب عمل

می‌کنند. خیلی وقت‌ها ما

حوصله نداریم که جواب سلام

بدهیم، اما جوانی وارد می‌شود

و آیت‌اللهی با این عظمت -

زمانی که سر حال بودند. جلوی

پای آن جوان بلند می‌شود. کاری ابتدایی اما بسیار بزرگ است و نشان از بزرگی آن طرف دارد.

محمد رضا ریاحی ادامه داد: رسول‌الله (ص) این خصوصیت را داشتند و بچه و بزرگ، ثروتمند و فقیر برای ایشان مطرح نبوده است. احترام به دیگران می‌گذاشتند. این نشانه از قدرت روحی شخص است؛ یعنی روی خود کار کرده است. ما دو کتاب که می‌خوانیم سینه‌هایمان را واجب می‌کنیم که چقدر چیز می‌دانیم، جواب سلام‌ها را بزور

یکی از خصوصیات ویژه آیت‌الله زنجانی این است که به قول ما روان، ساده و قابل هضم سخن می‌گوید و این مرحله‌ای از علم است که شما بتوانید به اوجی از علم برسید که مسائل علمی را ساده بیان کنید

تجویز می‌کنم، امتحانش مجانی است، شما بروید بیرون به ۵ نفر بگویید سرم درد می‌کند، چهار تا و نصفی برایتان نسخه می‌دهند این قول سدید نیست.

ریاحی در تبیین بیشتر این سخن افزود: آیا تو دکتري که نسخه می‌دهی؟ تو آخرش تیر دروازه بودی، چرا اینقدر برای فوتبال کارشناسی می‌کنی؟ شما راندگی خود را بزور انجام می‌دهی، حالا کارشناس صحنه تصادف شدی؟ این امور دو دلیل دارد؛ یکی این‌که ما بیکاریم و دلیل دیگر این‌که نگاه به خود نداریم و نگاهمان همیشه به بیرون است. يك ذره فضول و کنج‌کاویم. اکثر دعواها بین زن و مردها و خانواده‌ها به این دلیل است که قول سدید نمی‌گویند. آقا از بیرون می‌آید هنوز ننشسته است که خانم يك قول غیر سدید می‌گوید، آقا هم در جوابش قولی غیر سدید می‌گوید و لذا «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» نمی‌شود.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی اظهار کرد: فاعل «یصلح» چیست؟ دقت کنیم که قول خودمان کار را اصلاح می‌کند. اگر فاعلش را خدا بدانید، قوی‌تر می‌شود تو قول سدید بگو، خدا اصلاح می‌کند. اگر ضمیرش را به قول سدید برگردانی، خود قول سدید کارت را درست می‌کند. خیلی وقت‌ها قول غیر سدید کار را خراب می‌کند، چیزی که ما اکثراً گرفتارش هستیم. راحت اظهار نظر می‌کنیم. من واقعا پذیرش این گفت‌وگو برایم سخت بود؛ زیرا ایشان شاگردهای خوب زیادی دارند، من اصلا شاگرد لایقی نبودم، اما آقازاده ایشان گفت و ما پذیرفتیم. يك ذره در حرف زدن رعایت کنیم، اگر حرف نزیم چه می‌شود؟ خیلی کارها درست می‌شود اگر هم حرف می‌زنیم قول سدید بگوییم اگر ما واقعا همین یکی را درست کنیم، کارها درست می‌شود. انسان کلید می‌خواهد، اینقدر که می‌روند ذکر می‌گیرند و پیش رمال‌ها می‌روند؛ چون کلید ندارند. شخصی هم پیش من آمد و گفت که خانم من با من قهر است و کلی پول به رمال دادم که گره کار مرا باز کند اما نشد، چه کار کنم،

هستند. از ویژگی‌های خاصی که در ایشان است، آن نورانیتی است که ایشان دارند و علت اصلی آن را انس با قرآن و آن اندازه تسلطی که بر قرآن دارند، می‌دانم. نبوده که ما خدمت ایشان بنشینیم و چندین آیه از قرآن را نشنویم. قرآن نور است و هر کسی که در پرتو نور قرآن قرار می‌گیرد این نور را دریافت می‌کند. خشوع و فروتنی که در شخصیت ایشان دیده شده است قابل توجه و جذاب است و این است که جوانان دانشجویی می‌کنند در نماز ایشان بیایند و فکر می‌کنم بیشتر خود ما زمانی که می‌خواستیم انسانی الهی و ربانی را ببینیم، خدمت ایشان می‌رسیدیم. آن نورانیت باطن ایشان که در چهره هم هست، آرامش ویژه‌ای به انسان می‌دهد و نشان می‌دهد که عقبه خودسازی و تقوا بالاست.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی با اشاره به نکات تفسیری مطرح از جانب ایشان گفت: ایشان فرمود که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا، يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید، تا اعمال شما را به صلاح آورد...» (سوره احزاب، آیات ۷۰ و ۷۱) قول سدید چیست؟ من کلامی را جایی گفته بودم و به خاطر همان هم گیر کردم. بعضی وقت‌ها انسان جو زده می‌شود و به يك باره چیزی می‌گوید، این قول خیلی مرا سردرگم کرد. قول سدید؛ یعنی گفتار محکم، استوار و درست. ما همه گرفتاری‌هایمان از این است که درست حرف نمی‌زنیم بجا حرف نمی‌زنیم، همیشه بیشتر از آنچه که می‌دانیم را می‌گوییم. همه ما کارشناسیم. الآن يك ماشین تصادف کند، ۵۰ کارشناس می‌آید، تصادفی دیدم که مردم خیابان را متر می‌کردند که ببینند کدام خیابان حق تقدم دارد. پلیس هم که آمد دید همه کارشناس هستند همان که آن‌ها گفتند (این خیابان فرضا ۱۲ و آن یکی ۱۱ متر است) را درست اعلام کرد و مقصر را اعلام کرد. در فوتبال همه کارشناس و پروفیسور هستیم. در مریضی‌ها همه دکتریم، الآن شما اگر بگویید سرم درد می‌کند برایتان نسخه

این نکته که این نوع برداشت از قرآن را آیت‌الله زنجانی به ما آموخته است، ببینید چقدر راهبردی است و کار را درست می‌کند. شخصی در آزمون کنکور قبول نشد و آشفته شده بود. گفتیم آقا چه شد که این رشته را انتخاب کردی؟ گفت ما رفتیم پیش کارشناس و گفت الآن بازار این رشته خوب است. خوب آقای کارشناس رشته، تو اگر قول سدید بگویی که یک جوان را بدبخت نمی‌کنی. قول سدید تو چیست؟ این است که ببینی این جوان به چه کاری می‌آید. او آمده پیش تو مشورت کند، آیا استعدادیابی کردی؟ او از نقشه‌کشی نفرت دارد، تو می‌گویی برو نقشه‌کشی بخوان، او شعر دوست دارد تو استعدادیابی کردی؟ تو قول سدید نگفتی، چه گفتی؟ قول غیر سدید. این قول چه بود؟ گفتی بازار این رشته گرم است. یک سال پشت کنکور مانده اگر خودش را نکشد، یک سال با همه دعوا می‌کند.

گفتم بگو چه شده است؟ کمی حرف زد، گفتم خوب ادبیات تو درست نیست، تو فکر کردی مردی و قلدری و هر حرفی را می‌توانی بزنی، تو نباید این حرف‌ها را به او بگویی، برو عذرخواهی کن، آقا قول سدید نگفتی، خانم هم ناراحت شد، اگر خودت خجالت می‌کشی واسطه بفرست. این‌که گره را رمال باز کند راه گشا نیست، خودت زبانت را درست کن.

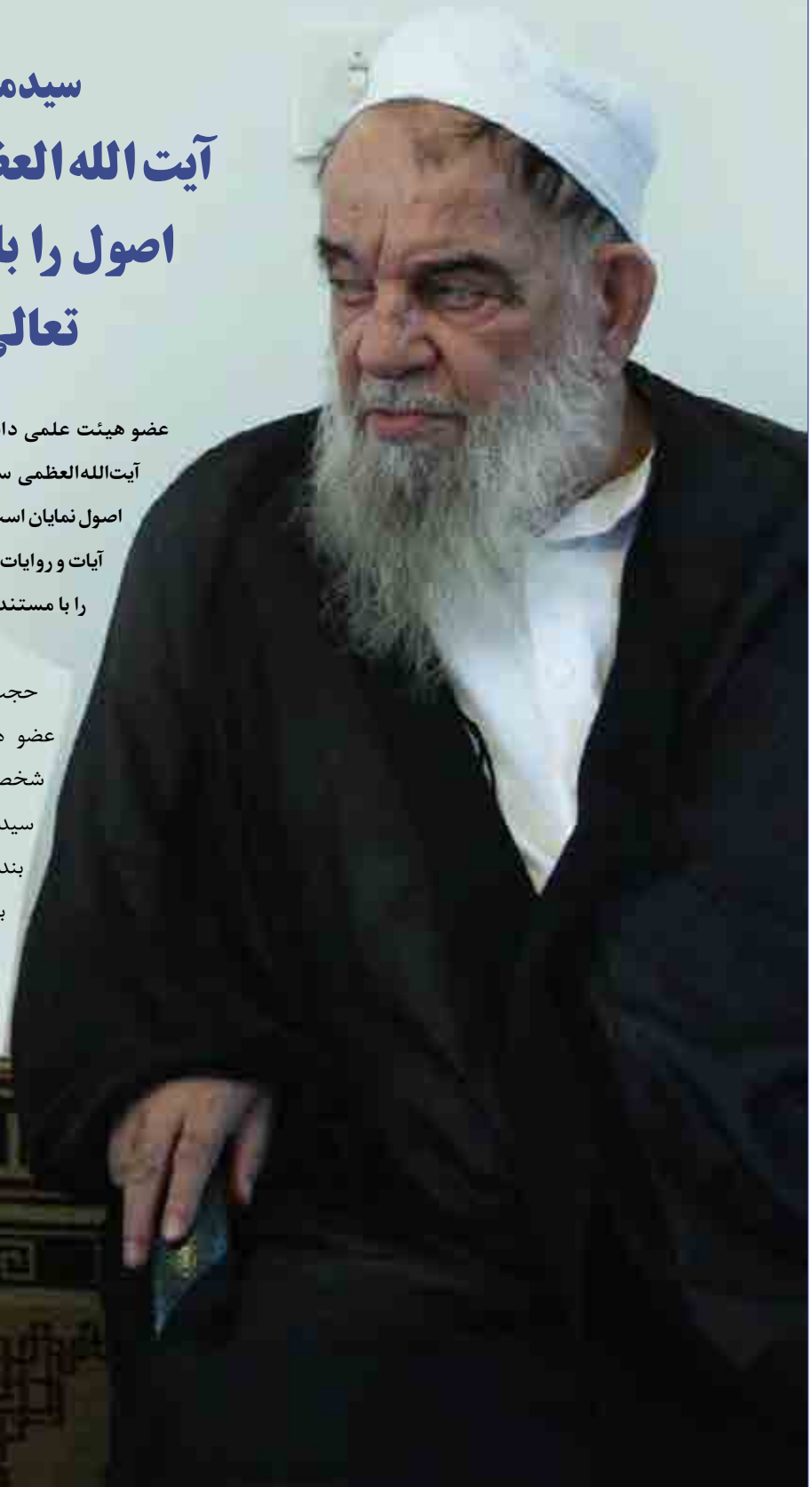
محمد رضا ریاحی در پایان خاطرنشان کرد: چرا موقع عصبانیت اهانت به زن، پسر، پدر، همکار و... می‌کنید؟ می‌خواهم این را بگویم که اگر یکی از این حرف‌ها و یک آیه از آیه قرآن را بگیریم، و اجرا کنیم درست می‌شود؛ چون کلید اصلاح است و با این کار همه چیز درست می‌شود. کلید هم قول سدید است و اگر انسان بخواهد قول سدید را در زندگی بکار بندد آنقدر مصادیق پیدا می‌کند که ناپیدا است. این‌ها را گفتم برای



سیدمحمد انتظام: آیت‌الله‌العظمی زنجانی خارج اصول را با مستندات قرآنی تعالی می‌بخشد

عضو هیئت علمی دانشگاه مفید معتقد است که قدرت علمی آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی در درس خارج فقه و اصول نمایان است؛ چراکه پس از بیان اقوال و آرا، مستندات آیات و روایات علم اصول را بیان می‌کند و لذا خارج اصول را با مستندات قرآنی تعالی می‌بخشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدمحمد انتظام»، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید، در مورد شخصیت علمی و اخلاقی آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی، گفت: آشنایی علمی بنده با آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی به حدود بیست سال پیش بازمی‌گردد، گرچه پیش از آن هم خدمت ایشان می‌رسیدم و از



بسیاری را می‌آموزند، ولی در آنجا که باید به کارشان آید، همه چیز را از دست داده‌اند و تنها خاطره‌ای از دوران تحصیل برایشان باقی مانده است.

این محقق علوم اسلامی اظهار کرد: افراد کمی هستند که قواعد نحوی، صرفی و معانی بیان به صورت ملکه همراه آن‌ها باشد و در تفسیر قرآن و شرح و توضیح روایات بتواند به خوبی از آن‌ها استفاده کند، آیت‌الله زنجانی دارای این ویژگی بود و معلوماتش به صورت ملکه در ذهن موجود بود و به صورت ماهرانه از آن‌ها استفاده می‌کرد. تسلط استاد بر منطق، فلسفه، کلام و بر استنباط‌های علم اصولی‌شان که آن‌ها آمیخته با آن علوم است و در واقع متد اجتهاد است، تأثیرگذار بوده است. با توجه به این‌که قواعد این علم، در واقع متد اجتهاد است،

استاد اهمیت ویژه‌ای به آن می‌داد. استاد بدون این‌که از گذشته خود چیزی بگوید در مقام تشریح و توضیح قواعد اصولی و استنباط احکام در متون روایی و قرآنی به ما نشان داد که مقدمات اجتهاد را قدرت و قوت فرا گرفته است.

این مدرس حوزه و دانشگاه تأکید کرد: قدرت علمی آیت‌الله

زنجانی زمانی نمایان شد که علاوه بر رعایت همه آنچه در یک درس خارج فقه لازم است؛ از قبیل بیان اقوال و آرا و مبانی هر یک، به توضیح و تفسیر مستندات از آیات و روایات نیز اهتمام داشت و در جمع‌بندی و ارائه نظر نهایی از قرآن و روایات بسیار استفاده می‌کرد. آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در درس خارج فقه، متن کتاب جواهر را برای ما می‌خواند و توضیح می‌داد و به ویژه به مجلدات آغازین توضیح بیشتری اختصاص گرفته بود و این مطلب برای کسانی که با این کتاب شریف آشنا هستند روشن است که توضیح و شرح کتاب کار آسانی نیست در حالی که استاد به خوبی از عهده آن برآمده بود. مقام علمی آیت‌الله زنجانی به فقه و اصول محدود نیست. آیت‌الله سیدعزالدین

محضرشان استفاده می‌کردم، ولی این ارتباط به صورت مستمر و علمی نبود. در سال‌های ۶۴ و ۶۵ به خاطر تدریسی که در دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد داشتم و به اقتضای مسئولیتی که بردوشم بود همراه با دانشجویان برای استفاده از استاد سیدعزالدین زنجانی، خدمتشان می‌رسیدیم و از این طریق با شخصیت علمی و اخلاقی آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی آشنایی بیشتری پیدا کردم و به تدریج مجذوب این شخصیت شدم.

مؤلف پیش‌فرض‌های فلسفی علم اصول در ادامه سخنانش عنوان کرد: وزانت علمی آیت‌الله زنجانی به قدری ما را مجذوب خود کرد که به همراه جمعی از دوستان از ایشان تقاضای برگزاری درس خارج فقه با محوریت «جواهر الکلام» را کردیم که استاد با بزرگواری آن را پذیرفتند.

این درس به صورت مستمر چندین سال ادامه داشت. در درس خارج فقه با عمق دانش وسیع آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در فلسفه، عرفان، تفسیر، اخبار و احادیث، تاریخ، فقه و اصول آشنا شدیم؛ لذا در درس خارج فقه علاوه بر اهمیت خود درس، سبب بهره‌مندی‌های

فراوان دیگری شد و موجب شد که از دیگر وجوه علمی استاد بهره ببرم.

وی در پاسخ به این سؤال که در این مدت که با آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی بودید، استاد خود را چگونه یافتید؟ گفت: آیت‌الله زنجانی به لحاظ وسعت معلومات و دقت نظر کم‌نظیر هستند و حافظه خیلی خوبی دارند؛ لذا فراگیری دقیق و کامل از مقدمات علمی اجتهاد از صصصرف و نحو و معانی و بیان و منطق و فلسفه و کلام داشته است و در این میان بهره‌مندی ایشان از اساتید بی‌نظیری در اصول، فقه و فلسفه باعث شد از آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی استادی موفق و قابل استفاده برای همگان بسازد. بسیاری از علما و اندیشمندان نیز مقدمات



آیت‌الله سیدعزالدین همان‌گونه که در کلام نبی اکرم (ص) آمده است، معتقدند که قرآن ثقل اکبر و اهل بیت (ع) ثقل اصغر هستند و تمسک به این دو، مایه نجات است



زنجانی در فلسفه و عرفان و تفسیر قرآن
 شخصیتی برجسته و ممتاز است و علاقه فراوان
 اساتید ایشان؛ یعنی امام راحل (ره) و علامه
 طباطبایی حاکی از این مقام علمی است؛
 لذا علامه طباطبایی در مصاحبه
 تلویزیونی از آیت‌الله سیدعزالدین به
 عنوان یکی از شاگردان برجسته خود در
 فلسفه نام برد که مردم به او مراجعه کنند.

این مدرس حوزه علمیه قم افزود: امام راحل نیز
 بسیار به آیت‌الله سیدعزالدین علاقه‌مند بود، چنانچه
 استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی - که یکی از فلاسفه
 نام‌دار معاصر محسوب می‌شود و بنده در نزدشان تلمذ
 کرده‌ام و ایشان هم مانند آیت‌الله سیدعزالدین شاگردی
 امام را کرده بود - نقل می‌کرد که در تهران خدمت امام
 خمینی (ره) رسیدیم و امام حال سیدعزالدین را
 پرسیدند و گفتم که مدتی است ایشان را ندیده‌ام که
 امام با تندی فرمودند: «چه طور شما در مشهد
 هستید و از آقا سیدعزالدین خبرندارید؟». این
 گفته امام (ره) نشان از علاقه وافر به استاد ما،
 آیت‌الله سیدعزالدین است و علاقه هم غیر
 عقلانی و احساسی نبود، بلکه پشتکار و



انتظام در مورد خصوصیات اخلاقی آیت‌الله سیدعزالدین حسینی زنجانی گفت: کسانی که با آیت‌الله سیدعزالدین آشنا هستند بیش از هر چیز مجذوب حسن خلق، تواضع و فروتنی، سعه صدر و محبت و صمیمیت‌شان می‌شوند. به یاد دارم که در سال‌های اولیه پس از جنگ تحمیلی که جوانان دانشجوی هنوز تحت تأثیر جاذبه‌های عرفانی آن دوران بودند و گاه به بنده مراجعه می‌کردند و با اصرار می‌خواستند که یکی از عالمان دینی را معرفی کنم که محضرشان و بهره‌گیری از انفاس قدسی ایشان مانع از فاصله گرفتن آن‌ها از تأثیرات معنوی جبهه و جهاد در دوران مقدس شود، طبعاً آیت‌الله زنجانی یکی از بهترین گزینه‌ها بود.

بیت آیت‌الله العظمی سیدعزالدین به مراکز دانشگاهی نزدیک بود و مطمئن بودیم که دانشجویان در صورتی که با ایشان ملاقات کنند به مطلوب خود دست خواهند یافت و پدر معنوی مهمی برای آن‌ها خواهد بود. معنویت، حسن خلق، سعه صدر و برخورد پدرا نه با

همه افشار جامعه از ویژگی‌هایی بود که می‌توانست برای این قبیل جوانان بسیار جذاب باشد، به همین دلیل پس از این‌که جوانان با آیت‌الله سیدعزالدین ملاقات می‌کردند، انتظارشان برآورده می‌شد و گروه‌های جوان دانشجوی و اساتید دانشگاه، سالیان دراز این ارتباط را حفظ کرده‌اند.

عضوهیئت علمی دانشگاه مفید گفت: حقیر در تمام مدتی که شاگردی آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی در دروس مختلف را داشتم، بهره‌های علمی و معنوی بسیاری بردم و همواره استاد را یک آرامش، توکل، حسن معاشرت، صمیمیت و گرمی یافتم. این خصوصیات متعالی استاد منجر شد که در محضرشان راحت باشم و به راحتی در هنگام درس سؤال‌هایی از طرف من طرح می‌شد و استاد هم با روحیه‌ای آرام و لین پاسخ می‌داد و گاه این پرسش و پاسخ‌ها به بحث‌های جدی کشیده می‌شد

عمق آیت‌الله سیدعزالدین در عرفان و فلسفه و فقه باعث این علاقه شده بود.

وی در پاسخ به این سؤال که جلسات تفسیر قرآن آیت‌الله سیدعزالدین چه ویژگی‌هایی داشت؟، عنوان کرد: آیت‌الله سیدعزالدین همان‌گونه که در کلام نبی اکرم (ص) آمده است، معتقدند که قرآن ثقل اکبر و اهل بیت (ع) ثقل اصغر هستند و تمسک به این دو، مایه نجات است، ایشان میزان سنجش افکار و اعمال را این دو می‌دانند و هر فکر و اندیشه و علمی که با آن‌ها هماهنگ نبیند، بر نمی‌تابد. استاد سیدعزالدین معتقد است که با مایه علمی اندک و بدون طهارت باطن و

بدون استمداد از الطاف الهی نمی‌توان از دو ثقل گران‌بهای قرآن و اهل بیت (ع)، بهره‌ای برد؛ لذا در درس‌ها به تزکیه نفس و جهاد اکبر اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. از ویژگی‌های حضرت استاد این‌که علی‌رغم تسلط بر فلسفه و عرفان و علی‌رغم احترام بر اندیشمندان که عمری را در تحقیقات فلسفی و یا سیر و سلوک

عرفانی طی کرده‌اند، بارها در کلاس درس به ما می‌گفت: «هیچگاه مجذوب شخصیت‌هایی مثل ما نشوید، همواره کلام ما را با قرآن و سنت بسنجید».

مؤلف کتاب مبانی فلسفی علم اصول فقه گفت: همان‌گونه که استاد به ما بارها گفت که مجذوب شخصیت خودشان نشویم، سیره عملی‌شان نیز همین‌گونه است و هیچگاه مجذوب افراد نشد و قرآن و سنت را میزان سنجش افکار قرار داده و برای هماهنگ کردن کلام آنان با قرآن و سنت، هیچگاه دست به تأویلات خارج از قواعد عقلایی تفسیر نزد. روحیه تمسک به قرآن و سنت و استقلال در برابر اندیشه‌ها باعث شده که تفسیر قرآن ایشان علاوه بر عمق و دقت که ناشی از سعه اطلاعات و تسلط قواعد و مقدمات تفسیری است، خارج از قواعد عقلایی قرائت و تفسیر متن نباشد.



بارها حقیر شاهد بودم که وقتی استاد سیدعزالدین نام حضرت زهرا (س) را به زبان می‌آوردند، اشک شوق در چشمانشان حلقه می‌زد و عشق و علاقه خود را به آن حضرت نمی‌توانستند مخفی نگاه دارند



معنویت، حسن خلق، سعه صدر و برخورد پدران به همه اقشار جامعه از ویژگی‌هایی بود که می‌توانست برای این قبیل جوانان بسیار جذاب باشد، به همین دلیل پس از این‌که جوانان با آیت‌الله سیدعزالدین ملاقات می‌کردند، انتظارشان برآورده می‌شد

اندیشه‌ها را می‌سنجید. این شاگرد آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی تأکید کرد: قوت اندیشه و شخصیت افراد باعث نمی‌شد که با شیفتگی

سعی در توجیه ضعف‌های آن‌ها داشته باشد و نه ضعف‌های آنان موجب می‌شد که ایشان بر قوت و اندیشه‌آنان چشم ببوشاند. روحیه استقلال فکری و عدم مجذوبیت مفرط در حق فرد و یا اندیشه‌ای و نقد اندیشه‌ها نه افراد، منجر شد که افراد با گرایش‌های مختلف سیاسی با فکری و با برداشت‌های مختلف در محضرشان راحت باشند و مشکلات فکری خود را به راحتی مطرح کنند و ایشان هم با همان میزان یاد شده به حل مشکل آن‌ها بپردازد. از دیگر ویژگی‌های استاد سیدعزالدین زنجانی، عشق و علاقه زایدالوصف ایشان به پیامبر اسلام (ص) و حضرات ائمه معصومین (ع) و خصوصاً حضرت زهرا (س) است، این عشق و علاقه را در هنگام سخن گفتن ایشان از این بزرگان به خوبی می‌توان لمس کرد.

انتظام در پایان خاطر نشان کرد: بارها حقیر شاهد بودم که وقتی استاد سیدعزالدین نام حضرت زهرا (س) را به زبان می‌آوردند، اشک شوق در چشمانشان حلقه می‌زد و عشق و علاقه خود را به آن حضرت نمی‌توانستند مخفی نگاه دارند. این ادب، باور و ارادت به حضرات معصومین (ع) در

روحیه استقلال فکری و عدم مجذوبیت مفرط در حق فرد و یا اندیشه‌ای و نقد اندیشه‌ها نه افراد، منجر شد که افراد با گرایش‌های مختلف سیاسی با فکری و با برداشت‌های مختلف در محضرشان راحت باشند و مشکلات فکری خود را به راحتی مطرح کنند



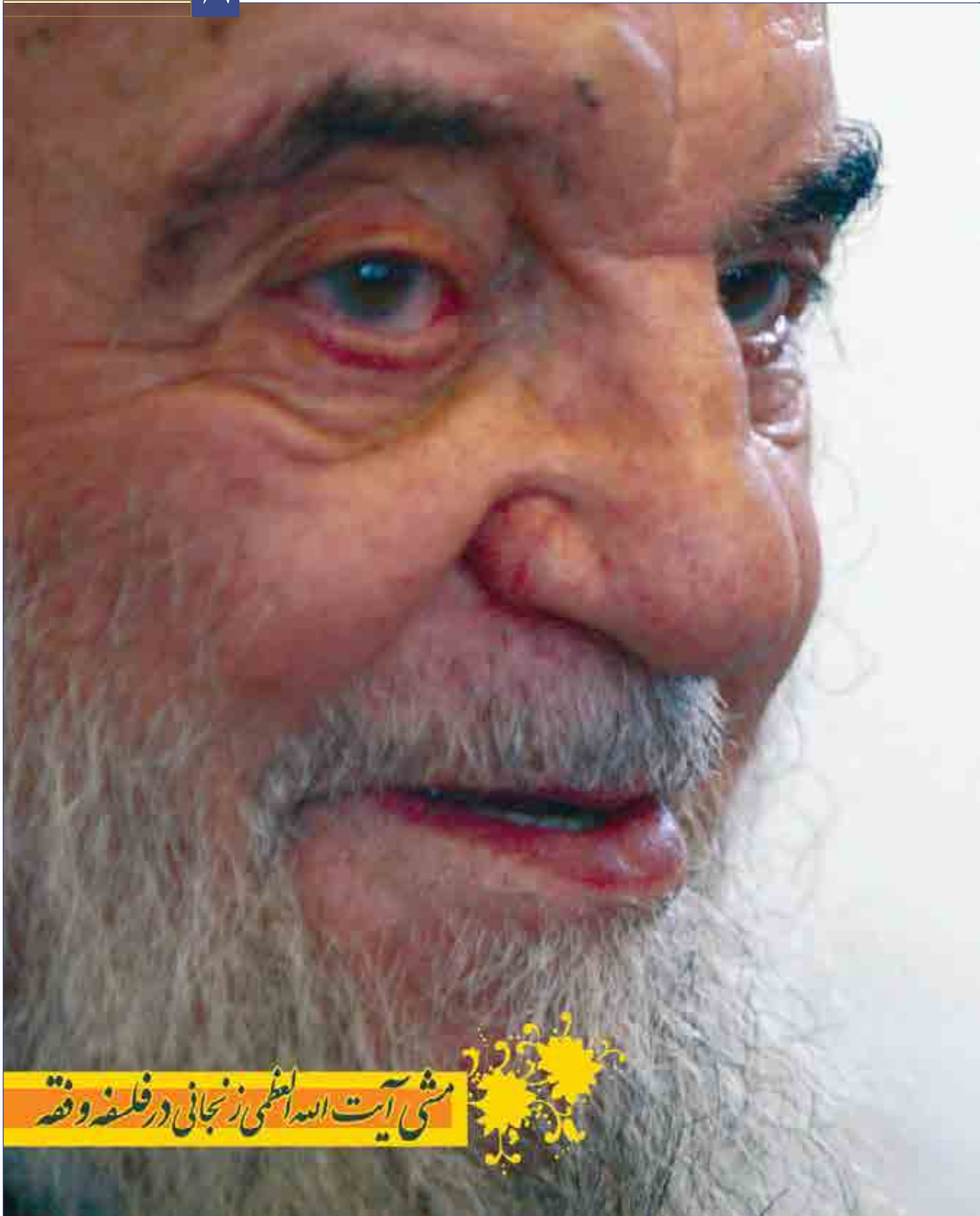
روحیه شاگردانشان بسیار تأثیرگذار بود.

که در برابر اساتید دیگر یا مجال این نوع بحث‌ها را نداشتیم و یا با برخوردی سرد بدرقه می‌شدیم. بحمدالله مسجد امام صادق (ع) که استاد در آن مشغول نماز

خواندن هستند و نیز بیتشان محفل خیل عظیمی از اقشار مختلف مردم است، در این میان حضور پررنگ اساتید دانشگاه و دانشجویان که با ارادت و علاقه خاصی به خدمتشان می‌رسند و کسب فیض می‌کنند، مثال زدنی است.

این مدرس سابق دانشگاه فردوسی مشهد در مورد اخلاق پژوهشی آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی عنوان کرد: یکی از خصوصیات اخلاقی استاد سیدعزالدین زنجانی این است که در شنیدن آرای مخالف تحمل والایی دارد و لذا در عین تأمل دقیق در نقدهای مخالفان، در قضاوت احترام بسیار زیادی به مخالف می‌گذاشت و رعایت انصاف را داشت. به خاطر دارم که روزی در محضر استاد بودم و در

مورد مثنوی معنوی و سراینده آن صحبت شد، استاد علی‌رغم این که ضعف‌هایی را در اندیشه‌ها و آرای مولوی برشمردند، تأکید بر این داشتند که مثنوی یک شاهکار و در حد یک معجزه است. این نوع قضاوت و داوری در مورد دیگر شخصیت‌ها بارها از استاد شنیده می‌شد و همان‌طور که اشاره شد، میزان نهایی را قرآن و عترت می‌دانست و این میزان افراد و ضعف و قوت



مشق آیت الله العظمی زنجانی در فلسفه و فقه



رئیس دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی:

آیت‌الله‌العظمی زنجانی مطالب فقهی را در کسوت روایت عنوان می‌کند



خدمت حضرت آیت‌الله زنجانی ارادت و آشنایی پیدا کنم و این ادامه داشت تا این‌که این دوستان طلبه خواستند از خراسان یا ایران تشریف ببرند. من به آن‌ها گفتم تا پایان دوره، یک شام در کنار هم باشیم. گفتند اگر اجازه می‌دهید آیت‌الله زنجانی را هم دعوت کنیم، گفتم اگر ایشان بپذیرد.

رئیس دفتر آیت‌الله زنجانی افزود: من آن زمان اینقدر با آیت‌الله زنجانی راحت نبودم. مراسم شام که به اتمام رسید، آیت‌الله زنجانی به زبان ترکی به دوستان مطلبی را گفت، من هم ترکی بلد نبودم و گفتم حضرت آقا اگر صاحب‌خانه شام بدی داد و می‌خواهید ناسزا بگویید، فارسی بگویید تا توان دفاع هم داشته باشد، آقا خندید و گفت: من به دوستان گفتم شما بنشینید و آقای فلاح مرا برساند. من هم با آن‌ها تماس گرفتم و ایشان را تا منزل رساندم. حضرت آقا آنجا عذرخواهی کرد و فرمود که آقای فلاح من قصد زحمت برای شما را نداشتم.

آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی ابتدا یک فقیه اصولی قدرتمند و قوی است، ولی مطلب را در کسوت روایت و حدیث عنوان می‌کند؛ یعنی هم از خرمن اصول و هم از سفره درایت و روایت استفاده می‌کند و معجونی از این دو امر است.

حجت‌الاسلام و المسلمین «شعبانعلی فلاح»، رئیس دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین حسینی زنجانی در مشهد مقدس، درباره ابعاد مختلف شخصیتی ایشان گفت: از سال ۱۳۶۷ یا ۶۸ به بعد بود که در درس خارج فقه با موضوع حج در مدرسه «سلیمانیه» مشهور به «سلیمان خان» خدمت آیت‌الله زنجانی رسیدم و باب آشنایی حقیر با ایشان به صورت استاد و شاگردی شروع شد. اگرچه سه یا چهار سال قبل از آن، با طلاب آذری زبان مقیم خراسان که الآن از هندوستان تا کالیفرنیا هستند، هم بحث شدم و این فتح بابی شد که من بیشتر

ولی به ۲ دلیل نپذیرفتید؛ یکی اشتغال بود اما دومی چه بود؟ گفتیم آن زمان آقا سید محمد باقر (فرزند آیت الله زنجانی) خردسال بود و من دلم می خواست که از بیت شما هم کسی باشد که ورودی و خروجی هزینه ها زیر ذره بین او باشد؛ چون من در عین حال که بسیار آدم صبوری هستم و در مراودات بسیار اهل ملاحظه هستم، تحمل این را ندارم که در موضع اتهام واقع شوم؛ چون تا به حال شسته و رفته زندگی کردم و تا این سال حتی پا جلوی فرزندان خود هم دراز نکردم.

فلاح در پاسخ به این پرسش که مشی فقهی آیت الله زنجانی چگونه است؟، گفت: نظرات ایشان نزدیک به نظرات حضرت امام (ره) است و از مبانی فقهی نوو شکوفا و درخور توجه و مبتلا به جامعه بسیار استقبال می کند، به شکلی که این گونه موضوعات مطرح شود و به صورت فقه متداول قدیم محض نباشد، اگر چه که فقه سنتی هست، ولی عجین با فقه جدید و موضوعات جدید است. چند وقت قبل مسئله ای در رابطه با کشت نطفه و جنین در رحم غیر مطرح شد. آیت الله زنجانی با اشتیاق سؤال را گوش داد و فرمود که سؤال را به صورت واضح بپرس تا خلط بحث نشود و به من منتقل کن تا به صورت پاسخ های نوین در موضوعات جدید فقهی پاسخ دهم. الآن در جامعه اسلامی بعضی از موضوعات که سی سال قبل وجود نداشته است، وارد شده؛ مثل مسائل اقتصادی، این ها را به من منتقل کنید که با اشتیاق خاصی پی گیر هستم. آیت الله

زنجانی با این سن بالا مانند طلبه ای جوان به دنبال موضوعات جدید برای پاسخ دادن است. آیت الله زنجانی توانایی علمی والا و بالایی دارد؛ چون در دهه ۵۰ ایشان صاحب توضیح المسائل بود و در آن زمان به احترام حضرت امام خمینی (ره) و یا آیت الله العظمی میلانی که در مشهد مقیم بودند، اجازه انتشار آن را نداد. این عالم شیعی، ابتدائاً یک فقیه اصولی قدرتمند و قوی است، ولی مطلب را در کسوت روایت و حدیث عنوان می کند؛ یعنی هم از خرمن اصول و هم از سفره درایت و روایت استفاده می کند.

وی در تبیین این مسئله که آیت الله زنجانی بیشتر از چه شخصیت فقهی یاد می کند، تصریح کرد: ایشان در فرمایشات فقهی خود از مرحوم حجت بیشتر از همه یاد می کند و اغلب شاگردان می دانند که منظور از لفظ سیدنا الاستاد در درس فقه، مرحوم حجت است. در آن

حقیقتا علت این همه احترام این بود که شاید «القلب یهدی الی القلب». این مسئله بیان گر این بود که ایشان متوجه شدند که من چقدر خدمت ایشان ارادت دارم.

فلاح یاد آور شد: به مناسبت ارتحال آیت الله العظمی اراکی، آیت الله زنجانی مجلسی گرفته بود. با این که من خیلی با ایشان ارتباط نداشتم و یکی از دوستان مدیر دفتر منزل ایشان بود، بنده به عنوان منبری مجلس ختم آیت الله اراکی انتخاب شدم. آن زمان حدوداً در سن جوانی بودم و حضرات علما همه نشسته بودند و این هم جرقه ای بود که آیت الله زنجانی توجه بیشتری به من کنند. آن شب آیت الله زنجانی فرمود که آقای فلاح من تصمیمی دارم و شما فردا بین الطلوعین به منزل ما تشریف بیاورید. صبح رفتم و قبل از این که سؤال خود را مطرح کنند، گفتند نمی خواهیم الآن به من جواب دهی و فردا صبح بین الطلوعین جواب مرا بده، ایشان فرمود که تصمیم دارم دفتر خودم را تأسیس کنم و شما به عنوان مسئول دفتر بنده باشید.

گفتم جوابش الآن مشخص است، فرمود نه فردا صبح. من هم فردا صبح رفتم، گفتم جواب بنده منفی است، با همه ارادتی که خدمت شما دارم که بدون وضو تا به حال با شما مصافحه نکردم و الآن هم همین گونه است. احساس کردم ایشان مکدر شدند ولی تا حدودی از دلشان در آوردم و گفتم که بنده ۵ ماهی هست که به صورت قراردادی کارمند بنیاد جانبازان هستم و به دفتر مراجع هم گفتم که همه بدانید من کارمند هستم؛ زیرا برخی از مراجع مانند آیت الله العظمی وحید خراسانی می گویند گرفتن شهریه برای شاغلان حرام است.

وی افزود: آیت الله زنجانی گفتند چرا قبول نمی کنی؟ گفتم یکی مسئله اشتغال است و یک مانع دیگر دارم که بعداً عرض می کنم. این قضیه ۱۰ سال گذشت و ارادت و مراوده بنده، شرکت در درس ایشان و غیر درس بیشتر شد تا این که سه ماه رمضان قبل برای نماز خدمت ایشان رفتم و آقا زاده ایشان گفت که حضرت آقا با شما کار دارد. رفتم خدمت ایشان، گفتند که دفتر تأسیس شد و بنا بر این است که بعد از ظهرها باز باشد و مسئولیت دفتر هم با شما هست، برای ما عذر و بهانه نیاورید. گفتم: بسیار خوب. اما حافظه ایشان را ببینید چقدر فعال است. فرمود یادتان هست که ۱۰ سال قبل این قضیه را از شما خواستم



ایشان در فرمایشات فقهی خود از مرحوم حجت بیشتر از همه یاد می کند و اغلب شاگردان می دانند که منظور از لفظ سیدنا الاستاد در درس فقه، مرحوم حجت است



بذولند و سیدحسن کتوم. حضرت آیت‌الله زنجانی هم با همه و ارستگی‌های علمی و شایستگی‌های معنوی و روحانی، بسیار کتومند. یک طلبه مبتدی وقتی جلوی ایشان سخن می‌گوید به قدری سر و پا گوش است که انسان اصلاً فکر نمی‌کند که یک مرجع عالی‌مقام با آن سابقه علمی و این جایگاه انقلابی جلوی او نشسته است. به شخصی که با ایشان سخن می‌گوید خیلی اهمیت می‌دهد. گاهی اوقات می‌بینم برخی از افراد می‌آیند که سر و وضعی ژولیده دارند، شاید هم حالشان معلوم باشد - نمی‌خواهم بگویم معلوم الحالند شاید حالشان معلوم باشد. بسیار طبیعی و عادی و حتی مساعداتی را که انسان شاید فکرش را هم نکند، برای آن‌ها انجام می‌دهد. این‌ها بیانگر است که این انسان غیر از آنی که من فلاح می‌بینم را می‌بیند و یقیناً فراتر از آن را می‌بیند.

فلاح با اشاره به جایگاه فقه سیاسی در اندیشه آیت‌الله زنجانی،

زمان سه شخصیت بزرگ در قم اقامت داشتند و آیت‌الله زنجانی بیشتر از مرحوم حجت - رحمت‌الله علیه - یاد می‌کند.

فلاح در پاسخ به این پرسش که آیا این عالم شیعی از مشی مرحوم حجت در استدلال مسائل فقهی تأسی جسته است؟، گفت: صریحاً این مسئله عنوان نمی‌شود و طلبه‌ای که سر درس است متوجه نمی‌شود که ایشان مبنای چه کسی را مطرح کرده است و مستقلاً بحث را عنوان می‌کند.

این شاگرد خارج فقه آیت‌الله زنجانی در پاسخ به این سؤال که رجوع مردم به ایشان چگونه است؟، عنوان کرد: برداشت من از منش، شیوه و سیره آیت‌الله زنجانی در طول این سالیان که در خدمتشان بودم، بر مبنای عدم شهرت است و شخصیتی بسیار کتوم دارند. زمانی از مرحوم سیدحسن الهی طباطبایی صحبتی شد، یکی از علما (علامه حسن‌زاده آملی) فرمود که مرحوم علامه طباطبایی

امام جمعه زنجان از سوی حضرت امام خمینی (ره)، مجدداً به مشهد مقدس بازگشتند؟، تصریح کرد: حضرت امام (ره) در آن حکمی که ایشان را به امامت جمعه زنجان منتصب می‌فرایند، بعد می‌فرمایند: «به رهبری حضرت آیت‌الله زنجانی»، نه فقط امام جمعه بلکه کلمه رهبری دارد. حضرت آقا گوینده بسیار توانایی است و قبل از انقلاب هم منبری که داشت مملو از جمعیت بود و خطب نماز جمعه هم به تبع به همین صورت بود، اما در آنجا ترور نافرجامی صورت گرفت و ایشان به خاطر این که مشکلی برای جامعه پیش نیاید یا مردم دچار مشکل نشوند از حضرت امام (ره) خواست که اجازه دهند به اختیار خود در مشهد مقدس در کنار مضجع شریف رضوی (ع) باشد.

فلاح اظهار کرد: حضرت آیت‌الله زنجانی از شاگردان فلسفی مرحوم علامه طباطبایی است و حضرت علامه هم فرمودند در فلسفه به پنج شخصیت مراجعه کنید که یکی از آن‌ها حضرت آیت‌الله العظمی حسینی زنجانی است. بودن در کنار این‌گونه شخصیت‌ها لطف و نعمت الهی است به شرطی که فردی مثل بنده قدر بدانم. زمانی که ایشان فرمود که مسئول دفتر شوم، عرض کردم دفتر به نام امام عصر، حجت ابن الحسن العسکری (عج) است و حضرت‌تعالی یکی از فرماندهان سپاه ایشان هستند و کسانی که حضور پیدا می‌کنند سربازان امام عصر (عج) هستند و بنده افتخار این را دارم که کفش سربازان امام عصر (عج) را جفت می‌کنم.

وی در ادامه سخنانش اظهار کرد: من بی‌جهت به این باور نرسیدم، بالاخره من دو دهه افتخار شاگردی، مراوده و ملازمت ایشان را دارم و به این نتیجه رسیدم که خداوند قطع نظر از موقعیت و جایگاه و شهرت علمی ایشان، درایتی به ایشان داده است، به خاطر زحمات و عباداتی که انجام می‌دهند. گاهی وقت‌ها احساس می‌کنم فراتر از دیگران متوجه اطراف خودشان هستند. چنانچه در پاسخ به یکی از طلبه‌ها، احساس کردم ایشان گوشه‌ای از این پرده را کنار زد و خواست بگوید که شاید ما قسمتی از روحیات ایشان را بدانیم.

حجت‌الاسلام فلاح در پایان خاطرنشان کرد: ایشان نسبت به صحیفه سجادیه - حافظ صحیفه سجادیه هستند - بسیار سفارش می‌کنند. ایشان می‌گویند که صحیفه سجادیه مظلوم واقع شده است، در مسائل تحصیل و امور زندگانی این کتاب را بکار ببرید، این امانت الهی است و از حجت معصوم الهی (ع) بی‌واسطه به ما رسیده است. به این اقیانوس فضیلت متصل شوید و وجود خودتان را زینده کنید.

گفت: من به عنوان نمونه می‌گویم: زمانی که «منتظر الزیدی» کفش به سمت بوش پرتاب کرد، ایشان فرمود بحث طهارت ماقطع و از فردا شب بحث جهاد را ادامه می‌دهیم و دیگر این‌که آقای «شفق» از شعرای نامی و انقلابی خراسان است، او در رابطه با این خبرنگار شعری را سرود که حضرت آقا قبل از این که درس را شروع کند، شعر آقای شفق را به عنوان زینت درس خودش خواند، پس مشخص است که این شخصیت آگاه به مسائل زمان است تا اندازه‌ای که موضوع درس خود را به خاطر اهمیت این قضیه تغییر می‌دهد.

رئیس دفتر آیت‌الله العظمی سیدعزالدین زنجانی افزود: ایشان به همراه شهید مطهری، آیت‌الله مکارم و مرحوم فلسفی از اولین دستگیرشدگان در زمان طاغوت در حمایت از حضرت امام (ره) است. مشخص است که این‌ها از پیشگامان نهضت و انقلاب اسلامی هستند. پدر ایشان هم از بزرگان انقلاب در دوره رضاخان بود. ایشان می‌فرماید که مرحوم والد در مجلس به رضا شاه رأی باطل داد؛ یعنی قبول نکرد که او فرد شایسته‌ای است و لیاقت حکومت را دارد و می‌گوید با این که پدرم آن شب در تهران پناهگاهی نداشت، تا صبح در خیابان‌های تهران قدم زد، ولی در دلش خوشحال بود که به رضاخان رأی «آری» نداد و هیچ وقت هم به او رضا شاه نگفت بلکه رضاخان می‌گفت و جد بزرگوار ایشان هم کسی است که حکم اعدام «محمدعلی باب» را داده است. پس مشخص است این سلسله، طائفه و خاندان نسل اندر نسل از مراجع آگاه به مسائل سیاسی بوده و سیاستمدار انقلابی هستند.

این شاگرد خارج فقه آیت‌الله زنجانی با اشاره به تعامل این مرجع شیعی با دیگر مراجع تقلید، گفت: حضرت آقا کمتر مسافرت می‌روند و این هم به خاطر کهولت سن و درد پاهایشان است. ولی مراجع که به مشهد تشریف می‌آورند، خدمت ایشان می‌رسند و ایشان هم به ما امر می‌کنند که خدمت آقایان برسیم؛ مثلاً آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی که خدا حفظشان کند و دفترشان هم موازی دفتر ما هست، هر وقت تشریف می‌آورند ما حسب وظیفه از طرف آیت‌الله زنجانی خدمت ایشان می‌رویم، مرتبه آخری که خدمت ایشان رفتیم، آیت‌الله مکارم فرمود: سلام مرا خدمت ایشان برسانید و بگویید من این بار که آمدم، خدمت ایشان می‌رسم تا تجدید خاطر از زندان شاه شود. این نشان می‌دهد که حضرت آقا با علما و مراجع مراوده دارند. ایشان بیشتر ارتباطشان با حضرات آیات شبیری زنجانی و مکارم شیرازی است.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا بعد از انتصاب ایشان به عنوان



علی شاکری:

آیت‌الله‌العظمی زنجانی عنایت خاصی به فقه سیاسی دارد

شیعی گفت: قال الصادق (ع): «الفقهها حصون الاسلام». تشکر می‌کنم از خبرگزاری ایکننا به سبب توجهی که به یکی از شخصیت‌های بزرگ علمی، فقهی و قرآنی این مملکت، بلکه جهان تشیع داشته است. شخصیتی که شاید پیش از این‌ها و بیش از این‌ها لازم باشد در مورد ایشان تحقیق و شناخت بیشتر و بهتری صورت گیرد. این عالم شیعی یکی از خادمان قرآن و اهل بیت (ع) و یا به تعبیر یکی از دوستان که می‌فرمود این‌ها فرماندهان سپاه امام زمان (عج) هستند.

شاکری در باب نحوه آشنایی خود با این مرجع شیعی اظهار کرد: بنده برای اولین بار در سنین جوانی، در سال ۱۳۶۱ توفیق زیارت ایشان را پیدا کردم و همراه مرحوم والد و جدم که از دوستان نزدیک ایشان

آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی در مباحث خارج فقه به فقه سیاسی توجه خاصی دارد، ایشان چند دوره کتاب الجهاد را تدریس کرد و می‌کند که قرابت عجیبی با آرای امام (ره) دارد، رساله عملیه آیت‌الله‌العظمی زنجانی در بخش مفصلی به بحث ولایت، امامت و حکومت می‌پردازد؛ یعنی اگر به بخش ولایت و امامت رساله ایشان رجوع شود، یک مقاله مستدل فقهی و جالب در مورد بحث ولایت و امامت است.

علی شاکری، از شاگردان خارج فقه و اصول آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی، درباره ابعاد مختلف علمی و شخصیتی این عالم



علی شاکری ضمن بیان این مطلب که برای مبارزات سیاسی آیت‌الله زنجانی بیشتر از موارد دیگر اهمیت قائل می‌شوم، تصریح کرد: به عقیده من يك عالم و فقیه باتقوا، نمی‌تواند از شرایط جامعه و شرایط اجتماعی زمان خود غافل باشد و اگر این چنین بود شاید عنوان تقوارا نتوان بر او نهاد. ما با رهنمودهای حکیمانه‌ای که امام راحل عظیم الشان - اعلی‌الله مقامه - داشتند به اینجا رسیدیم که اسلام ما مدیون توجه علما به شرایط اجتماعی و اوضاع و احوال مردم است. این‌که مردم در چه شرایطی به سر می‌برند و حکومت‌ها با مردم چه می‌کنند. شاگرد خارج اصول آیت‌الله زنجانی تأکید کرد: آن روایتی که در ابتدا خواندم؛ یعنی فقیه حصن و دژ مستحکمی است که دور تا دور شهر اسلام را گرفته و اسلام را از خطرات محافظت می‌کند، خطری که در جنبه اجتماعی ممکن است بر يك جامعه ایمانی وارد شود خیلی بیشتر از خطری است که بر افراد وارد می‌شود. طبعاً آن مخاطرات و انحرافات که حکومت (حکومت جور) ممکن است برای مسلمین

بودند، در مراسم روضه‌ای که در منزل آیت‌الله زنجانی صبح روزهای جمعه برگزار می‌شد و می‌شود حضور یافتیم. از آن زمان تا به حال توفیق تشرف به محضرشان را در مناسبت‌ها و روزهای جمعه داشتم و حدود ۱۰ الی ۱۲ سال است که دروس خارج فقه و اصول - در حال حاضر خارج فقه - و همچنین تفسیر را از ایشان فرا می‌گیرم تا در حد بضاعت و قلت بضاعت خودم از محضر این عالم، استفاده‌هایی را داشته باشم.

شاکری در مورد شخصیت آیت‌الله زنجانی گفت: مسلماً گفتار از ناحیه بزرگان دین در نفوس مستعد مؤمنین و متدینین تأثیر دارد، اما آنچه که به اصطلاح طلبگی «اوقع فی النفوس» است؛ یعنی اثر بیشتری دارد، رفتار، عملکرد، شیوه زندگانی و سیره عملی آن‌هاست. در آن شرایطی که نظام ستم‌شاهی در اوج حیات خودش به سر می‌برد و جامعه در نهایت ظلم و ستم و تاریکی و تیرگی بود، شخصیتی مثل حضرت آیت‌الله العظمی حسینی زنجانی خود را مسئول دانست و جزو مهم‌ترین علمای مجاهد و مبارز علیه رژیم ستم‌شاهی شد.



دلسوز به حال طلبه و دانشجو است و یکی از خصوصیات ایشان این است که – کمتر من از آقایان مراجع دیدم – چندان فرقی بین طلبه و دانشجو قائل نیست؛ یعنی اگر که با دانشجوی متدینی برخورد کند و یا با طلبه متدینی، این دو نزد ایشان به حسب تدین ممکن است متفاوت باشند نه به حسب دانشجو و طلبه بودن. این خیلی مهم است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، مسجد امام صادق (ع) در خیابان دانشگاه مشهد، محل تجمع دانشجویان متدین و اساتید دانشگاه و پزشکان و مهندسان بود و علت هم همین خصلت‌های یاد شده آیت‌الله زنجانی است. شاید در بعضی شهرها این مسئله وجود داشته باشد و مرسوم باشد که می‌گویند، مسجد خیاط‌ها یا بناها، ما هم به مزاح می‌گفتیم: مسجد اساتید دانشگاه.

این شاگرد خارج فقه آیت‌الله زنجانی گفت: دانشجویان و جوانان رزمنده اسلام در دهه ۶۰ چنان به ایشان علاقه و محبت داشتند و در نماز ایشان شرکت می‌کردند و با یک حال شوق و ذوق خارج می‌شدند که من می‌دیدم وقتی از نماز باز می‌گشتند، اشک می‌ریختند و می‌گفتند که

ایجاد کند، خیلی بیشتر از آن چیزی است که از ناحیه یک یاد و نافر اتفاق می‌افتد؛ لذا به نظر من تقوای عملی، در مبارزه با ظلم و جور است و آن علمایی که به این مهم توجه دارند؛ یعنی نسبت به وضع اجتماعی زمان خودشان بیدار و آگاهند و احساس مسئولیت می‌کنند، بسیار بسیار باید مورد توجه باشند و ملاک عمل قرار گیرند. آیت‌الله زنجانی خصائل و خصوصیات اخلاقی والا و کم‌نظیری دارد؛ یعنی از حیث تخلق و اخلاق اسلامی مثل ایشان را یا ندیدم و یا خیلی کم دیدم. بسیار متخلق و خوش محضر و دارای سعه صدر است و نسبت به مؤمنین همیشه با خفص جناح و با حال سعه صدر است. همین که آیه شریفه می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره فتح، آیه ۲۹) جهت «اشدء علی الکفار» را عرض کردم که در مقابل رژیم پهلوی مبارزات عجیبی داشت که چندین نوبت زندان رفت و ساواک ایشان را تحت حصر قرار داد و بعد هم تبعید ایشان به مشهد که این‌ها در شرح حال ایشان که اخیراً منتشر شده، آمده است.

وی اظهار کرد: اما در جنبه «رحماء بینهم»، شخصی رحیم، رئوف و

آیت‌الله زنجانی تا ۴ یا ۵ نسل قبل، امامت جمعه زنجان را عهده‌دار بودند، قطع نظر از اراده حکومت؛ یعنی به نحو تَعَبُی امام جمعه زنجان بودند.

علی شاکری به توضیح بیشتر این امر پرداخت و گفت: زمانی امام جمعه تعیینی است، اما زمانی تعینی است؛ یعنی خود مردم امام جمعه را انتخاب می‌کنند و امامت جمعه این خاندان هم به همین نحو بود و از این رو حکومت هم متعرض نمی‌شد و قبول داشت، ولی این‌ها کار به کار حکومت نداشتند و آنچه باید می‌گفتند را می‌گفتند و آنچه نباید را نمی‌گفتند. «فقیه سردانی» که جد اعلای این خاندان است، کسی بود که فتوای قتل بهائیان را در قریه نزدیک شاهرود قیامی کرده بودند؛ مانند طاهره قره‌العین و امثال آن - داد. او در حدی بود که در ایران وقتی فتوا می‌داد، همه فقها در مقابل فتوای ایشان مطیع بود و ایشان مطاع؛ بنابراین فتوا داد و قائله شاهرود خوابید و

آن‌ها به درک واصل شدند. بعد از ایشان

«سید ابوالفضائل مجتهد طارمی» و بعد هم نسل اندر نسل تا پدر حضرت آقا که آیت‌الله العظمی حاج میرزا «محمود حسینی» معروف به «امام جمعه زنجانی» است، سر کار آمدند. در گذشته خود آیت‌الله زنجانی را نیز آیت‌الله امام می‌نامیدند. به هر حال این‌ها اصلاً به حکومت کاری نداشتند، حتی در جریان

مجلس مؤسسان که می‌خواستند رضا خان را به عنوان سلطان معرفی کنند از کسانی که رأی مخالف داد و روی رأی خود پافشاری کرد، پدر آیت‌الله زنجانی بود.

شاکری افزود: چون آیت‌الله زنجانی از شاگردان خصیص امام (ره) هستند، امام (ره) بعد از انقلاب ایشان را به سمت امامت جمعه زنجان منصوب کردند و حدود ۲ سال در زنجان بود تا این‌که در همان زمانی که شهدای عالی‌قدر محراب؛ حضرات آیات مدنی، دستغیب، صدوقی و اشرفی - چهار پیرمرد پارسا- را با آن وضع به شهادت رساندند، از جمله کسانی که ترور شد، حضرت آقا بود، تروری نافر جام که الحمدلله به خیر گذشت و ایشان همچنان در بین ما هستند. بعد از جریان ترور به مشهد آمدند و مقیم مشهد شدند و بعد از انقلاب در تمامی انتخابات شرکت دارند و فتوا و دستور به و جواب می‌دهند که باید برای حفظ نظام در انتخابات شرکت کنید و خودشان هم شرکت می‌کنند. ضمن این‌که

توفیق شد به زیارت آقا علی بن موسی الرضا (ع) آمدم و بعد هم در نماز جماعت آیت‌الله زنجانی شرکت کردیم. این‌گونه معنویت در جماعت ایشان هست. از طرفی نوع برخورد و سلوک ایشان نسبت به جوانان خصوصیت مهمی است؛ یعنی جوانان را جذب می‌کند. علما باید ارتباط خود را با این بدنه مهم از اجتماع و بلکه بخش اعظم اجتماع روز به روز بیشتر کنند تا از مفاسد و انحرافات جلوگیری شود.

شاکری در پاسخ به این پرسش که آیت‌الله زنجانی تا چه اندازه به مسائل سیاسی در سطح بین‌المللی و داخلی توجه دارند؟ اظهار کرد: در سال ۵۰ یا ۵۱ بود که شاه مخلوع در آپک سخنرانی داشت و وقتی به ایران مراجعت کرد، آیت‌الله زنجانی سخنرانی شدیدالحنی علیه او کرد و از شاه نام برد در حالی که این امر مرسوم نبود و هر کس قصد حمله داشت به نخست وزیر حمله می‌کرد. «منوچهر آزمون»، رئیس اوقاف آن وقت در شهر زنجان بود و با هماهنگی ساواک

ایشان را به مشهد تبعید می‌کنند. آیت‌الله زنجانی هم از خدا خواسته آمدند به پاپوس آقا ابوالحسن

حضرت رضا (ع) و اینجا مقیم شدند. در جریان سال ۴۲ هم که قبل از این جریان بود، ایشان در قم بود و خرداد ۴۲ به زندان رفت و با استاد شهید آیت‌الله مطهری که هم مباحثه و هم حجره‌ای ایشان بود و مرحوم حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی خطیب توانا و استاد شهید هاشمی‌نژاد و

همچنین حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی هم سلول بودند و آنجا نماز جماعت به امامت آیت‌الله زنجانی با حضور آقلیان برگزار می‌شد و جمع خیلی خوبی بود.

این شاگرد خارج فقه آیت‌الله زنجانی گفت: مرادم این است که ایشان مدام در حصر و زندان بودند. بعد از پیروزی انقلاب و بعد از این‌که حضرت امام (ره) به وطن مراجعت فرمودند و انقلاب پیروز شد، ایشان را به سمت امامت جمعه زنجان منصوب کردند. خاندان حسینی زنجانی از زمان فتح‌علی شاه در شهر زنجان مرجعیت امور مردم را عهده‌دار و مرجع تقلید مردم بودند، از مراجع تقلید مسلم در سطح جهان تشیع و مقیم زنجان بودند. سمت امامت جمعه را هم اجداد ایشان در شهر زنجان دارا بودند. امامت جمعه در آن زمان هم منصوب از طرف حکومت بود. کسی که امام جمعه بود باید وجه شرعی حکومت زمان خود را تأمین می‌کرد، اما حضرات آیات عظام، اجداد



ایشان مدام در حصر و زندان بودند. بعد از پیروزی انقلاب و بعد از این‌که حضرت امام (ره) به وطن مراجعت فرمودند و انقلاب پیروز شد، ایشان را به سمت امامت جمعه زنجان منصوب کردند

اگر ولی فقیه حکمی یا سفارشی کرد، ایشان هم در حمایت و اقامه دلیل بر نظرولی فقیه بحث کرده و سخنرانی می‌کند و حضور دارد، ولی این‌که رغبتی داشته باشد به این‌که هرگاه دو نفر حرفی بینشان رد و بدل شد، ایشان بیانیه بدهد، هرگز این کار را نمی‌کند و مشی ایشان هم نبوده است. در زمان حضرت امام (ره) ایشان از شاگردان حضرت امام (ره) بود و در زمان مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی - هم ایشان حالت تبعیت و سکوت در مقابل نظرولی فقیه را همیشه دارا هستند، بدون این‌که کنایه‌ای به کسی داشته باشم و فقط در این جهت است که برسانم چقدر ایشان خود را مُنقاد اصل ولایت فقیه می‌داند؛ لذا همیشه به نحو حساب شده و منطقی حضور دارد.

علی شاکری در پاسخ به این

پرسش که مسلک

فقهی آیت‌الله

زنجانی چیست؟

اظهار کرد: بررسی

ابعاد فقهی

شخصیت

آیت‌الله زنجانی،

قطع نظر از سوابق

حوزه علمیه زنجان،

شاید جفا باشد. پدر ایشان از

هیچ وقت از کاندیدای خاصی حمایت رسمی نمی‌کنند، اما همیشه نسبت به نیروهای انقلاب عنایت و نسبت به انتخابات توجه ویژه دارند. در تمامی راهپیمایی‌ها؛ ۲۲ بهمن و روز قدس شرکت می‌کنند و یادم نمی‌آید که شرکت نکرده باشند، حتی اگر در حال ضعف و ناتوانی باشند، می‌گویند مرا ببرید.

عضودفتر آیت‌الله زنجانی تصریح کرد: البته بعضی از شئون سیاسی جزو خواص و وظایف ولی فقیه و اختیارات ایشان است. در جواهرالکلام، مرحوم صاحب جواهر مفصل در این رابطه بحث کرده است که مراجع و فقها آرایشان محترم است، اما آنجایی که بحث مصالح مسلمین و نظام اجتماعی اسلام مطرح است، حاکم شرع، که الآن تعبیر به ولی فقیه می‌شود، حکم نهایی را می‌دهد؛ لذا این امر از

شئون و مختصات ولی فقیه یا از خواص

ولایت فقیه است. طبعاً دخالت در

بعضی از امور بدون تأمین نظرولی

فقیه شاید جایز نباشد. اگر

ملاحظه می‌شود که آیت‌الله

زنجانی چندان رغبت به صدور

اعلامیه‌ها و بیانیه‌های پشت سر

هم نداشته و ندارد، عمده‌ترین

جهتش همین است که ایشان این راز

شئون ولی فقیه می‌داند، منتهی



مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده و به همت مرحوم امام (ره) بوده است، امام (ره) آقای بروجردی را به قم آورد و همه این را می‌گویند و کسی هم منکر این قضیه نیست، چه انقلابی چه ضد انقلابی.

شاکری اظهار کرد: وقتی آقای بروجردی وارد حوزه علمیه قم می‌شود، آقا سیدعزالدین زنجانی در درس ایشان هم شرکت می‌کند و یک دوره فقه؛ کتاب الصلاة و یک دوره اصول تا آخر استصحاب، تقریباً تمام اصول را خدمت ایشان بود، البته تقریرات درس مرحوم آیت‌الله بروجردی را در دو درس دارند که موجود است اما چاپ نشده‌اند. از مراجعه به این تقریرات و توجه به آن‌ها مشخص می‌شود که آیت‌الله زنجانی از آن زمان مجتهد شدند؛ یعنی سیاق عبارات و نوع نگارش نشان می‌دهد که ایشان در زمان حضور در درس آقای بروجردی ملکه قدسیه اجتهاد برایشان حاصل شد.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی با بیان این مطلب که

در عرض درس آقای بروجردی ایشان از اولین

شاگردان درس خارج فقه و اصول مرحوم

آیت‌الله العظمی سیداحمد خوانساری

بودند، گفت: مرحوم خوانساری اواخر در

تهران به عنوان مرجع مهم حوزه علمیه

تهران بود، اما در آن عصر در قم بود و اولین

حلقه درس خارجش با حضور آیت‌الله

زنجانی و چند نفر دیگر شروع می‌شود.

راجع به حضرت امام (ره) هم ظاهراً همین طور بوده؛ یعنی در اولین درس خارج امام (ره)؛ آیت‌الله زنجانی، آقای منتظری، استاد مطهری، آقا شیخ مرتضی حائری و آیت‌الله فرید حاضر بودند.

علی شاکری ضمن تأکید بر این مطلب که حضور آیت‌الله زنجانی در درس خارج امام (ره) در شرح حال ایشان مغفول مانده است، تصریح کرد: همه این تصور دارند که ایشان در درس اسفار و فلسفه امام (ره)

شرکت کرد، اما ایشان محضر امام (ره) را در فقه و اصول هم درک کردند. با وجود این که ایشان مجتهد مسلم شده بود، و به قول مرحوم علامه طباطبایی، رفتن ایشان از حوزه علمیه قم به نجف تحصیل حاصل بود، اما ایشان به نجف رفتند و مدتی در نجف از دروس آیات عظام مرحوم

سیدعبداله‌هادی شیرازی - بعد از مرحوم آقای بروجردی چند ماهی مرجع شیعیان بودند، شاهرودی، خویی و خصوصاً حکیم استفاده کردند. مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم خیلی به ایشان توجه داشت و ایشان هم با آقای حکیم خیلی مأنوس بود تا این که پدر آیت‌الله زنجانی

شاگردان مرحوم آیت‌الله العظمی آقا ضیاء عراقی - محقق بزرگ اصول -، مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمدحسین اصفهانی و مخصوصاً شاگرد ویژه مرحوم آیت‌الله العظمی محقق نائینی در نجف اشرف بود. مستحضر هستید که بعد از مرحوم آخوند خراسانی این سه بزرگوار احیا کننده علم اصول در حوزه‌های شیعه هستند که مرحوم آیت‌الله سیدمحمود زنجانی محضر هر سه بزرگوار را درک کرده بود و آیت‌الله سیدعزالدین هم از محضر پدر استفاده کرده است.

این شاگرد خارج فقه آیت‌الله زنجانی با اشاره به سیر پرورش این عالم شیعی در شهر زنجان، گفت: بعد از مراجعت به زنجان، ایشان پس از اتمام دوره تحصیلات کلاسیک و بعد هم مقدمات - مدرسین قابلی در حوزه علمیه زنجان بوده که بعضی از آقایان (مجتهدین) می‌گفتند

که اگر کسی در حوزه علمیه زنجان پرورش یافت دیگر

لزومی ندارد که به قم برود. البته الآن را عرض

نمی‌کنم بلکه در آن عصر به این حد بوده است -

پیش بزرگانی از اساتید حوزه علمیه زنجان

سطوح را طی و در درس خارج پدر شرکت

می‌کند.

شاکری با بیان این مسئله که در حقیقت

آیت‌الله عزالدین زنجانی، عصاره‌ای از

نظرات مرحوم نائینی، مرحوم شیخ

محمدحسین اصفهانی و مرحوم آقا ضیاء را

که در وجود حاج میرزا محمود زنجانی (پدرش) که از شاگردان مبرز این بزرگواران بود، دریافت کرد، افزود: ایشان بعد از چند سالی که در درس پدر شرکت می‌کند - از جمله هم‌مباحثان ایشان در این دوره

مرحوم استاد «رضا روزبه» است که همیشه آقا از ایشان ذکر خیر می‌کند، مرحوم روزبه نویسنده کتاب «عربی آسان» و استاد ادبیات عرب بود - به قم رفته و در درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله العظمی

سیدصدرالدین صدر پدر امام موسی و حاج آقا رضا صدر شرکت می‌کند. آیت‌الله زنجانی از درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت - فکر می‌کنم

قریب به ۱۳ سال - استفاده می‌کند و تقریرات دروس خارج فقه و خارج اصول آقای حجت الآن به قلم حاج آقا عزالدین موجود است که چاپ نشده‌اند. قبل از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به قم ایشان از فضیلتی قم بود. آقای بروجردی در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی وارد قم

می‌شود. در واقع مرحوم امام (ره) ایشان را به قم می‌آورد؛ یعنی اصلاً فلسفه حضور آقای بروجردی به قم برای احیای این حوزه علمیه بعد از



مرحوم خوانساری اواخر در تهران به عنوان مرجع مهم حوزه علمیه تهران بود، اما در آن عصر در قم بود و اولین حلقه درس خارجش با حضور آیت‌الله زنجانی و چند نفر دیگر شروع می‌شود

از دنیا می‌رود و ایشان به زنجان مراجعه می‌کند و مرجعیت امور دینی زنجان، اداره مدرسه علمیه «سید»، امامت مسجد جامع زنجان و اداره کتابخانه حسینی را عهده‌دار می‌شود. ایشان درس خود را شروع می‌کند که عبارتند از: فلسفه و بلکه نقد فلسفه، متون عرفانی مانند شرح مقدمه قیصری و مصباح الانس و نقد آن.

شاکری ضمن تأکید بر این مسئله که آیت‌الله زنجانی در جنبه فلسفی مقلد کسی نیست، تصریح کرد: بعضی‌ها زمانی که اسم ملاحظه می‌آید دست و پایشان می‌لرزد که هر چه او گفت، همان، اما این‌که نقض غرض می‌شود؛ یعنی کسی که فلسفه بخواند و بعد در فلسفه مقلد باشد. ایشان این‌گونه نیست و خودم شاهد بودم که می‌گفت که ایرادات مفصلی بر فصوص نوشتم تا خدمت یکی از بزرگان قم بدهم تا بگویم این‌ها ایرادات محیی‌الدین ابن عربی است. حال این‌که شخصیت ابن عربی به گونه‌ای است که آقایان نوعاً حرمت خاصی برایش قائلند و حاضر نیستند که نسبت به ایرادات او متعرض شوند.

این شاگرد خارج فقه آیت‌الله زنجانی با اشاره به این مطلب که ایشان علاوه بر تدریس فلسفه و عرفان، تدریس خارج فقه و خارج اصول را هم در زنجان آغاز کرد، افزود: متن درسی خارج فقه ایشان در زنجان، کتاب وسیلة النجاة مرجع علی الاطلاق جهان شیعه، مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی - اعلی‌الله مقامه - بود؛ لذا بر بیشتر ابواب کتاب وسیلة النجاة، تعلیقه هم دارند. مستحضر هستید که مرحوم امام (ره) رساله عملیه خود را بر مبنای وسیلة النجاة نوشتند که تحریر الوسیلة نام گرفت و آقا سید عزالدین هم همین مشی را ادامه داد؛ یعنی وسیلة النجاة را متن قرار داده و درس خارج می‌گفت.

وی با اشاره به حضور علمی آیت‌الله زنجانی در شهر مشهد مقدس، گفت: همانطور که عرض کردم از سال ۵۰ و ۵۱ به بعد ایشان کم‌کم به مشهد آمدند؛ یعنی تبعید شدند و بعد از مدتی مقیم مشهد شدند. در این هنگام مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی که زعیم حوزه علمیه مشهد بود در سال ۵۳ یا ۵۴ به رحمت خدا رفت و بزرگانی نظیر مرحوم آیت‌الله فلسفی و آیت‌الله زنجانی بعد از رحلت آقای میلانی در مشهد درخشش خاصی پیدا کردند. از طرف دیگر، فشار حاکمیت هم سبب شد تا ایشان در مشهد مقیم شود.

شاکری با اشاره به نشر رساله عملیه آیت‌الله زنجانی گفت: در مشهد تعلیقات ایشان بر عروة الوثقی، نوشته مرحوم سید محمد کاظم یزدی



بعد بحث ولایت را مطرح کنند؛ یعنی اگر به بخش ولایت و امامت رساله ایشان رجوع شود، يك مقاله مستدل فقهی و جالب در مورد بحث ولایت و امامت است؛ لذا ایشان به فقه سیاسی بسیار توجه دارند. در مورد مسلك و مذاق فقهی آیت الله زنجانی باید گفت که ایشان شاگرد والد خود بود و والدشان هم در مکتب اصولی نجف اشرف بود، منتهی آیت الله زنجانی بیشترین تأثیرات را از آیت الله بروجردی گرفت (مکتب قم) که تفاوت‌هایی در این میان است به حدی که بعضی از اکابر و ارکان حوزه‌های علمیه شیعه و فقه شیعه تعبیر «من كان اعلم في الاصول فهو اعلم في الفقه» را دارند. اینقدر برای اصول اهمیت قائل بودند، اما مرحوم آیت الله بروجردی این چنین نبود و می‌گفت که اصول هم یکی از مواد است، رجال هم بسیار لازم است و حتی به اقوال عامه و فقهای آن‌ها باید توجه شود.

این شاگرد آیت الله زنجانی افزود: تعبیر آیت الله بروجردی این بود که فقه شیعه تعلیقه‌ای بر فقه اهل سنت است، فقه اهل سنت را برگرفتند و براساس رهنمودهای حضرات اهل بیت (ع) تعلیقه زدند؛ لذا فقه شیعه را تعلیقه‌ای بر فقه اهل سنت می‌دانست و اقوال عامه در نظر ایشان مهم بود. آیت الله زنجانی هم متأثر از آیت الله بروجردی است. حتی در تعبیری که در مسئله معروفه رساله‌ها ذکر می‌شود که اعلم کیست؟ می‌گویند: «کسی است که در فهمیدن حکم خدا از کتاب و سنت، استادتر باشد» و تقریباً همه علما این‌گونه تعبیر می‌کنند و تعبیرشان قریب به همین معناست. آیت الله زنجانی می‌گوید که این مسئله نیاز به شرح بیشتری دارد و آن این‌که يك فقیه باید بتواند با تدبر فراوان در روایت به روح حاکم بر آن روایت دست پیدا کند؛ یعنی خیلی وقت‌ها روایت ظاهری دارد و بعد می‌بینیم که این ظاهر با غیر واحدی از روایات در تعارض است، پس باید به روح روایات رسید و این چنین از اعلم تعبیر می‌کند و آن کسی است که آنقدر با روایات اهل بیت (ع) محشور و مأنوس باشد که به روح این روایات رسیده باشد. این تعبیر خیلی جدید و دقیق است؛ لذا معتقد است که علاوه بر علم اصول توجه به علم رجال و تسلط بر روایات و حتی اقوال

آماده می‌شود که مقدمه‌ای برای چاپ رساله عملیه است. متن درس خارج فقه ایشان در مشهد، جواهر الکلام مرحوم شیخ محمدحسین نجفی است که واقعا در حوزه مشهد کم اتفاق می‌افتاد که کسی از روی جواهر بحث کند. جواهر کتابی است با عرض و طول عجیب و نکات و دقائق عجیب و خیلی عمیق فقهی که واقعا مرد میدان می‌خواهد تا وارد این عرصه شود. ایشان جواهر را متن درسی قرار داد، چه زمانی که در مدرسه «سلیمان خان» تدریس می‌کرد یا در مسجد «لقمان» و بعد هم در مسجد امام صادق (ع). اولین رساله عملیه ایشان در سال ۱۳۵۴ به فارسی منتشر می‌شود؛ یعنی از آن زمان مرجع است. ایشان ۳۴ سال سابقه مرجعیت دارد و در زنجان، شهرهای آذری‌نشین و مشهد مقلدانی دارد و مورد توجه هستند. از نکات مهمی که در درس آیت الله زنجانی می‌توان به آن توجه داشت، این‌که ایشان در حل و نقد و نقض مطالب با ادب خاصی وارد می‌شود؛ یعنی مطلب آن فقیه یا محقق اصولی را خیلی شیوا، کامل و شاید بیشتر از خود صاحب نظر شرح و بسط می‌دهد و بعد ایراد خود را وارد می‌کند و می‌گوید: «البتة من نمی‌دانم این تا چه حد درست است و شاید فهم من به این مطلب نمی‌رسد و الا ایشان درست فرمودند»، با احتیاط و تواضع عجیبی نسبت به بحث و نقد و ایراد نسبت به آرای اسلافشان نظر می‌دهد.

شاگردی با تأکید بر این مطلب که آیت الله زنجانی در مباحث خارج فقه به فقه سیاسی توجه خاصی دارد، اظهار کرد: ایشان چند دوره کتاب الجهاد را تدریس کرد و از حسن اتفاق الآن هم کتاب الجهاد را تدریس و آرا و نظراتش را مفصل مطرح می‌کند که قرابت عجیبی با آرای امام (ره) دارد، منتهی با بیان خودشان با تغییراتی در تعبیر؛ یعنی تعبیر ممکن است متفاوت باشد، ولی با تأمل در نظرات ایشان می‌توان گفت نظر ایشان نزدیک به آرای امام (ره) است.

وی با تأکید بر این مطلب که در رساله عملیه آیت الله زنجانی بخش مفصلی به بحث ولایت، امامت و حکومت اختصاص یافته است، تصریح کرد: در هیچ رساله عملیه دیگری بحث امامت را به این شکل ندیدم که مسئله بگویند و

عامه در اجتهاد فقها مؤثر است.

علی شاکری گفت: آیت‌الله زنجانی حدود ۸ سالی است که رساله عملیه خود را به شکل جدید چاپ کرده و مثل سایر مراجع دفتری هم دارند. ایشان در ایام حج بعثه دارد و امور را به لطف خدا عهده‌دار هستند و امیدواریم بعد از این از وجود پرفیضان هم ما و هم همه علاقه‌مندان و طالبان و جامعه شیعی، استفاده کنند.

این شاگرد درس خارج فقه آیت‌الله زنجانی در مورد ورود این مرجع شیعی به مسائل مستحدثه، اظهار کرد: ورود به مسائل مستحدثه علاوه بر احاطه بر احکام، مستلزم احاطه بر موضوعات است؛ یعنی کسی می‌تواند در مسائل مستحدثه دستی داشته باشد که به موضوعات روز اجتماع احاطه داشته باشد. همیشه گفته شده که کار فقیه موضوع‌شناسی نیست، بلکه تشخیص حکم است و موضوع با خود مکلف است، اما در مسائل مستحدثه نمی‌توان این حرف را گفت؛ یعنی کسی می‌تواند در زمینه فقه‌المستحدثات نظر داشته باشد که به موضوعات روز و جدید حتی در جامعه بین‌المللی و مسائل پزشکی و تکنولوژی و ... اشراف و آگاهی داشته باشد. بحمدالله آیت‌الله زنجانی مطالعات وسیعی نسبت به تازه‌های علوم در عرصه بین‌المللی دارند و لذا در فتاوی خود نوعاً نوآوری‌هایی دارند، به حدی که ایشان در زمینه شبیه‌سازی انسان حکم به تجویز کردند و از معدود علمایی بودند که این حکم را دادند. به هر روی ورود ایشان به مسائل مستحدثه قابل توجه است.

شاکری در پاسخ به این سؤال که علت در حاشیه بود آیت‌الله زنجانی چیست؟، گفت: من صد در صد با گفته شما موافق هستم و دقیقاً همین‌گونه است، ایشان نسبت به علمای قم در حاشیه محسوب می‌شوند و جهتش هم خود حوزه‌های علمیه قم و مشهد است. از قدیم معروف بود که حوزه علمیه



کدامیک این‌گونه‌اند. پس این نقصی است که من در خودم باید جست‌وجو کنم که چرا نتوانستم آنطور که باید و شاید از امثال شخصیت آیت‌الله زنجانی تجلیلی کنم و یا تعریفی داشته باشم؟! وی در مورد علت احیا نشدن آثار آیت‌الله زنجانی اظهار کرد: ایشان از قدیم مشی‌شان بر این نبوده و حالا چه مصلحتی را می‌دیدند، نمی‌دانم و الآن هم کبر سن و اشتغالات مرجعیت مانع از آن است که بخواهد برای بازبینی و چاپ آثار همت کند، اما

من همین جا از محضر فضلا و علمای بزرگوار حوزه در مشهد و قم می‌خواهم که یک دور این تقریرات را ببینند؛ تقریرات ایشان از درس خارج فقه و اصول آیت‌الله حجت، تقریرات درس آیت‌الله بروجردی در اصول و فقه، که چه مجموعه کم نظیری است. خیلی‌ها این مسائل را نوشته‌اند، اما این مجموعه‌ها را هم ببینند، که آیا نمی‌ارزد برای بازبینی و احیای این آثار

وقت بگذارند؟ ما در وجود خودمان نمی‌بینیم که چنین کاری را انجام دهیم، اما دست یاری دراز می‌کنیم به سمت حضرات علما و این جهت، سبب شناخته شدن آیت‌الله زنجانی می‌شود و هم این‌که حوزه استفاده می‌کند. ان‌شاءالله هرچه صلاح است برای حوزه‌های علمیه پیش آید و بتوانند شاگردان و سربازان و وظیفه‌شناس و موفقی برای وجود مقدس امام زمان (عج) باشند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: از خبرگزاری ایکننا خیلی متشکرم. خداوند توفیق بزرگی به شما داده تا در جهت خدمت به قرآن و خادمان قرآن و شناسایی شخصیت خادمان بزرگ قرآن و دین از جمله آیت‌الله العظمی حسینی زنجانی قدم بردارید، این کار مجاهدت است، خصوصا

در قبال شخصیت‌های گمنام‌تر، توفیقی است که به هر کسی عنایت نمی‌شود.

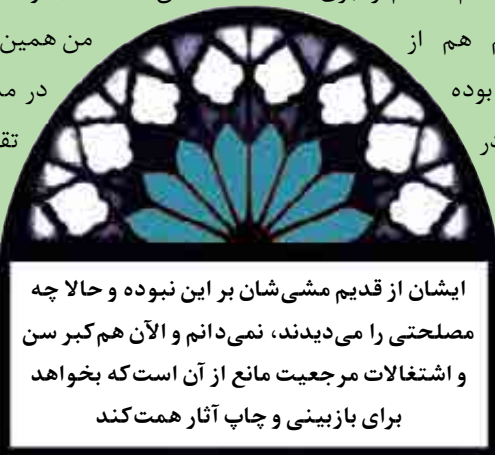
مشهد مرجع پرور نیست. حالا چه سری دارد؟ به عوامل اجتماعی و مسائل روان‌شناسی اجتماعی طلاب و فضلا - بحث مفصلی است - باز می‌گردد. این مسئله ریشه‌های اجتماعی در حوزه مشهد و طلاب آن دارد و مختص آیت‌الله زنجانی نیست، بلکه از شرایطی است که بر کل حوزه علمیه مشهد حاکم است. یکی دیگر از بزرگانی که در این شهر بودند، مرحوم آیت‌الله مروارید بود. ایشان استادی دارند به نام آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی که استاد مقام معظم رهبری

(مدظله‌العالی) هم بود. شیخ هاشم هم از اعجوبه‌های علمی و فقهی حوزه‌های شیعه بوده است، نابغه بود و مسلک و مرام خاصی در شیوه‌های درسی خود داشت و شاگردان بزرگی را هم تربیت کرد. مرحوم آیت‌الله مروارید در سنین جوانی و در اوایل مدرسی آیت‌الله قزوینی در حوزه، محضر ایشان را درک کرد. مرحوم شیخ هاشم در اواخر عمر بعد از این‌که سال‌ها آقای

مروارید از محضرشان بهره بردند، می‌گوید: «آقای مروارید شما برای مرجع شدن هیچ چیز از مراجع حال حاضر کم ندارید و تنها مشکل شما این است که در مشهد هستید»، مشهد مرجع پرور نیست، ولی نجف یا قم این‌گونه است. البته این قابل جبران است و غیر از این‌که باید به صورت زیربنایی ساختار حوزه مشهد

اصلاح و احیا شود، در مورد یک یک اشخاص و شخصیت‌ها هم می‌توانیم با برنامه‌هایی این‌گونه و تلاش در شناساندن و معرفی شخصیت آن‌ها به کل حوزه‌های شیعه نقش مهمی داشته باشیم و این وظیفه ماست که این قضیه را دنبال کنیم تا از آن حاشیه بودن خارج شوند. آیت‌الله زنجانی در هر انتخاباتی شرکت می‌کند، اما یک نوبت دیده نشد که در اخبار و صدا

و سیما از ایشان گزارشی تهیه شود و حال آن‌که سی و چهار سال مرجع است و جز مرحوم آیت‌الله بهجت و آیت‌الله وحید خراسانی



ایشان از قدیم مشی‌شان بر این نبوده و حالا چه مصلحتی را می‌دیدند، نمی‌دانم و الآن هم کبر سن و اشتغالات مرجعیت مانع از آن است که بخواهد برای بازبینی و چاپ آثار همت کند



آیت‌الله زنجانی حدود ۸ سالی است که رساله عملیه خود را به شکل جدید چاپ کرده و مثل سایر مراجع دفتری هم دارند

بررسی ویژگی‌های فلسفی آیت‌الله‌العظمی زنجانی در گفت‌وگو با حسن جمشیدی و محمدجواد فضائلی

راجل (ره) بود که خواندن فلسفه را در کنار فقه جایز می‌دانستند. در آن زمان ایشان در منزل خود سوره حجرات را تفسیر می‌کردند. ما فلسفه را با *بداية الحکمة، نهاية الحکمة، منظومه و بخش‌هایی از اسفار در محضرشان* خواندیم. خود این مسئله زمینه‌ای بر آشنایی من با آیت‌الله زنجانی از سال ۶۰ شد که پس از آن در حوزه‌های فقه، فلسفه، تفسیر، بحث‌های رجالی و عرفانی از ایشان بهره بردم.

این پژوهشگر شیعی در حوزه فلسفه در پاسخ به این سؤال که آیا آیت‌الله حسینی زنجانی در درس فلسفه تنها به ارائه نظرات علامه طباطبائی می‌پرداختند یا نظرات دیگر صاحب‌نظران، به ویژه نظرات خاص خود را هم

«حسن جمشیدی» و *حجت‌الاسلام و المسلمین «محمدجواد فضائلی»*، از شاگردان درس فلسفه آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد عزالدین حسینی زنجانی هستند که در نشست بررسی ویژگی‌های فلسفی استاد خود، به ابعاد مختلف شخصیت حکمی ایشان پرداختند.

حسن جمشیدی در ابتدای این نشست در بیان نحوه آشنایی خود با آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی گفت: من و یکی از دوستان بعد از پیروزی انقلاب عزم جدی بر رفتن به قم و خواندن فلسفه داشتیم و خواندن فلسفه را در آن زمان یک نیاز می‌دانستیم. با توجه به این‌که مطالعات فلسفی اجمالی نیز داشتیم و علاوه بر خواندن منظومه، با کتاب‌های شهید مطهری و دیگران آشنا شده بودیم، به دنبال استادی بودیم که به طور جدی و عمیق نزد وی فلسفه بخوانیم.

وی پس از نام بردن از اساتیدی که در مشهد در محضرشان مدتی درس خوانده بودند، تصریح کرد: این مسئله ادامه داشت تا این‌که به خدمت آیت‌الله زنجانی رسیدیم و شرایط و قصد خود را نسبت به سفر به قم و یادگیری فلسفه عرض کردیم.

ایشان نیز با قبول کردن یک پیش‌شرط که در کنار فلسفه، فقه را نیز بخوانیم، پذیرفتند. قرار شد که ایشان فلسفه بگویند و ما در کنار آن فقه را نیز بخوانیم. تأکید ایشان بر لزوم خواندن فقه بر مبنای فرمایش امام



زمینه فهم این مقوله‌هاست؛ مثلاً در بحث وجود ذهنی ابتدا به این مسئله فکر می‌کنیم که علامه طباطبائی در مورد وجود ذهنی چه نظری دارند. همین‌طور در بحث قضایا، یا به زبان امروزی گزاره‌ها، چند تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی وجود دارد؛ شهید مطهری تفسیری دارد، برخی تفسیر دیگری ارائه می‌دهند و این در حالی است که مرحوم علامه نظر خود را به راحتی در *بداية الحکمة* گفته‌اند؛ یعنی *بداية الحکمة ونهاية الحکمة* که خود متن درسی است، دچار چند برداشتی می‌شود.

جمشیدی ویژگی آیت‌الله حسینی زنجانی را فهم عمیق مسائل فلسفی ذکر کرد و گفت: ایشان مطالب فلسفه را به خوبی می‌فهمد و به تعبیر دیگر می‌توان گفت مسائل را چشیده و لمس کرده است. مسئله‌ای که برای شاگردان اهمیت زیادی دارد احاطه استاد بر مطالب درسی است؛ این‌که استاد صرفاً محفوظات خود را ارائه می‌دهد یا درک واقعی از آنان دارد. به عنوان نمونه، در بحث وجود صرف که وجود، عاری از همه تعلقات مطرح می‌شود، ایشان نظر خاص خود را ارائه کردند و در آنجا بر من واضح شد که آیت‌الله زنجانی

مطرح می‌کردند؟، گفت: قبل از این مسئله باید بگویم که فلسفه اسلامی با فلسفه غرب تمایز دارد و مبانی فلسفی غرب فرق می‌کند و مثلاً مرحوم سید جلال‌الدین آشتیانی فلسفه غرب را اصلاً فلسفه نمی‌دانست. در فلسفه اسلامی اصل فهم خود مسئله است و تلاش ما بیشتر در حوزه فهم است، اما در فلسفه غرب بسیاری از این مسائل تجزیه و تحلیل می‌شود و بارویکرد فلسفه تحلیلی این مسائل را آماده، به خوانندگان ارائه می‌دهند. مثلاً ما در فلسفه اسلامی بحث از عرض و وجود و ماهیت داریم که باید فهم و تصویری درست از آنان داشته باشیم تا در دفاع یا رد اصالت وجود و اصالت ماهیت بتوانیم جانب صحیح را پیدا کنیم. ما گاهی اوقات استدلال قوی و محکمی داریم، اما از مدعای خود تصویر روشنی در ذهن نداریم و معنا و مفهوم آن را به خوبی نمی‌فهمیم. این دلیل بر آن است که اولین گام در فلسفه اسلامی فهم مسئله است. در فهم مسئله نیز اولین قدم به سراغ متن رفتن است که خود این متون هر یک پیچیده‌تر از دیگری است.

این شاگرد فلسفه آیت‌الله زنجانی پیچیدگی متون فلسفه را ناشی از دو مسئله دانست و در بیان آن‌ها گفت: یکی از این مسائل دشواری فهم مقوله‌ها و مطالب فلسفی و دیگری نحوه نگارش کتب فلسفی است که



مبدأ و معاد تفاوت چندانی نیست و همانطور که آیات مبدأ را تأویل می‌کنیم، آیات معاد نیز قابل تأویل هستند و این را در رساله‌ای بر قابل دفاع نبودن معاد جسمانی به طور مستدل نشان داده‌ام. آیات مبدأ چون قابل لمس هستند در برخی موارد چاره‌ای جر تأویل ندارند، ولی مسائل معاد بعد از لمس کردن قابل تأویل هستند و آیت‌الله حسینی زنجانی با تکیه بر همین نکته بر عدم تأویل آیات معاد تأکید می‌کنند.

در ادامه مجدداً جمشیدی با بیان علاقه خود به حکمت متعالیه افزود: من با وجود علاقه‌ای که به حکمت متعالی ملاصدرا دارم، متدولوژی و روش فلسفه ملاصدرا را قبول ندارم. به نظر من روش او روش ذوقی بود، حال آن‌که فلسفه مبنایش بر استدلال است و به اصطلاح «ابناء الدلیل» است. من هر چند روش خود را از آیت‌الله زنجانی گرفته‌ام اما در بحث معاد با توجه به اصرار ایشان نسبت به نص، با ایشان مخالفت داشتم و این روش را همان

مشیی می‌دانستم که ابوعلی سیناطی کرده بود و بیان ایشان در مسئله عالم مثال ملاصدرا را نیز، پاسخگوی بحث‌های ایشان نمی‌دانستم. من رساله‌هایی در این زمینه و در زمینه معاد که آیا معاد در بیان قرآن جسمانی است یا نه؟ نوشتم، البته با آیت‌الله زنجانی نیز توافق‌هایی هم داشته‌ام که قرآن تنها بر وجود معاد تأکید دارد، معادی که بر ما تأثیر بگذارد و در نتیجه ما گناه نکنیم، لیکن ما درگیر این می‌شویم که آیا جسم ما می‌سوزد یا روح؟ به نظر من سوختن روح به مراتب سخت‌تر از سوختن جسم است. من از معاد روحانی دفاع نمی‌کنم، اگرچه برخی از معاصران نظر امام خمینی (ره) و ملاصدرا را معاد روحانی می‌دانند، ولی من فکر می‌کنم اینان متوجه بیان امام (ره) نشدند. در رساله‌ام توضیح داده‌ام که نظر امام (ره) معاد جسمانی نیست، بلکه به معاد جسمانی نزدیک‌تر است. من این مسائل را به شکل مفصل با آیت‌الله زنجانی بحث کرده‌ام.

حجت‌الاسلام فضایی با اشاره به روش آیت‌الله‌العظمی زنجانی در پرورش آزاداندیشی شاگردان، اظهار کرد: ایشان همیشه به شاگردان



بسیاری از مطالب را به طور عمیق فهمیده‌اند و برخلاف دیگران که صرفاً برهان و دلیل ارائه می‌کنند، تصویر ذهنی ایشان از مسائل نیز کاملاً شفاف و واضح است. ایشان در مبحث وجود صرف، تصویر جدید و روشنی ارائه کردند و در بحث معاد که از بحث‌های اختلافی ما با ایشان بود نیز بر ظهور آیات تأکید داشتند و به آیات تمسک می‌کردند.

در ادامه این نشست، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد فضایی نیز در تأیید سخنان جمشیدی گفت: آیت‌الله‌العظمی زنجانی خیلی تأکید می‌کنند که علامه طباطبائی نیز بر بخش معاد اسفار، حاشیه زده است؛ زیرا به آیات پای بند بود و بر ظهور آیات در این زمینه اصرار داشت. با نگاهی به قسمت معاد در حاشیه اسفار به نظر می‌رسد که علامه این قسمت را به طور کامل تعطیل کرده‌اند.

وی با بیان این مطلب که آیت‌الله حسینی زنجانی تأکید شدیدی بر نص دارند، تصریح کرد: در موارد زیادی بحث‌ها و کشمکش‌های ما با ایشان ادامه داشت و حتی یک مرتبه به طور اختصاصی با ایشان بحث معاد منظومه را تجزیه و تحلیل کردم. نظر من بر این بود که بین آیات

بین حوزه‌های درسی اشاره کرد و گفت: اگر ایشان در درس فلسفه حضور داشت، کاملاً مستدل می‌آمد و بعد از این که درس تمام می‌شد با توجه به همزمانی آن با غروب آفتاب، شروع به خواندن دعای غروب آفتاب و ذکر گفتن می‌کرد و فضا را داخل در نیایش و مناجات می‌کرد و یا گاهی وارد در بخش روایات می‌شد. همیشه مرزها را نگه می‌دارد؛ یعنی این طور نیست که در فلسفه، فقه بگوید یا در اصول، عرفان را وارد کند. وی در مورد مشرب فلسفی آیت‌الله زنجانی گفت: ایشان کاملاً پای بند به فلسفه ملاصدراست، هر چند ممکن است در مباحثی از جمله معاد و عالم مثال با ملاصدرا اختلاف داشته باشد، ولی این موارد اندک است و ایشان همیشه از ملاصدرا تجلیل می‌کند. همچنین از شخصیت‌های دیگری که ایشان تجلیل می‌کند و ممکن است برای برخی عجیب بیاید، تجلیل از شخصیت فلسفی غزالی است که وی را یک فیلسوف می‌داند.

وی در ادامه سخنانش فضای غالب مشهد را در نوع رویکرد ایشان به فلسفه بی‌تأثیر ندانست و خاطر نشان کرد: در آن زمان طبیعی بود که آیت‌الله العظمی زنجانی که در قم و زنجان بود، با آیت‌الله العظمی زنجانی که در مشهد است، متفاوت باشد؛ زیرا ایشان تعاملاتی با مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی داشتند که او نیز به شدت به آیت‌الله زنجانی احترام می‌گذاشت، از طرف دیگر روابط بسیار دوستانه و نزدیکی با شهید مطهری داشت. این مسئله ایشان را دچار مشکل می‌کرد و چندین نوبت از امام (ره) سؤال کردند که ما فلسفه بخوانیم یا نه؟ یعنی جو غالب بر ایشان این فشار را می‌آورد.

این شاگرد فلسفه آیت‌الله زنجانی افزود: مرحوم استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به تعبیری دست از دل و جان شسته و در میان معرکه رفته بود، ولی آیت‌الله زنجانی با تأکید امام (ره) مبنی بر توأم بودن فضای فلسفه با فقه، این مسئله را رعایت می‌کرد. در خاطر من هست که ایشان می‌خواست که من از امام (ره) استفتاء کنم که آیا درس فلسفه را داشته باشیم یا نه؟ من به جریان شهادت شهید مطهری اشاره کردم که امام (ره) شعری را خواندند: آنکه مردن پیش چشمش تهلکه‌ست امر لا تلقوا بگیرد او به دست» و گفتم این مسئله می‌تواند تا حدودی نظر امام (ره) را بیان کند و ایشان پذیرفت.

جمشیدی یادآور شد: با توجه به این که آیت‌الله زنجانی گرایش عرفانی دارد، بیشتر به فلسفه ملاصدرا سوق پیدا می‌کند، البته ایشان

خود گوشزد می‌کند که در بحث‌های علمی با کسی تعارف نداشته باشند و بارها گفتند: کتابی که یک مجتهد می‌نویسد با کتابی که دیگری می‌نویسد تفاوت زیاد دارد؛ مجتهد بر اساس آزاداندیشی می‌نویسد. ایشان به شاگردان یاد داده است تا می‌توانند اعتراض کنند. به تحقیق اوج آزاداندیشی را در بیانات ایشان دیده‌ام.

حسن جمشیدی نیز درباره متدولوژی و روش درس استاد تصریح کرد: درس تفسیر را در سوره‌های متعددی از جمله سوره حمد، بقره، آل عمران، ممتحنه و بخش‌هایی از حدید در محضر ایشان بودم، مبنای کار ایشان چنین است که نظرات علامه طباطبائی را مطرح و سپس شروع به رد و نقد می‌کنند. من روزی به مزاح به ایشان گفتم: من هم روزی در جایگاه شما خواهم نشست و کاری را که با نظرات استادان می‌کنید، با نظرات شما خواهم کرد. این مسئله نشان دهنده فضای آزاداندیشی است که ایشان در کلاس ایجاد می‌کنند. مثلاً در بحث فقه، ایشان روایتی را مطرح کرد و من در جلسه دیگری به همان روایت استناد کردم، اما ایشان پرسید: آیا آن روایت را خود

دیده‌ای؟ گفتم به بیان شما تکیه کرده‌ام، سپس تأکید کرد که هیچ وقت به نظرشان تکیه نکنم و حتماً روایت را خود جست‌وجو کنم. بعد از این بارها پیش می‌آمد که من به روایتی که بیان می‌کردند، ایراد می‌گرفتم و صحت و ضعف سندی را تذکر می‌دادم. ایشان نیز با روحیه باز قبول می‌کرد و اصلاً بر سر ذوق طلبه‌ها نمی‌زند و از این منش با آغوش باز حمایت می‌کند.

وی اظهار کرد: یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان که شاید تنها علامه طباطبائی را بتوان نزدیک به آن دانست، توانایی در جدا کردن حیث‌هاست. بدین معنا که حیث فلسفی‌شان را از حیث فقه‌ها جدا می‌کنند. من چون با برخی از اساتید درس داشتم، می‌دیدم که گاهی آنان در حین بحث فقهی مباحث فلسفی را که رابطه‌ای با موضوع درس ندارد، دخیل می‌کنند. مرحوم استاد سید جلال‌الدین آشتیانی نیز با این مشرب به شدت مخالف بود که مباحث فلسفه را در فقه یا اصول مطرح کنیم؛ مثلاً ما وقتی در فلسفه از عقل صحبت می‌کنیم، عقل را به معنای برهانی آن می‌گیریم، اما در فقه هنگامی که از عقل صحبت می‌کنیم، عقل را بنای عقلا می‌دانیم. حال برخی در فقه به طور مفصل از برهان صحبت می‌کنند، در نتیجه این عقل همان قیاس می‌شود که در مذهب شیعه هیچ مبنایی ندارد.

جمشیدی در ادامه به دیگر ویژگی آیت‌الله زنجانی در مرزگذاری



یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان که شاید تنها علامه طباطبائی را بتوان نزدیک به آن دانست، توانایی در جدا کردن حیث‌هاست

مطابق است یا نه؟، بسیار ارزشمند است. همانطور که آقای جمشیدی گفت، اگر در یک مبحث فلسفی شما چیزی را نفهمید، ممکن است بتوانید در مورد آن یک سخنرانی علمی ارائه دهید، اما در هنگام نقد و پرسش ناتوان خواهید شد. به باور من برخی از مسائل فقهی را ایشان عمیقاً لمس کرده‌اند. در بحث‌ها آنچه را که ما بیش از همه، یاد گرفته بودیم و مدیون ایشان هستیم، این است که چگونه پای یک کتاب بنشینیم و آن را مطالعه و در مطالب آن دقت کنیم و این که تا مسئله‌ای را نفهمیدیم از پای آن نگذریم. به اعتقاد ایشان هیچ حرفی نیست که جای صحبت کردن نداشته باشد.

وی با اشاره به رابطه نزدیک و صمیمی آیت‌الله زنجانی با شاگردان خود، تصریح کرد: رابطه ایشان با شاگردان‌شان در اوج رفاقت است و گاهی اوقات می‌شد که در شان از صبح تا ظهر طول می‌کشید و بعد همه شاگردان بر سفره ایشان می‌نشستند. رابطه ایشان نیز با اساتیدشان نیز به همین شکل نزدیک و صمیمی بود، مثلاً هنگامی که ایشان مریض شدند، امام (ره) به ایشان سر می‌زدند و رختخواب خودشان را برای ایشان می‌آوردند. مادر جامعه با طبقات مختلف اجتماعی از جمله طبقه متوسط و اشرافی مواجه هستیم. اگر رفتار آیت‌الله زنجانی را بسنجیم، بیشتر به طبقه اشرافی نزدیک هستند، اما همواره خاکی زندگی می‌کنند. این با این امر که کسی از طبقه پایین باشد و خود را خاکی بنمایاند فرق می‌کند و بالعکس با این که کسی از طبقه پایین نیز باشد و خود را اشرافی معرفی کند متفاوت است. ایشان به معنای واقعی خاکی هستند. من هم اکنون در حوزه تدریس می‌کنم، اقرار می‌کنم که آنچه که من به شاگردانم می‌گویم همان مطالبی است که از اساتید خود و از جمله آیت‌الله العظمی زنجانی یاد گرفته‌ام و هرچه دارم از اساتید است.

این مدرس حوزه با اشاره به حیثه‌بندی مجزای آیت‌الله زنجانی در حوزه‌های مختلف علمی گفت: ایشان در مباحث علمی چارچوب مجزایی دارند، در اسفار روش خاصی دارند و در شواهد الربوبیه نیز روش دیگری برمی‌گزینند. شما در درس‌های مختلف ایشان یک شخصیت نمی‌بینید و با شخصیت‌های علمی متفاوتی مواجه می‌شوید.

فضائلی علت گرایش مردم و جوانان به آیت‌الله زنجانی را علاوه بر مقام علمی ایشان، تواضع و ادب عنوان کرد و افزود: ایشان در برخوردهای اجتماعی در نهایت ادب هستند و به همین خاطر در مشهد با وجود مجتهدان فراوان، مسجد امام صادق (ع) بود که مراجعان فراوانی داشت و مأمّن دانشجویان بود. این مسئله به روحیه متواضعانه ایشان بازمی‌گردد. ایشان دانشجویان را همچون فرزندان خود می‌داند و آنان نیز همین احساس را به ایشان دارند. این چیزی بود که ما در چند سال آشنایی با ایشان درک کردیم.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی در مورد همراهی ایشان با مسائل روز در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، با اشاره به واقعه ۱۵ خرداد و تبعید امام

تمایلی به فلسفه اشراق ندارد، ولی با توجه به گرایش عرفانی بیشتر به ملاصدرا نزدیک است.

جمشیدی در پاسخ به سؤالی مبنی بر نحوه یاد کردن آیت‌الله زنجانی از حضرت امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی گفت: به طور کلی یکی از ویژگی‌های آیت‌الله زنجانی احترام به علماست. با وجود تلاش زیاد ایشان در نقد نظرات بزرگان و انتقال این روحیه نقادی به شاگردان، هرگز به هیچ کس اهانت نمی‌کند. ایشان از همه دانشمندان تجلیل می‌کند و به یادندارم که ایشان از کسی به بدی یاد کرده باشد. خصوصاً در مورد اندیشمندان با توجه به ناسازگاری مبانی، از همه تجلیل می‌کند. به عنوان نمونه در مسلک اخباری‌ها که دشواری‌هایی برای ما ایجاد کردند، اهانت را روا نمی‌داند.

وی افزود: ایشان فلسفه را از دو مشرب ارزشمند؛ امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی دریافت کرده است و شوق و شغف نسبت به این بزرگوار از ایشان می‌بارد. در مورد دیگران باید جست‌وجوی کردیم که فلسفه را از چه کسی فرا گرفته‌اند، اما دو استاد ایشان برای همگان آشنا هستند. حضرت امام (ره) اگرچه رهبریت جامعه اسلامی را به عهده داشتند و شخصیت علمی ایشان در حوزه‌های فقه، اصول و عرفان نیز مطرح بود، لیکن هیچ کس لحظه‌ای در جایگاه فلسفی امام (ره) تردیدی ندارد و نظریات و استدلالات جدید فلسفی امام (ره) منحصر به فرد و متمایز از دیگران است. شخصیت علامه طباطبائی نیز کاملاً برای همگان بارز و مشخص است.

در ادامه، حجت‌الاسلام فضائلی نیز با اشاره به برخی از اساتید خود در حوزه، بر لزوم تجلیل و تکریم علمای دینی و مخصوصاً آیت‌الله زنجانی تأکید کرد و گفت: آیت‌الله زنجانی هنگامی که وارد یک مبحث فقهی می‌شود به تعبیر عمومی «مته بر روی خشخاش می‌گذارد»؛ یعنی نظری نبود که ایشان بدان نظر برسند و نقدش نکنند. در درس ایشان یاد می‌گرفتیم نباید تسلیم نظرات بزرگان شویم و عظمت و ابهت گذشتگان بر انسان تأثیر نداشته باشد. ایشان نظرات را به راحتی نقد می‌کند و «ان قلت»هایی را که انجام می‌دهد، کاملاً صحیح و وارد است، لیکن در پایان مسئله را با هنر خاصی به نتیجه‌گیری مطلوب می‌رساند.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم ایشان را عدم تکیه بر فهم خودشان در تبیین مطالب دانست و اظهار کرد: ایشان همواره فهم خود را مقابله می‌کند، به عنوان نمونه در کتاب جهاد، در مسئله‌ای حدود نیم ساعت با یکی از متبحران کتاب جواهر الکلام که بعداً معلوم شد آیت‌الله سعیدی بود، فهم خود را مقابله کرد تا از صحت آن اطمینان پیدا کند. این مسئله سعه صدر بزرگی می‌خواهد که انسانی که مجتهد است و در کسوت مرجعیت، در نکته‌ای علمی، فهم خود را با دیگری تطبیق دهد که آیا صحیح است یا خیر؟ این آزاداندیشی علمی چیزی است که ما در محیط‌های حوزه و دانشگاه نمونه‌های کمی داریم و بدان نیازمندیم. این خضوع علمی در این که فهمی که من از مطلبی دارم آیا با فهم دیگران

باید «اهانت به مرجعیت» ذکر شود، این دو معنا دارد؛ یکی درک ایشان نسبت به موقعیت‌های اجتماعی و دیگری دقت ایشان به مسائل جزئی از جمله ادبیات است که بین مرجعیت و روحانیت تمایز قائل شد. با وجود این‌که از مهاجرت ایشان به مشهد، بیش از سی سال می‌گذرد، پایگاه مردمی ایشان نسبت به سایر مراجع بومی وسیع‌تر است که موقعیت علمی ایشان و رابطه نزدیکی که با مردم دارند از دلایل این امر است.

خمینی (ره) تصریح کرد: در آن روز ایشان به مسجد رفت و گفت: مردم، آقا روح‌الله، سید نواب صفوی نیست. در گفته ایشان مطالب زیادی نهفته است. نواب صفوی یک مبارز فعال علیه رژیم بود و امام (ره) نیز یک مبارز انقلابی علیه رژیم بود. تبیین این مسئله که جایگاه مرجعیتی که با رژیم به مبارزه برمی‌خیزد با یک روحانی متفاوت است. به نظر من تفکیک این موارد و تبیین و آگاهی دادن به مردم بسیار ارزشمند بود.

فضائل سکونت طولانی آیت‌الله زنجانی در مشهد را به خاطر فرمایش مرحوم امام (ره) دانست و گفت: هنوز هم به زادگاهشان پا نگذاشتند تا کسی از رفتن ایشان به زنجان سوءاستفاده نکند و مشکلی برای مردم و جامعه ایجاد نشود. به نظر من این گذاشتن از خواسته‌ها؛ یعنی پا نگذاشتن به جایی که به آن متعلق‌اند و در آنجا رشد کرده و بزرگ شده‌اند و بستگان‌شان در آنجا هستند، به خاطر مصلحت مردم و صلاحی که امام (ره) فرمودند، نشانگر اوج فهم و شعور سیاسی ایشان است.

جمشیدی نیز با تأیید سخنان حجت‌الاسلام فضائلی اظهار کرد: فردی که رابطه با مردم داشته باشد، طبیعی است که دیدگاه مردم نیز به او منتقل می‌شود، ایشان حصار به دور خود نکشید. اگرچه برخی تمایل دارند که برای ایشان دفتری ایجاد کنند و به نحوی حصار برای ایشان درست کنند، اما خود ایشان شخصیتی نیست که این چارچوب‌ها را بپذیرد. طبیعی است کسی که با مردم رابطه داشته باشد، دردهای مردم را می‌فهمد. ممکن است برخی علما به خاطر این‌که در چارچوب متون دینی و روایات کار کرده‌اند، سعی کنند همان مسائل و فضا را در جامعه پیدا کنند و با آن تطبیق دهند. اما آیت‌الله زنجانی از طرف دیگر به قضیه نگاه می‌کند و ابتدا، نیازهای مردم را در نظر می‌گیرد.

جمشیدی در پایان این نشست، با اشاره به اطلاعیه‌ای که علمای مشهد در زمان تبعید امام (ره)، در مورد اهانت به روحانیت منتشر کرده بودند، خاطرنشان کرد:

آیت‌الله‌العظمی حسینی
زنجانی این نامه را
امضا نکرد، زیرا
معتقد بود که



رضا رجب زاده:

آیت الله العظمی زنجانی روایات متقن را بر فلسفه و عرفان ترجیح می دهد

می گفتند و بعد اشکالاتی که به نظرشان می آمد را نقض و ابرام می کردند. در واقع تنها نقل اقوال نمی کرد، بلکه خودشان هم مبنای داشتند، به طوری که در تقسیم بندی فقها می توان ایشان را از دسته اصولیون دانست.

وی با اشاره به برخورد آیت الله العظمی زنجانی با عامه مردم گفت: این که گفتم ایشان فوق العاده خلیق هستند، به خاطر همین برخوردشان با افراد عموم بوده است. خوش برخورد است و بین مردم جایگاه خاصی دارد، خصوصا زمانی قشر دانشگاهی و افراد تحصیل کرده، خیلی اقبال نسبت ایشان داشتند.

رجب زاده از ارتباط آیت الله زنجانی با حضرت امام (ره) و علامه طباطبایی گفت و افزود: آیت الله زنجانی بسیاری از مسائل را با این دو بزرگوار مطرح می کرد، بخصوص از علامه طباطبایی زیاد نقل قول و خاطره هایی را بیان می کردند. ایشان از شاگردان امام (ره) بود و در سال ۴۲ از جمله افرادی بود که در زنجان بازداشت شد.

رجب زاده با اشاره به ترجیح روایات نسبت به اقوال فلسفی و عرفانی نزد آیت الله العظمی زنجانی، گفت: آقای زنجانی فلسفه و عرفان و همه این حرف ها را در مقابل يك روایت متقن که به دستشان می آمد، نفی می کرد و تنها همان روایت را می پذیرفت؛ یعنی با فلسفه و عرفان آشناست، ولی خیلی نسبت به آیات، روایات و متون دینی تسلیم محض است.

وی اشاره ای هم به وجوه سیاسی این عالم شیعی داشت و افزود: آنچه که من می گویم، برداشت خودم هست و شاید در واقع این گونه نباشد. آقای زنجانی در مسائل سیاسی فوق العاده فرد زیرکی هستند و مطالب را هم خوب متوجه می شوند، ولی آنچه را که متوجه می شوند، خیلی اظهار نمی کنند. ایشان بیشتر نسبت به دو قضیه حساس است؛ یکی قضیه تبشیر و تبلیغ مسیحیت و ادیان دیگر و یکی هم قضیه وهابیت و جریان افراطی اهل سنت. ایشان روی این دو قضیه بیشتر از بقیه مسائل حساسیت دارد. یکی از تألیفات ایشان، معیار الشک فی القرآن است که در رابطه با رد مطالبی است که بعضی نگاه های افراطی نسبت به زیارت و ... دارند. نسبت به مسیحیت و تبلیغ آن نیز خیلی حساس هستند.

رجب زاده در پاسخ به این پرسش که وظیفه جامعه در قبال بزرگانی

آیت الله العظمی سید عزالدین زنجانی، فلسفه و عرفان را در مقابل يك روایت متقن که به دستشان می آید، نفی می کند و تنها همان روایت را می پذیرد؛ یعنی با فلسفه و عرفان آشناست، ولی نسبت به آیات، روایات و متون دینی تسلیم محض است.

رضا رجب زاده، از شاگردان آیت الله العظمی حسینی زنجانی، درباره شخصیت استادش، ضمن بیان مطلب فوق گفت: آشنایی من با آقای زنجانی به این صورت بود که ایشان امام جماعت مسجد امام صادق (ع) در خیابان دانشگاه بود و من نیز چون محل کارم نزدیک به این مسجد بود، در نماز ایشان شرکت می کردم. من قبل از این که وارد عرصه کار شوم، تحصیلات حوزوی داشتم و بعد که مشغول کار شدم، یک روز با یکی از دوستان صحبت شروع کردن درس رسائل شد. او گفت در محل مسجد امام صادق (ع) چند نفر هستند که آقای زنجانی برایشان تدریس می کند و هنوز آغاز کار است. ما تقریبا اولین جلسات درس رسائل خدمت ایشان رسیدیم که در محل مسجد بود و در ادامه به منزل ایشان منتقل شد و دو سه سالی تقریبا رسائل را خدمت ایشان بودم. البته بعد از این آشنایی جلسات و بحث های دیگری را هم در خدمت ایشان بودم.

این شاگرد آیت الله العظمی زنجانی درباره ابعاد علمی و شخصیتی ایشان گفت: از لحاظ علمی که حقیقتا در زمینه فلسفه و حکمت اسلامی صاحب نظر هستند و در زمینه فقه و اصول و مبانی اجتهاد هم که تقریبا جزو افراد شاخص کشور به حساب می آیند، ولی به نظر من از همه مهم تر خلیق بودن ایشان است. ایشان فوق العاده شخص خلیقی است؛ یعنی به حدی که می توان گفت افراط در این زمینه دارد. فوق العاده انسان متواضع، فروتن، خلیق و خوش برخوردی است.

رجب زاده در پاسخ به این سؤال که چه دروسی را خدمت ایشان بودید؟ تصریح کرد: تقریبا تمام رسائل، قسمتی از مکاسب، جلسات شرح مثنوی، تفسیر و بحث های فلسفه و عرفان را خدمت ایشان بودم و در کلاس ایشان شرکت می کردم. درس خارجی را هم در مدرسه «سلیمانیه» داشتند که متن درس را جواهر الکلام قرار داده بودند و نظرات مرحوم صاحب جواهر را



چون آیت‌الله زنجانی چیست؟، گفت: متأسفانه نمی‌دانم چطور شد که آنطور که باید و شاید مردم مشهد از حضور ایشان استفاده نکردند، شاید ملاحظه‌کاری بیش از حد خود حاج آقا سبب این امر شد؛ چون خیلی جوانب قضیه را می‌سنجند و خیلی حساب شده قدم برمی‌دارند. کسی هم از علما، در سطح عامه مردم مشهورتر از ایشان نبود که بخواهد ایشان را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. به نظر من همین ملاحظه‌کاری و این‌که حرفی نزنند که به کسی برخورد، باعث شد که ایشان محدود شود.

وی افزود: ایشان خصوصیتی دارد که من در کمتر کسی، خصوصاً در حوزه علمیه مشهد دیدم. یکی همین جامعیت ایشان است. خوب ما در فقه و اصول کسانی مثل میرزا علی آقای فلسفی را داشتیم، ولی میرزا علی آقای فلسفی در زمینه حکمت و فلسفه با آقای زنجانی قابل قیاس نبود. تسلط ایشان بر ادبیات عرب فوق‌العاده است؛ چه در لغت چه در علوم بلاغی و... استنباط‌های خیلی جالبی دارد، هم در زمینه تفسیر آیات و هم در برخورد با روایات. ایشان نسبت به شرح مثنوی و حافظ فوق‌العاده است؛ یعنی گاهی به مناسبتی مطالبی را می‌گفتند که نشان از تسلط ایشان داشت، حتی درس شرح مثنوی داشتند که به علت اعتراض برخی‌ها تعطیل شد. در مسائل فلسفی افرادی در شهر ما بودند که خیلی صاحب‌عنوان بودند و ما هم پای درس آن‌ها رفتیم، ولی هیچ بهره‌ای نگرفتیم؛ یعنی زمانی که در درس آن‌ها می‌رفتیم مطلب به جان آدم نمی‌نشست، ولی آقای زنجانی اگر درس حکمت و فلسفه‌ای داشت و جلساتی بود، حقیقتاً سخنانش به جان می‌نشست؛ یعنی مسلط بودند، مطلب را گرفته، هضم کرده و دوباره می‌آفرید. البته استاد ابراهیمی دینانی هم چنین خصوصیتی دارند. ایشان خیلی در این زمینه خوب است و در زمینه تفسیر واقعا معرکه است. در زمینه تاریخ استشهداهای خوب و بجایی دارد و در واقع ایشان گنجینه‌ای است در شهر مشهد که از ایشان بهره نبردیم.

این شاگرد آیت‌الله زنجانی افزود: خلیق بودن به معنای واقعی کلمه بسیار در ایشان بروز دارد و حقیقتاً در همه زمینه‌ها در برخورد با افراد با شاگردان و بیگانه، متخلقی به اخلاق اسلامی هستند. اگر در دورترین نقطه این مشهد مقدس، به مناسبتی مراسمی بود و از ایشان دعوت می‌کردند، با توجه به این‌که ایشان در همان زمان هم برایشان رفت و آمد مشکل بود، با این حال جواب می‌دادند و می‌رفتند. هیچگاه دنبال مریدپروری نبودند.

وی در پایان، درباره برخورد آیت‌الله‌العظمی زنجانی با اهل سنت خاطرنشان کرد: برخورد ایشان به گونه‌ای بود که سرکنسول‌های پاکستانی به ایشان احترام می‌گذاشتند. ایشان نسبت به اهل بیت (ع) ارادت دارند، ولی برخوردشان طوری نبود که دشمن‌آفرینی کنند و دنبال این بودند که از طریق بحث، اهل سنت را متمایل کنند.

سیدمجتبی معاون زاده غزنوی:

آیت‌الله‌العظمی زنجانی فهم مشی اهل بیت (ع) را ملاک علمیت در فقه می‌داند

مؤلف کتاب بیان، و به صورت درس خارج، نظریات مؤلف نقد و بررسی می‌شد و استاد در نهایت نظر خود را بیان می‌کرد.

این مدرس فقه اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا از درس فلسفه آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی هم بهره برده‌اید؟، اظهار کرد: به همراه تعدادی از دوستان خدمت استاد سیدعزالدین منظومه حاج ملاهادی سبزواری که به نحوی ورود در اسفار بود را مطالعه کردیم و در این مدت که در درس فلسفی ایشان شرکت کردم به عمق و دقت فلسفی استاد پی بردم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی، در عرفان، درس خاصی را در مشهد برگزار کردند؟، گفت: استاد زنجانی در عرفان دارای عمق و دقت بالایی هستند؛ لذا یک دوره تدریس مقدمه قیصری بر فصوص برای جمع محدودی از طلاب برقرار کرد که بنده نیز در آن جلسات بهره‌های فراوان از استاد بردم. خیلی با استاد مأنوس بودم و مدت مدیدی و روزی بیش از ۷ تا ۸ ساعت خدمت ایشان بودم و گاه خصوصی از استاد سیدعزالدین بهره بردم. آیت‌الله زنجانی در فقه خیلی به کتاب جواهر مرحوم حاج شیخ محمدحسن اهمیت می‌داد؛ لذا به همین خاطر بود که هم متن را درس می‌داد و هم به نقد و

از دیدگاه آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی، فقیه و مجتهد اعلم کسی است که علاوه بر محفوظات فقهی و استدلالی، مذاق اهل بیت (ع) را درک کرده باشد؛ یعنی مشرب و مشی اهل بیت (ع) را در مباحث فقهی به دست آورده باشد.



حجت‌الاسلام و المسلمین «سیدمجتبی معاون زاده غزنوی»، مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد، در مورد شخصیت علمی آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی گفت: بنده از سال‌های ۶۳ و ۶۴ خدمت آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی رسیدم و تاکنون ارتباط خود را با استاد داشته‌ام و در این مدت استاد لطف‌ها و مهربانی‌های فراوانی در حق بنده داشته‌اند.

وی در پاسخ به این سؤال که در چه درس‌هایی از آیت‌الله‌العظمی سیدعزالدین زنجانی بهره‌مند شده‌اید؟، عنوان کرد: از سال ۶۴ که ارتباطم با استاد زیاد شد در درس خارج فقه، جواهر را تدریس می‌کردند که بنده نیز حضور داشتم به نحوی که کتاب‌های جهاد و حج جواهر را خدمت استاد سیدعزالدین مطالعه کردم. علاوه بر کتاب جواهر، متن مکاسب و مکاسب محرمة و بیع را هم در خدمت ایشان بودم به نحوی که خط به خط کتاب‌ها توسط استاد خوانده می‌شد و نظر خود

بررسی دقیق کتاب می پرداخت. آیت الله سیدعزالدین ملاکی که برایشان مطرح بود و ملاک به حقی هم هست این که فقیه و مجتهد اعلم را کسی می داند که علاوه محفوظات فقهی و استدلالی، مذاق اهل بیت (ع) را درک کرده باشد؛ یعنی مشرب و مشی اهل بیت (ع) را در مباحث فقهی به دست آورده باشد. وی در ادامه سخنان خود تأکید کرد: به نظر آیت الله سیدعزالدین زنجانی فقهی که در واقع معنای «انتم افقه الفقها الناس اذا عرفتم معانی کلامنا» را به دست آورده باشد و صاحب ذوق باشد و بتواند معنای فرمایشات اهل بیت (ع) و آن مقصود را درک کرده باشد، اعلم فقهاست.

این مدرس حوزه علمیه مشهد در مورد ویژگی درس های عرفان آیت الله زنجانی گفت: خیلی مهم است که بین بحث عرفانی واقعی با بحث عبارات و

الفاظی که به صورت علم حصولی برای فرد بدست می آید، تفاوت قائل شویم و گاهی حتی استاد فکر می کند مطلب عرفانی را فهمیده است و برای شاگردان آن را تدریس می کند، در حالی که فقط الفاظ را درک کرده است. به یاد دارم که استاد در درس های عرفان می گفت: «گاهی فی ما بین اساتید این دروس و شاگردانشان التقاء ساکنین می شود» و این بدان دلیل بود که این معانی را به صورت حضوری درک نکرده بودند، در حالی که باید معنا با حاق واقع درک شود.

وی افزود: معنای یک وجود حقیقی دارد؛ به سخن دقیق تر ما چهار وجود داریم که عبارتند از: لفظی، کتبی، ذهنی و عینی خارجی که برخی وجود کتبی و

وجود لفظی را به کار می برند و نیز وجود ذهنی را، ولی وجود خارجی را افراد کمی هستند که به آن می رسند و اگر به این چهارمی نرسند، علم شان علم حصولی است؛ یعنی همان که در ذهنشان به وسیله وجود کتبی و لفظی است، ولی وجود آن خارجی را ادراک نمی کنند و اگر چنین شده به جایی نبرده اند و آیت الله سیدعزالدین جزو کسانی بوده اند که عین خارجی را درک کرده بودند. علامه طباطبایی، از آیت الله سیدعزالدین زنجانی به عنوان یکی از کسانی که بعد از خودش به آن ها رجوع شود، نام برد؛ لذا

ایشان میراث دار اساتید بزرگی همچون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی است.

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد، در مورد اخلاق پژوهشی و اجتماعی آیت الله سیدعزالدین زنجانی، گفت: کلاس های عرفان



استاد زنجانی در عرفان دارای عمق و دقت بالایی هستند؛ لذا یک دوره تدریس مقدمه قیصری بر فصوص برای جمع محدودی از طلاب برقرار کرد که بنده نیز در آن جلسات بهره های فراوان از استاد بردم

آیت الله زنجانی علی رغم این که به افراد معینی محدود بود؛ اما از آسیب آشکار شدن آن که باعث مخالفت آن می شود، محفوظ نماند. گاهی شنیده می شد که افرادی مزاحمت ایجاد می کردند، ولی خیلی مختصر و کم بود و این به دلیل این بود که افراد حاضر در جلسه درس، افراد زیادی نبودند و تعداد انگشت شماری در درس های عرفان شان شرکت می کردند، اما در درس های منظومه شان افراد شرکت کننده بیشتر از ده نفر بودند و یا درس مقدمه فصوص شان خیلی کم بود و همچنین در تدریس بخشی از اسفار تعداد شرکت کننده خیلی کم بود و لذا از این باب جلسات محفوظ بود، چرا که کلاس شایع نبود و در منظر و مرئای همه

نبود.

است؟ گفت: آیت‌الله سیدعزالدین یکی از علمای سبعة مشهد است که در قبل از پیروزی انقلاب - گرچه من قبل از انقلاب با آیت‌الله زنجانی ارتباط نداشتم و دیده بودم که علمای مشهد در منزل آیت‌الله قمی جمع می‌شدند و اطلاعاتی می‌دادند و راهپیمایی‌هایی را هدایت می‌کردند. انقلاب را هدایت می‌کردند.

وی افزود: بعد از انقلاب، مسئولان وقتی به مشهد می‌آمدند، به دیدار ایشان می‌رفتند و امضای تأیید ایشان برای بسیاری از افراد کاندیداهای مجلس اول، مهم بود و مردم در اول انقلاب چون هنوز با مسائل آشنا نبودند، نظر آیت‌الله سیدعزالدین بسیار مهم بود. در

زمان حاضر نیز کاندیداهای مجلس و ریاست جمهوری

در هر دوره به دیدار آیت‌الله سیدعزالدین

می‌روند و نظرات خود را بیان می‌کنند و به

نحوی خواستار حمایت می‌شوند. در

مراسم تشییع شهدا که هر چند وقت اتفاق

می‌افتد، آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی نیز

در صف اول تشییع شهداست و به همین

دلیل جمعیت زیادی در این مراسم شرکت

می‌کنند و همچنین هم‌اکنون با کهرت

سن‌شان در تمام مراسم و راهپیمایی‌ها

مانند روز قدس و ۲۲ بهمن حضور پررنگی دارند و همین حضورشان

باعث حضور اقشار مختلف مردم است. دانشجویان و دانشگاهی‌های

مشهد، علاقه وافری به آیت‌الله سیدعزالدین دارند و بسیاری از این

افراد چشم و چراغ‌شان آیت‌الله سیدعزالدین است و ایشان را الگویی

برای خود تعریف کرده‌اند و ایشان با صورتی بشاش با دانشجویان

برخورد می‌کنند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: به خاطر دارم که در زمانی عده‌ای از

افراد که از کشورهای اروپایی آمده بودند، خدمت آیت‌الله

سیدعزالدین آمدند و آن‌ها از این‌که یک مرجع شیعه این‌گونه با

چهره‌ای خندان و بشاش با آن‌ها برخورد کرده است، بسیار خرسند

بودند و این‌که از طرف آیت‌الله سیدعزالدین شنیده بودند که هر وقت

که لازم باشد پاسخ‌گوی سؤال‌های شما در مورد اسلام هستم، بسیار

شگفت‌زده بودند.

این مدرس حوزه مشهد در پاسخ به این سؤال که آیا برگزاری چنین کلاس‌هایی بر روند علمی حوزه مشهد تأثیر گذاشت یا خیر؟ و آیا آیت‌الله‌العظمی زنجانی، توانست مکتب و اندیشه‌های خود را در مشهد تدوین و ترویج کند؟، گفت: آن‌چه مسلم است، این است که آن جو ضد فلسفی مشهد، شکسته شد. اگرچه آیت‌الله سیدعزالدین هم عقب‌نشینی‌هایی کردند؛ مثلاً به اشعار مولوی خیلی متمسک بودند و خیلی استفاده می‌کردند که انعکاس بیرونی‌اش با برخورد خیلی شدید آن‌ها مواجه شد و باعث شد که ایشان بالاخره در

برخی الفاظ عقب‌نشینی کاملی بکنند؛ لذا حتی در این

اواخر از ایشان کمتر اشعار مولوی را می‌شنویم،

ولی خوب آن جو ضد فلسفه هم شکسته شد.

درس‌های فلسفی در مشهد به طور علنی

برقرار شد. گرچه درس‌های فلسفی برقرار

بود، ولی با استقبال خیلی کم -، مرحوم

آشتیانی در مشهد بود و در کلاس‌هایشان

افرادی خاصی شرکت می‌کردند، گرچه

ایشان مشی و مرام خاصی در تدریس

داشت، اما بعد از آن، جو شکسته شد و

شاگردان این افراد فلسفه تدریس می‌کنند و هم‌اکنون درس‌های

عقلی در مشهد برقرار است.

غزنوی در پاسخ به این سؤال که ویژگی دروس تفسیر قرآن آیت‌الله

سیدعزالدین چگونه بوده است؟ گفت: بنده دو دفتر ۱۰۰ برگ از

تقریر درس‌های آیت‌الله سیدعزالدین در جلسات تفسیر قرآن جمع

آوری کرده‌ام که این کلاس‌ها در سال ۶۵ و ۶۶ برگزار شده بود. این

جلسات، بسیار شیوا و خاص بود و افراد بسیار زیادی در این جلسات

جذب می‌شدند و از مردم عادی گرفته تا طلاب سطح بالای حوزه در

این جلسات شرکت می‌کردند و از نکات تفسیری‌شان بهره‌مند

می‌شدند. جلسات تفسیری استاد، جذاب و ملموس می‌بود و آیات

کاملاً قابل فهم می‌شد.

این مدرس سطح عالی حوزه مشهد در پاسخ به این سؤال که

تأثیرگذاری اجتماعی آیت‌الله زنجانی در محیط مشهد چگونه بوده



آية الله العظمى الحسينى الزنجانى؛
مرآة للعلوم الإسلامية



سيرة موجزة عن حياة آية الله العظمى السيد محمد عز الدين حسینی زنجانی

يقول سماحته في هذا الباب: عندما كنا في قم كتب احد المنحرفين كتاباً بعنوان "اسرار الف عام" هاجم فيه التعاليم الاسلامية فذهبنا الى المراجع كي نسال رايهم وبالذات آية الله حجت فانه قال: مثل هذه الكتب لاتستحق الرد لكن عندما عرف الامام الخميني القضية كتب كتاباً بعنوان "كشف الاسرار" واجاب على شبهاته.

ثم ذهب عالمنا القدير الى النجف الاشرف بعدما قضى سنين من عمره في قم وشارك في صفوف السيد عبدالهادي الشيرازي والمرجع الديني الكبير السيد ابوالقاسم الخوئي وسيما آية الله العظمى السيد محسن الحكيم وعندها كان من المراجع الكبار وكان السيد الحكيم يبدي له احتراماً خاصاً ثم قرر الرجوع الى "زنجان" بعدما سمع بنياً مرض والده.

ومارس السياسة واعتقله النظام البائد الملكي الشاهنشاهي بعدما القى محاضرة هاجمهم فيها وسجنوه لمدة ٤٥ يوماً ثم انتقل الى مشهد الرضا(ع) واضطر الى ترك مسقط راسه مواصلاً النضال حتى انتصار الثورة.

تدريسه ونشاطه

باشربعد عودته بإدارة مدرسة ومسجد السيد في زنجان، وأخذ يدرس العلوم العقلية والنقلية، والعرفان والتفسير والإرشاد، ومكافحة ظاهرة الفساد والضلال، التي كانت متسرية بين الشباب، كما عمل على إحياء تراث الحوزة العلمية في زنجان التي سبقت في تأسيسها الحوزة العلمية

يعتبر آية الله العظمى السيد عز الدين بن السيد محمود حسینی زنجانی الشهير بـ "الامام الزنجانی" من المراجع التقليدي في مدينة "مشهد الرضا(ع) المقدسة" شرق البلاد كما تتلمذ عند شخصيات كبار ك الامام الخميني والعلامة الطباطبائي وآية الله البروجردی رحمهم الله.

تحقيقاً لهدف الذي نحن بصدد تحقيقه والذي نرثون من خلاله التقدير من النشطاء في مجال الدين والقرآن في المجتمع المسلم ان نقوم بنشر دورية خاصة تدرس كافة جوانب حياتهم ونشاطاتهم وسنلقى نظرة هنا على حياة احد كبار العلماء وهو آية الله زنجانی.

ولد عالمنا الكبير عام ١٣٤٠ للهجرة في مدينة "زنجان" الايرانية وسط عائلة تتسم بالعلم والفقاهة وتلمذ على يد ابيه ثم تعلم اللغة الفرنسية عند الاستاذ "ميرزا الوزيري" وكانت الحوزة العلمية في "زنجان" لها مكانة خاصة قبل تاسيس الحوزة العلمية في مدينة قم المقدسة.

كان والده الميرزا محمود حسيني زنجاني عالماً وفقهياً مشهوراً في زمانه، وأما والدته فهي كريمة شيخ الإسلام زنجاني، الذي كان عالماً من علماء زنجان المعروفين .

ثم انتقل الى قم وشارك في صفوف آية الله حجت وآية الله البروجردی ودرس الاسفار عند الامام الخميني (قدس سره) قائد ومفجر الثورة الاسلامية وحصل الكثير من العلوم الدينية والاخلاق عند آية الله العظمى الحاج السيد احمد الخوانساری وآية الله الحاج الشيخ مهدي المازندرانی.



في مدينة قم المقدّسة، إذ كان لها الثقل الأكبر بين الحوزات العلمية في إيران .

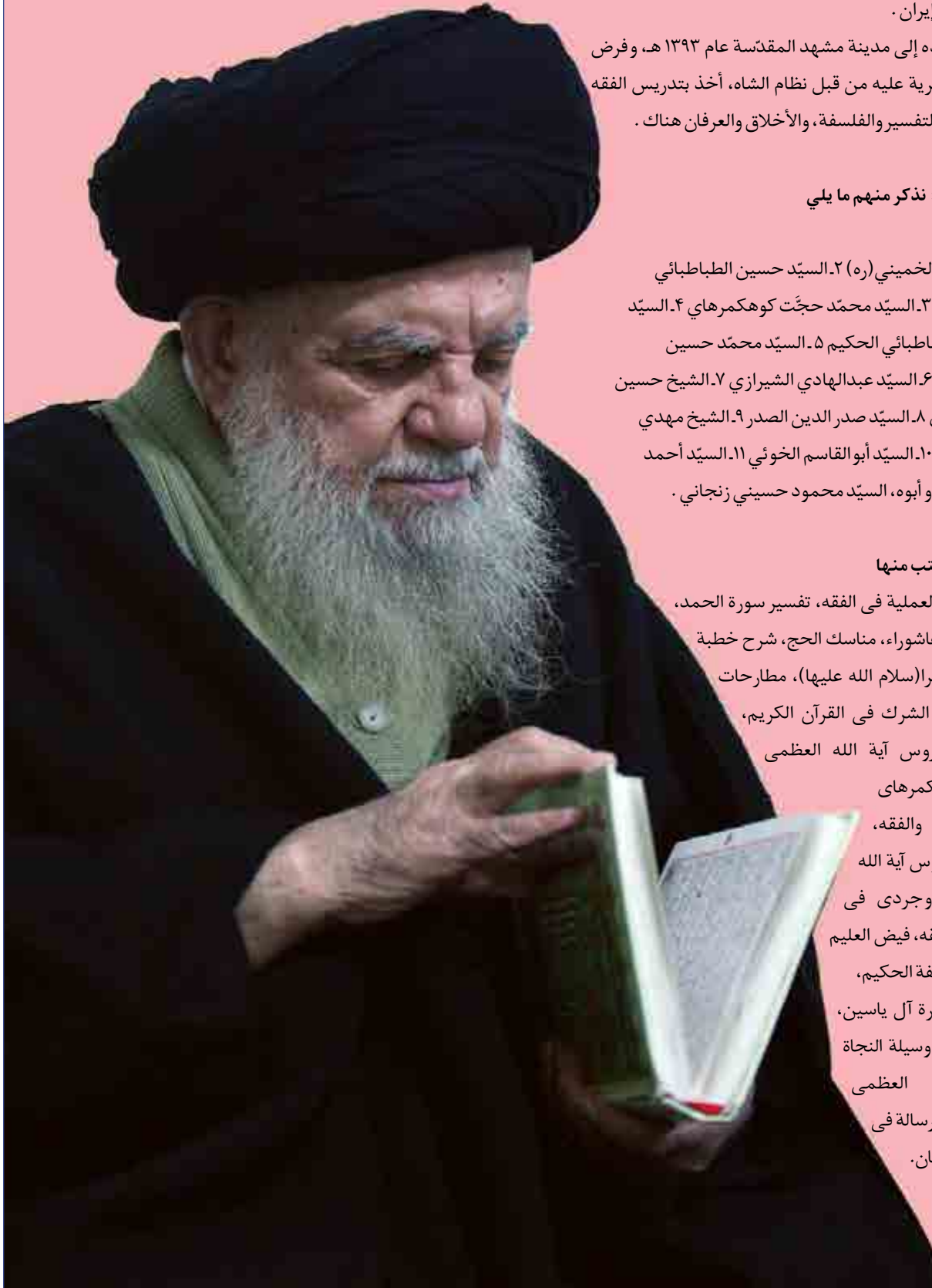
بعد إبعاده إلى مدينة مشهد المقدّسة عام ۱۳۹۳ هـ، وفرض الإقامة الجبرية عليه من قبل نظام الشاه، أخذ بتدريس الفقه والأصول، والتفسير والفلسفة، والأخلاق والعرفان هناك .

أساتذته: نذكر منهم ما يلي

۱. الإمام الخميني (ره) ۲. السيّد حسين الطباطبائي البروجردي ۳. السيّد محمد حجّت كوهكمراهي ۴. السيّد محسن الطباطبائي الحكيم ۵. السيّد محمد حسين الطباطبائي ۶. السيّد عبدالهادي الشيرازي ۷. الشيخ حسين دينمحمّدي ۸. السيّد صدر الدين الصدر ۹. الشيخ مهدي المازندراني ۱۰. السيّد أبو القاسم الخوئي ۱۱. السيّد أحمد الخونساري وأبوه، السيّد محمود حسيني زنجاني .

له عدة كتب منها

- الرسالة العملية في الفقه، تفسير سورة الحمد، شرح زيارة عاشوراء، مناسك الحج، شرح خطبة السيدة الزهراء (سلام الله عليها)، مطارحات حول معيار الشرك في القرآن الكريم، تقريرات دروس آية الله العظمى حجّت كوهكمراهي في الاصول والفقه، تقريرات دروس آية الله العظمى بروجردى في الاصول والفقه، فيض العليم في شرح تحفة الحكيم، شرح زيارة آل ياسين، تعليقه على وسيلة النجاة لآية الله العظمى الاصفهاني، رسالة في حقيقة الايمان.





آية الله العظمى الحسينى الزنجاني:

أسلوبى فى التفسير ، يتبع نهج الإمام الخمينى (ره)

والعلامة الطباطبائى

على سبيل المثال نذكر فيها هذا الجزء منها الذى يقول: "اللهم اجعل لقلوبنا ذكاء عند عجائبه التى لا تنقضى". فكلما صبرت أكثر تتضح وتتبين لك الأسرار الأخرى من القرآن الكريم.

وأشار تلميذ الإمام الخمينى إلى إعداد الكثير من الكتب حول أسرار القرآن وقال: لا يمكن الإحاطة بكافة الأسرار القرآنية مضافاً أن من بين الأشخاص الذين تعاملوا بشكل كبير مع القرآن الكريم هو الفيلسوف البارز والشهير المعروف بـ"صدر المتألهين". أنه أعد كتاب تحت عنوان "أسرار الآيات" والحمد لله تم طبعه ولا أدري إن كان تم تجديد طبعه بعد ذلك أم لا. وإن جميع اللذين حاولوا الكشف عن أسرار الآيات القرآنية كسبوا بقدر الجهود التى بذلوها وبلغوا ما طمحوها اليه.

وأشار المرجع الشيعى، حسينى زنجاني الى أسرار بعض الآيات القرآنية ومنها "وَمَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ" (سورة الذاريات المباركة، الآية الشريفة ٤٩) مؤكداً بأن الأسرار القرآنية لا تعد ولا تحصى وإذا ما تأمل الإنسان فى القرآن وكلما تعمق فى تأمله فبإمكانه أن يكشف المزيد من الأسرار القرآنية.

ودعا المفسر للقرآن الكريم، حسينى زنجاني طلبة العلوم الدينية الى ضرورة التلقى الصحيح للدروس والتوسل خاصة فى يوم الجمعة بالوجود المبارك للإمام صاحب العصر والزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف).

وفى ختام حديثه أكد آية الله حسينى زنجاني على أن دعاء مفاتيح الجنان هو ما أوصى به الامام الثامن على ابن موسى الرضا عليه السلام أحد أصحابه الكبار "يونس بن عبد الرحمن" إذ قال له لا تمسك بهذا الدعاء "اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك الناطق بحكمتك وعينك الناظرة بإذنك وشاهدك على عبادك..." وأضاف اننى كذلك أدعوا للتمسك بهذا الدعاء وخاصة فى يوم الجمعة.

أوضح آية الله العظمى "سيد عز الدين حسينى زنجاني" بأن أسلوبه فى تفسير القرآن الكريم يتبع نهج الأستاذين الجليلين، الإمام الخمينى والعلامة الطباطبائى (رحمهما الله) إذ يعتمد بشكل كبير على تفسير الآيات القرآنية بغيرها من الآيات.

وفى حوار له مع وكالة "إيكننا" للأنباء القرآنية بشأن الأسلوب الذى يعتمد عليه فى تفسيره للقرآن الكريم أكد آية الله العظمى سيد عز الدين حسينى زنجاني بأنه لا يعتمد نهج آخر فى مجال التفسير غير الأسلوب الذى تعلمه من الأستاذين، العلامة الطباطبائى والإمام الخمينى (ره). وأبرز المرجع الدينى، حسينى زنجاني قائلاً: إن المعروف والمهم والذى استخدمه الإمام الخمينى (ره) والطباطبائى فى تفسيرهم للقرآن الكريم هو أن يتم تفسير القرآن الكريم بالإستمداد بالآيات القرآنية الأخرى مؤكداً بأنه يتبع فى الوقت الراهن هذا النهج وسيواصل إستخدامه بتوفيق من الله مشيراً الى إحدى الروايات التى ورد فيها بأن "القرآن يفسر بعضه بعضاً".

وأكد مؤلف كتاب "معيار الشرك والإيمان فى القرآن" على ضرورة تعزيز فهم القرآن وأهمية تفسير القرآن بالقرآن ووضع القرآن الكريم فى الأولويات لجميع البرامج التعليمية وغيرها، وبذل الجهود بغية التوصل إلى المعانى والفهم والقراءة الصحيحة للقرآن الكريم.

وأكد تلميذ العلامة طباطبائى على ضرورة الإستمداد بالقرآن الكريم من لتفسير آياته الشريفة مشيراً الى وجود بعض الأدعية التى لا يعرفها معظم الناس وحتى يمكن أن تغفل الحوزة العلمية عن التعرف عليها أيضاً. وعلى سبيل المثال توجد أدعية خاصة بوقت تلاوة القرآن حيث يروى أن الإمام الصادق (ع) كلما كان أراد أن يتلو القرآن الكريم كان يقرأ هذا الدعاء أيضاً وإن هذا الدعاء لم يذكر فى كتاب مفاتيح الجنان.

وأضاف سماحته قائلاً: خاصة فى شهر رمضان توجد أدعية كثيرة

"ايكنا" تلتقى نجل المرجع الدينى آية الله العظمى حسينى زنجانى

جديدة فى مجال تفسير القرآن الكريم، حيث يركز على معانى الكلمات، ويعتقد ان لغة القرآن تكمن فى كلمات القرآن، لذلك يبحث فى اللغة عن معانى واصول الكلمات. وواضح فضيلته: يستند السيد الوالد فى تفسيره الى عمق اللغة العربية، ويعتقد ان اللغة العربية هى اللغة الاوسع والاشمل والاعمق لتبيين المعانى والمفاهيم التى تحصل فى قلب الانسان. واكد تأثر والده بتفسير الميزان للعلامة الطبطبائى، وقال: على الرغم من اعترافه بعظمة العلامة الطبطبائى واحترامه لمقامه لكنه لم يوافق الرأى بالمطلق ويوضح وجهات نظره المختلفة فى بعض الاحيان.

واشار الى ان آية الله «السيد عزالدين حسينى زنجانى» تأثر فى المجال الفقهي باستاذة المرحوم آية الله البروجردى الذى كان لديه ابداعات فى المجال الفقهي، والذى كان يؤمن ان فقه الشيعة هو تعليق على فقه العامة (اهل السنة)؛ اى ان ما طرح فى الفقه الشيعى يشرف على فقه العامة.

واضاف: ان آية الله «السيد عزالدين حسينى زنجانى» التقى الامام الخمينى فى مدينة قم المقدسة حيث جذبته الاخلاق الرفيعة التى الامام كان يتمتع بها واهتمامه بالتلامذة. مشيرا الى انه بعد وفاة جده انتقل والده الى مدينة زنجان الا انه استمر بالتواصل مع الامام الخمينى من خلال الرسائل.

اما بالنسبة للاعمال ومؤلفات آية الله «السيد عزالدين حسينى زنجانى»، قال: من اهم مؤلفاته كتاب باللغة العربية حول الوهابية تحت عنوان «معيار الشرك فى القرآن»، وهو كتاب حصل على مكانة مميزة لدى العلماء، مضيفا: فى مواجهة الوهابيين والنقاش معهم دائما يقولون "اعطنا دليل من القرآن الكريم"، وهذا ما فعله والذى فى هذا الكتاب، حيث اعتمد فيه فقط على الايات القرآنية ليوضح معايير الشرك فى القرآن الكريم.

ان كلام المرجع الدينى آية الله العظمى «السيد عزالدين حسينى زنجانى» مفعما بالمفاهيم الاسلامية، وهذا نابع من اتقانه لاحاديث اهل البيت (ع) والادعية المأثورة المنقولة عنهم وخصوصا فى الصحيفة السجادية التى تلازمه فى الليل والنهار.

هذا ما اكده النجل الاكبر للمرجع الدينى ومسؤول مكتبه آية الله "السيد محمد حسينى زنجانى"، خلال حوار خاص مع ايكنا الذى حاوره فى مدينة مشهد المقدسة شرق البلاد، حول مختلف جوانب شخصية وسيرة وعلوم آية الله العظمى «السيد عزالدين حسينى زنجانى».

وقال آية الله "السيد محمد حسينى زنجانى": ان هذا المفاهيم الاسلامية الراقية النابعة من احاديث اهل البيت (ع) وادعيتهم حاضرة حتى فى كلامه اليومى والعاى.

واضاف: قبل الثورة الاسلامية كان آية الله العظمى «السيد عزالدين حسينى زنجانى» من علماء منطقة زنجان الاوائل الذين وقفوا مع الامام الخمينى، وقد تعرض للاعتقال بسبب هذا الموقف. و اشار آية الله "السيد محمد حسينى زنجانى" الى اعتراض والده على مشاركة بعض العلماء الدينيين فى مراسم استقبال الشاه لدى عودته من مؤتمر اوبك عام ١٩٧٢، وانتقاده للمشاركين فى هذه المراسم، ما جعل نظام الشاه يفرض عليه الإقامة الجبرية فى مدينة مشهد المقدسة.

وقال نجل آية الله «السيد عزالدين حسينى زنجانى»: خلال اقامته فى مدينة مشهد المقدسة نظم ٣ جلسات اسبوعية لاعطاء دروس فى التفسير والفقه والاصول، وقد واطب على هذا الامر بشكل منظم لسنوات، وفى بعض كان يعطى بعض الدروس فى الفلسفة.

واضاف: آية الله «السيد عزالدين حسينى زنجانى» لديه اراء

لدى سيد جلال آشتياني رغبة فى مباحث الامام الزنجاني العرفانية

يزوده بها بعض المقربين له حول بعض القضايا فى البلاد. وأضاف بأنه غير مطلع فيما إذا كانت لدى آية الله عزالدین زنجاني بعض ردود الفعل حول بعض القضايا والأحداث وأنه ليس على علم بكيفية مواقف آية الله عزالدین زنجاني وأكد على ضرورة توجيه هذا السؤال الى المقربين من آية الله عزالدین حسینی زنجاني.

وأضاف معاون زاده غزنوى بأن آية الله عزالدین زنجاني يولى اهتماما كبيرا بزيارة عاشوراء ولديه فى مكتبته الخاصة كتابة خطية وتوصية من المرحوم النائيني تؤكد أهمية التمسك بزيارة عاشوراء.

وأعتبر غزنوى آية الله سيد عزالدین زنجاني والاستاذ سيد جلال آشتياني بأنهما فيلسوفان تلمذا فى محضر الإمام الخميني (ره) وهما على علاقة مع بعضهما البعض فى مدينة مشهد المقدسة.

وأضاف مدرس الحوزة العلمية فى مدينة مشهد المقدسة سيد مجتبی معاون زاده غزنوى بأنه يدعو لآية الله سيد عزالدین زنجاني بالصحة وطول العمر مؤكدا بان آية الله سيد عزالدین زنجاني كان يولى إهتمام كبير ويحب آل البيت (ع) والسيدة الصديقة الطاهرة ولذلك فإنه كان يبدأ كتاباته بهذه العبارة: "الهي وربى من لى غيرك، اسئله كشف ضرى" ويخاطب الامام صاحب العصر والزمان (عج) ويتميز بخصوصيات وسجاي اخلاقية فى هذا الخصوص.

أشار الاستاذ البارز بالحوزة العلمية فى مدينة مشهد المقدسة "السيد مجتبی معاون زاده غزنوى" الى السجاي الأخلاقية لآية الله حسینی زنجاني وقال: كان الاستاذ سيد جلال آشتياني يعتقد بأن آية الله سيد عزالدین حسینی زنجاني قد فهم الحقيقة فى المباحث العرفانية ولذلك فإنه لديه رغبة ومتأثرا بجاذبته فى مجال العرفان.



وصرح سيد مجتبی معاون زاده غزنوى حول الدراسات الأخلاقية والاجتماعية لآية الله سيد عزالدین زنجاني وقال: كانت الجامعات فى مشهد تدعو آية الله عزالدین زنجاني لإلقاء الخطابات عند ما كان فى صحة جيدة وكان الاستاذ يرحب بذلك بصدق واسع ولذلك فإن آية الله عزالدین زنجاني يعد العين والسراج المنير للجامعيين فى مشهد.

وقال بأن آية الله عزالدین زنجاني يحظى بإهتمام وإحترام وشعبية واسعة لدى عامة الناس وكذلك وخاصة فى اوساط الشرائح الحوزوية والجامعية بمشهد المقدسة.

وفى معرض رده على سؤال حول موقف آية الله عزالدین زنجاني من الأفكار الحديثة التى برزت فى العقد الثانى بعد انتصار الثورة الاسلامية الايرانية التى توسعت وهاجمت أسس الدين والتدين فى البلاد، قال معاون زاده غزنوى: على الرغم من ان آية الله عزالدین زنجاني ما كان يتدخل بشكل مباشر فى هذه المواضيع وكانت لديه بعض المواقف بحسب التقارير التى كان

الاستقلال فى مواجهة الأفكار من ميزات تفسير القرآن لدى آية الله العظمى حسيني زنجاني

وفى هذا الخصوص قال الاستاذ سيد جلال الدين آشتياني - يعد أحد الفلاسفة البارزين المعاصرين واني تلمذت فى محضره وأن كان تلميذا فى محضر الامام الخميني - نقل بأنه ذهب الى محضر الإمام الخميني (ره) فى طهران وأن الامام سأله عن أحوال سيد عزالدين الحسيني وأجابه بأنه منذ فترة لا يعلم بأخبار آية الله سيد عزالدين حسيني زنجاني وقد رد عليه الامام الخميني بشدة "كيف أنك فى مشهد وغير مطلع على أخبار السيد عزالدين؟".

وأكد مؤلف كتاب "المبادئ الفلسفية لعلم اصول الفقه" قائل بأن ما قاله الامام الخميني يؤكد مدى الاحترام والمكانة المرموقة التي كان يحظى بها آية الله سيد عزالدين زنجاني لدى الامام الراحل وان هذه العلاقة لم تكن احساسية وغير عقلانية.

وحول ميزات جلسات التفسير لآية الله سيد عزالدين حسيني زنجاني قال سيد محمد انتظام بأنه كما جاء فى حديث الرسول الأكرم يعتقد بأن القرآن الثقل الأكبر وآل البيت هم الثقل الأصغر وأن التمسك بهما سبيل النجاة وأعتبرهما معيار لتقييم الأفكار والأعمال ويرفض كل أفكار وأعمال لا تنسجم مع هذين الاثنين.

وأشار المحقق فى الحوزة العلمية الى السجيا الأخلاقية الحميدة وحسن الخلق والسيرة والسلوك ووسع البال والمحبة ل آية الله سيد عزالدين حسيني زنجاني وابتعاده عن التكبر والغرور.

يعتقد تلميذ آية الله سيد عزالدين حسيني زنجاني بأن روح التمسك بالقرآن والسنة والاستقلال فى مواجهة الأفكار هو السبب الذى جعل من تفسير القرآن لآية الله سيد عزالدين حسيني زنجاني بأن لا يكون خارج القواعد العقلية للقراءة والتفسير النصي وذلك بالإضافة الى أنه يتميز بالتمعق والدقة ووسعة المعلومات واتقان القواعد ومقدمات التفسير. وأنه يعتقد بأن من دون طهارة الباطن والاستعداد من الألفاظ الالهية لا يمكن التمتع بالحظ من الثقل الثمين للقرآن وآل البيت(ع).



قال الأستاذ فى جامعة المفيد "سيد محمد انتظام" حول الشخصية العلمية والأخلاقية لآية الله العظمى سيد عزالدين زنجاني وأضاف بأن المكانة العلمية لآية الله الزنجاني لا يقتصر على الفقه والأصول.

وأضاف بأن آية الله سيدعزالدين زنجاني يعد شخصية بارزة فى مجال الفلسفة والعرفان وتفسير القرآن الكريم وكان يحظى بإهتمام من قبل الأساتذة وهم الامام الخميني(ره) والعلامة طباطبائي وذلك دليل على مكانته البارزة.

وكان العلامة طباطبائي قد دعا فى مقابلة تلفزيونية الناس الى المراجعة الى آية الله سيد عزالدين حسيني زنجاني بصفته كان من أبرز التلامذة لديه فى مجال الفلسفة.

وأشار المدرس فى الحوزة العلمية الى ان آية الله سيد عزالدين يحظى بمكانة رفيعة لدى الامام الخميني(ره)

الامام الزنجاني يرحح الروايات المؤكدة على الفلسفة والعرفان

الطببائي، وهو من تلامذة الامام الخميني ومن ضمن الاشخاص الذي اعتقلهم نظام الشاه البائد عام ١٩٦٣.

واضاف: ان اية الله الزنجاني يتمتع بذكاء استثنائي في المجال السياسي، وكان يفهم ويدرك الامور بشكل جيد، ولكنه لم يصرح بكل ما يعرفه. و اشار الى ان هذا المرجع الكبير لديه اهتمام خاص تجاه مسألتين، الاولى هي قضية التبشير والتبليغ المسيحي وباقي الاديان، والثانية هي قضية نشاطات الفرقة الوهابية وغيرها من الفرق المتطرفة لدى اهل السنة.

وقال: احد ابرز مؤلفات السيد الزنجاني كتاب «معيار الشرك في القرآن» الذي يرد على الاتهامات والاراء المتطرفة لما يتعلق بالمسائل الشيعية مثل الزيارة وغيرها مضيفا: يتميز السيد عز الدين بالجامعية والشمول في المجال العلمي، ويتقن اللغة والادب العربي بشكل مميز، كما مميّزا في دروس الفلسفة والحكمة.

وحول تعامله مع اهل السنة، قال: يتعامل بشكل جيد مع الجميع لدرجة ان المسؤولين في القنصلية الباكستانية كانوا يكتنون له احتراما خاصا، لديه حب خاص لاهل البيت (ع) ولكن تعامله وتصرفاته لم تكن تؤدي الى خلق اعداء، بل يعمل على استمالة واستقطاب المسلمين السنة من خلال النقاش.

اكّد "رضا رجب زادة" تلميذ اية الله العظمى السيد عز الدين الحسيني الزنجاني ان هذا المرجع الديني يرحح الروايات المؤكدة والمتقنة والنصوص الدينية على الفلسفة والعرفان.



وقال الباحث والطالب في العلوم الاسلامية "رضا رجب زادة" خلال حوار خاص مع ايكنا الذي اجراه مراسل الوكالة في مشهد المقدسة، تعرفت على اية الله الزنجاني عندما كان امام جماعة مسجد الامام الصادق (ع)، حيث كان مكان عملي قريبا من المسجد وكنت اشارك في الصلاة خلفه.

وحول الجوانب العلمية والشخصية في شخصية اية الله الزنجاني، قال: سماحة السيد من اصحاب الرأي في مجال الفلسفة والحكمة الاسلامية، ومن العلماء البارزين في البلاد في مجال الفقه والاصول واسبس الاجتهاد.

واضاف: اما البارز في شخصية اية الله زنجاني فهو اخلاقه الرفيعة والمميّزة، حيث يمكنني ان اقول انه صاحب اخلاق رفيعة الى حد الافراط، فقد يتميز بالتواضع وحسن الخلق، ويتعاطى مع الاخرين بأسلوب جيد وخصوصا مع عامة الناس.

وحول علاقة اية الله الزنجاني بالامام الخميني والعلامة الطببائي، قال: السيد دائما يتحدث عن هذين العالمين الكبيرين، ويروي اقوال العلامة

آية الله زنجاني يفسر القرآن بطريقة تطبيقية

واضاف: اعتقد ان اكثر شخصية تاجر بها الامام الزنجاني في مجال استنباطه من التعاليم القرآنية هي شخصية العلامة الفقيه السيد محمد حسين الطباطبائي.

وتابع: ان آية الله زنجاني كان من تلامذة الامام الخميني (قدس الله نفسه الزكية)، وقد حضر دروس الفلسفة والاخلاق التي كان يلقبها الامام الخميني في ذلك الوقت.

وقال تلميذ الإمام الزنجاني، إن كثيراً من الأحيان لا نعرف التطبيق العملي للدين والقرآن الكريم في حياتنا اليومية لذلك نضطر لمراجعة مصادر أخرى غير القرآن الكريم.

وأضاف "محمدرضا رياحي": إن آية الله زنجاني قضى أغلبية فترة تعليمه الفقه في حوزة قم المقدسة لذلك فهو أقرب للأسس الفقهية لهذه الحوزة لكنه لا يغفل عن الأسس الفقهية لحوزة النجف الأشرف.

واعتبر أن الإمام الزنجاني يتميز عن غيره من العلماء بالقدرة على التطبيق، وقال: في أكثر الأوقات نحن نعرف النظرية لكننا لا نستطيع تطبيقها على القضايا المعاصرة واليومية، فالتطبيق هو فن لا يتقنه أي شخص.

وأضاف: لا يغيب عن بالي لحظة واحدة قول كان يكرهه الإمام الزنجاني وهو، "الله في القرآن فلا يسبقنكم بالعمل به غيركم".

أكد "محمدرضا رياحي" ان المرجع الديني آية الله العظمى السيد "عز الدين حسيني زنجاني" (الامام الزنجاني) يتقن تفسير القرآن الكريم لدرجة انه يفسره بشكل تطبيقي يتناسب مع احوال وظروف المستفسر.



وقال "محمدرضا رياحي": لقد تعرفت على الامام الزنجاني عندما كان يؤم الصلاة في مسجد الامام جعفر الصادق (ع) في مدينة مشهد المقدسة، حيث كنت حينها اتابع دروس في المدرسة العلمية.

واضاف: لقد شاركت في العديد من محاضرات ودروس هذا المرجع الكبير، فقد شاركت في جلسات تفسير القرآن الكريم، تفسير المثنوي، ثم بعد ذلك بسنوات شاركت في جلسات دروس الخارج في الفقه التي كان يقدمها.

واشار الى ان الامام الزنجاني كان من تلامذة المرحوم العلامة الطباطبائي، لذلك فان نظريته الى التفسير هي نظرة جامعة، وقد استفاد اكثرية الاشخاص الذين تتلمذوا على يديه من هذه النظرة الجامعة.

وقال: لقد كان يتميز باهتمامه بالادب القرآني، فنحن الذين درسنا العلوم الحوزوية وتعلمنا اللغة والادب العربي في الحوزة، عندما كنا نشارك في محاضراته كنا نتعلم امورا كثيرا لم تكن موجودة في الكتب في هذا المجال.

آية الله زنجاني يدعم تفسيره بالروايات والأدعية المأثورة

أكد حجة الإسلام والمسلمين "على نهاوندي" إن (ع).

نظرة آية الله العظمى "السيد عز الدين حسيني زنجاني" (الامام الزنجاني) تجمع بين المباحث الكلامية، العرفانية، والفلسفية وتطبيقها وإسنادها من خلال الأدعية والروايات عن أهل المعصومين (ع).
اعتبر حجة الاسلام والمسلمين على نهاوندي، ان كتاب آية الله العظمى السيد عز الدين حسيني زنجاني (الامام الزنجاني) حول الايمان والشرك يتضمن استنباطات جميلة جدا حول مسألة العبودية وحقيقتها ومعيار الشرك والايمان.



وقال تلميذ الإمام الزنجاني أن آية الله

زنجاني كان يؤكد دوما على

مواضيع النحو والصرف في

اللغة العربية.

وأضاف: إن الإمام

الزنجاني كان يوصي

تلامذته بدراسة

المسائل النحوية

وتعلمها بشكل جيد،

وكان يقول ان هذه

الأمر هي أساس لغتكم العربية وأدبكم حيث

ستمكنكم من فهم النصوص الدينية بشكل جيد.

وأشار إلى أن آية الله الزنجاني كان يأخذ إستنباطه

وتفسيره الابتدائي للآيات على أساس قواعد النحو

والصرف في اللغة العربية ثم يجمع بين المباحث

الكلامية، العرفانية، والفلسفية وتطبيقها وإسنادها

من خلال الأدعية والروايات عن أهل المعصومين

من خلال الأدعية والروايات عن أهل المعصومين

والمسلمين على نهاوندي: ان الامام الزنجاني يتمتع

بحس الولاية للأئمة الاطهار ويمكن ملاحظة هذا الامر من

خلال حس التوسل والاهتمام بالأئمة والاستمداد بهم.

واضاف: كان يهتم دوما بحل مشاكل الشباب،

فقد رأيتهم وسمعتهم يكرر مرارا على مسامع المسؤولين

خلال الجلسات التي كان يعقدها معهم مسألة زواج

الشباب، ويقدم الاقتراحات في هذا المجال.

ان الامام الزنجاني يتمتع بحس الولاية للأئمة الاطهار
ويمكن ملاحظة هذا الامر من خلال حس التوسل
والاهتمام بالأئمة والاستمداد بهم

والمسلمين على نهاوندي: ان الامام الزنجاني يتمتع

بحس الولاية للأئمة الاطهار ويمكن ملاحظة هذا الامر من

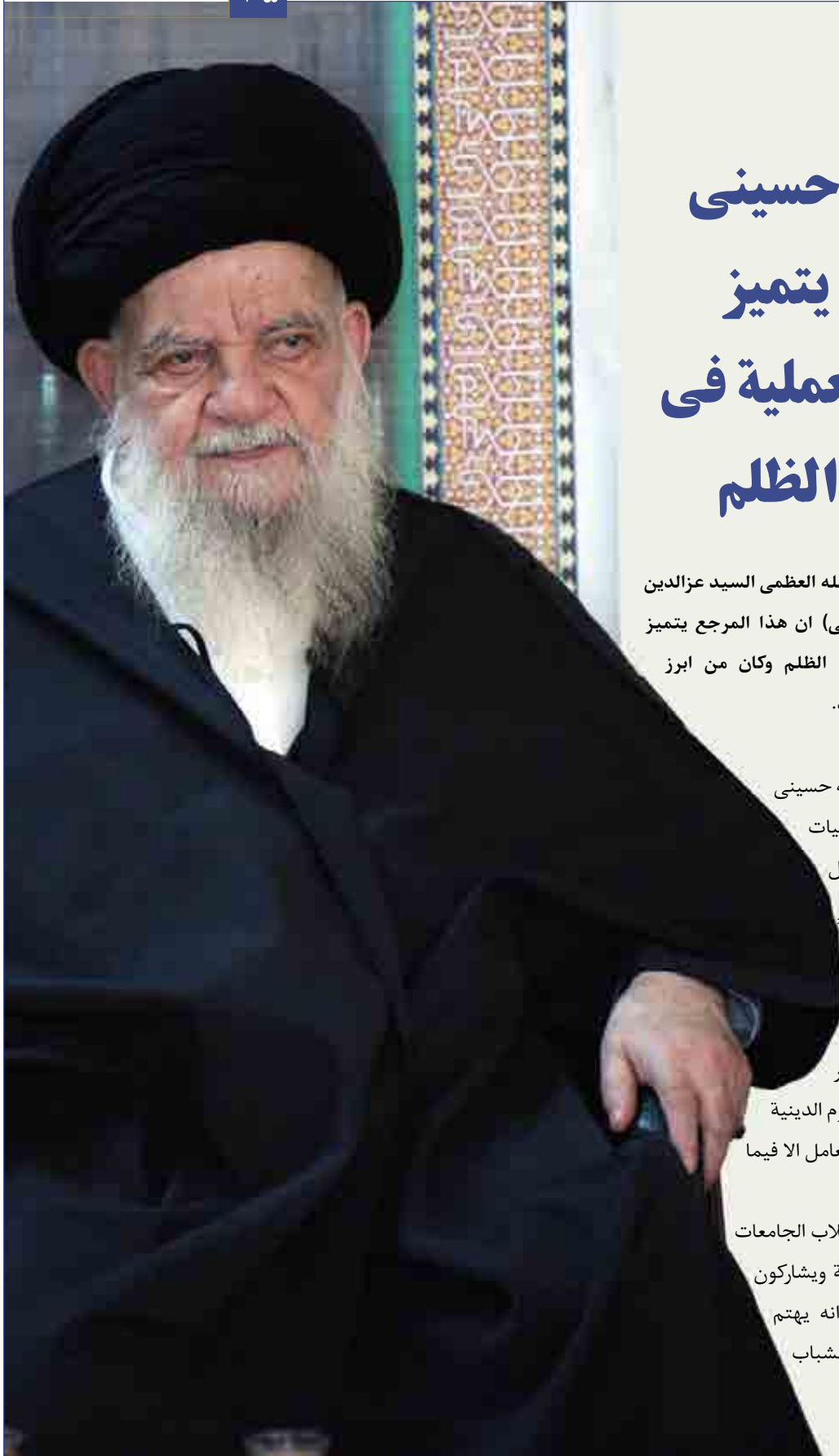
خلال حس التوسل والاهتمام بالأئمة والاستمداد بهم.

واضاف: كان يهتم دوما بحل مشاكل الشباب،

فقد رأيتهم وسمعتهم يكرر مرارا على مسامع المسؤولين

خلال الجلسات التي كان يعقدها معهم مسألة زواج

الشباب، ويقدم الاقتراحات في هذا المجال.



آية الله حسینی زنجانی يتميز بالتقوى العملية في مواجهة الظلم

أكد على شاكري تلميذ آية الله العظمى السيد عز الدين حسيني زنجاني (الامام الزنجاني) ان هذا المرجع يتميز بالتقوى العملية في مواجهة الظلم وكان من ابرز المجاهدين ضد نظام الشاه البائد.



وقال على شاكري: ان آية الله حسيني زنجاني لديه خصائل وخصوصيات اخلاقية رفيعة ونادرة وهو مثال لقوله تعالى «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». واذاف تلميذ آية الله العظمى حسيني زنجاني: من خصوصيات هذا المرجع الكبير ايضا انه لا يفرق بين طلاب العلوم الدينية وطلاب الجامعات من ناحية التعامل الا فيما يتعلق بمستوى التدين. و اشار على شاكري الى ان طلاب الجامعات والشباب يكونون له محبة خاصة ويشاركون في صلاة الجماعة بامامته، وانه يهتم ويعمل على استقطاب الشباب وجذبهم.



آية الله " على علمى أردبیلی " :

العمق والشمول الفكرى لدروس تفسير آية الله زنجانى كانت السبب فى الإنجذاب اليها

الجلسات التفسيرية تقام فى مشهد وكنت أحضرها وكانت لدى دراساتي وكتاباتى فى التفسير ولكن دروس آية الله زنجانى فى التفسير كانت مميزة عن جميع ما رأيت وذلك بسبب سيطرته على الفلسفة والعرفان واللغة والتاريخ مما كان يجعله ذاباع طويلة فى العلوم الإسلامية.

وحول الطباع الأخلاقية التى كان يتمتع بها آية الله زنجانى قال هذا المدرس فى حوزات مشهد للعلوم الدينية إن تواضع آية الله العظمى زنجانى كانت تعطيه مكانة خاصة عند الناس وكان الى ذلك يتمتع بطبع مرح حيث كان المرح يتخلل دروسه المعمقة ويمنع من جمودها ويسبب تلقى الطلبة لها بشكل أفضل.

وقال أردبیلی إن دروس زنجانى كانت تتميز بأنها تغطى كل الجهات وذلك بسبب سيطرته المتميزة على مختلف الفروع المعرفية القديمة والحديثة مصرحا أن دروس الأصول

والتفسير التى كان يلقيها زنجانى كانت تتخللها إشارات تدل على معرفته بعلم الاجتماع وعلم النفس وحتى بالفلسفة الغربية وهذا كان يعطى للطلبة مواد قلما كانوا يجدونها فى دروس الآخرين.

وحول اهتمام آية الله زنجانى بالشؤون السياسية والاجتماعية قال هذا العالم الدينى قال إن آية الله زنجانى كان من الأوائل الذين دعموا الإمام الخمينى (رض) وذلك فى زمن لم يكن لأحد الجرأة فى طرح اسم الإمام الخمينى وذلك أيام الشاه مشيرا الى أن مساندة آية الله زنجانى للإمام الخمينى جعلته يتمتع بمكانة متميزة لدى الطلبة والعلماء.

أكد المدرس فى حوزة مشهد للعلوم الدينية آية الله "علمى أردبیلی" أن العمق والشمول اللذين تمتعت بهما دروس التفسير لدى آية الله زنجانى كانت السبب فى إنجذاب الطلبة إليها قائلا إن ذلك كان السبب فى التحاقه بحلقة درسه فى تفسير القرآن الكريم وحته الآخرين على الالتحاق بها.

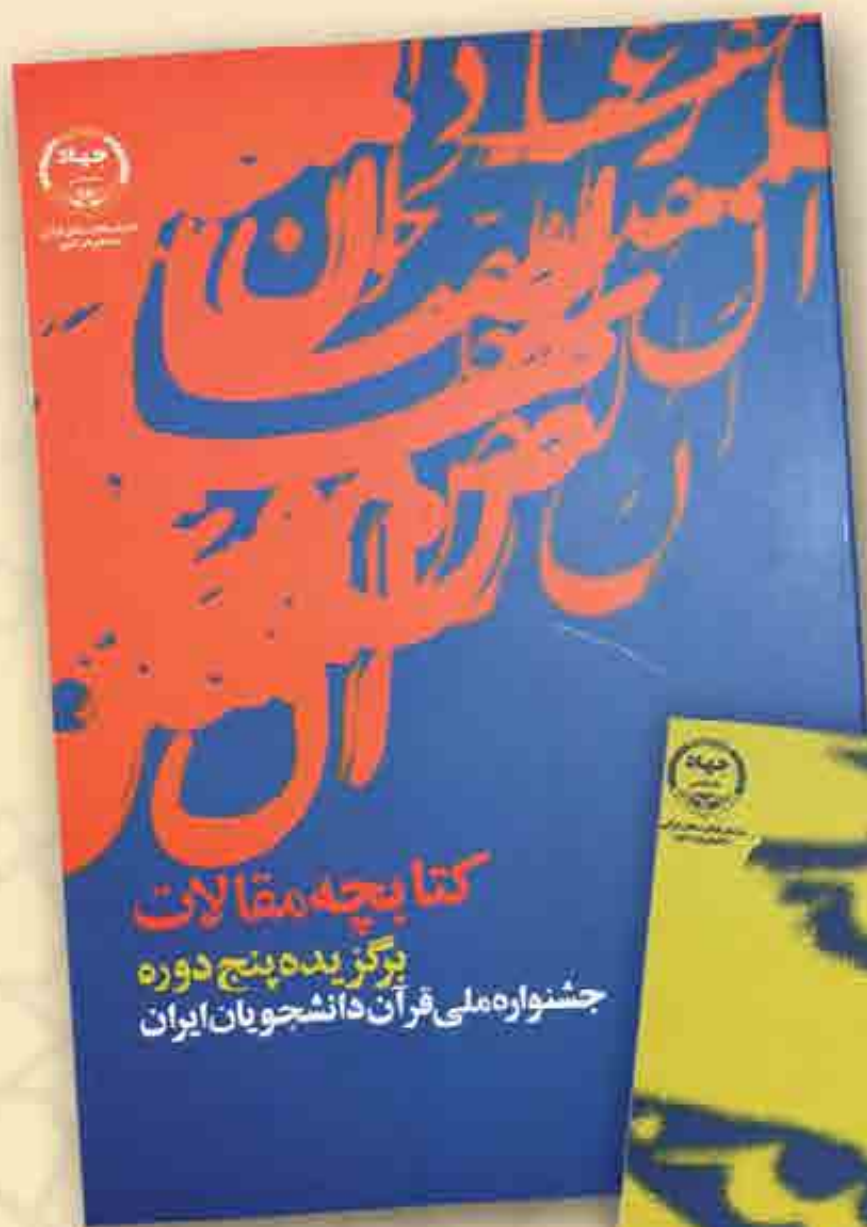
وحول شخصية المرجع الدينى آية الله العظمى "سيد عزالدین حسینی زنجانى" العلمية والدينية قال آية الله علمى أردبیلی :إن لأبيه معرفة طويلة بأية الله زنجانى وقد توطدت الأواصر بينهما حين كنا فى النجف الأشرف حيث كان والدى يستقبل آية الله زنجانى بمجرد دخوله النجف الأشرف.

وأضاف آية الله علمى أردبیلی أنه وبعد أن هاجر الى مشهد المقدسة ومنع من الدخول الى الأراضى العراقية بعد انقلاب صدام على حسن البكر وبعد ما نفى آية الله زنجانى الى مشهد المقدسة أمرنى والدى بالالتحاق به والتواصل معه.

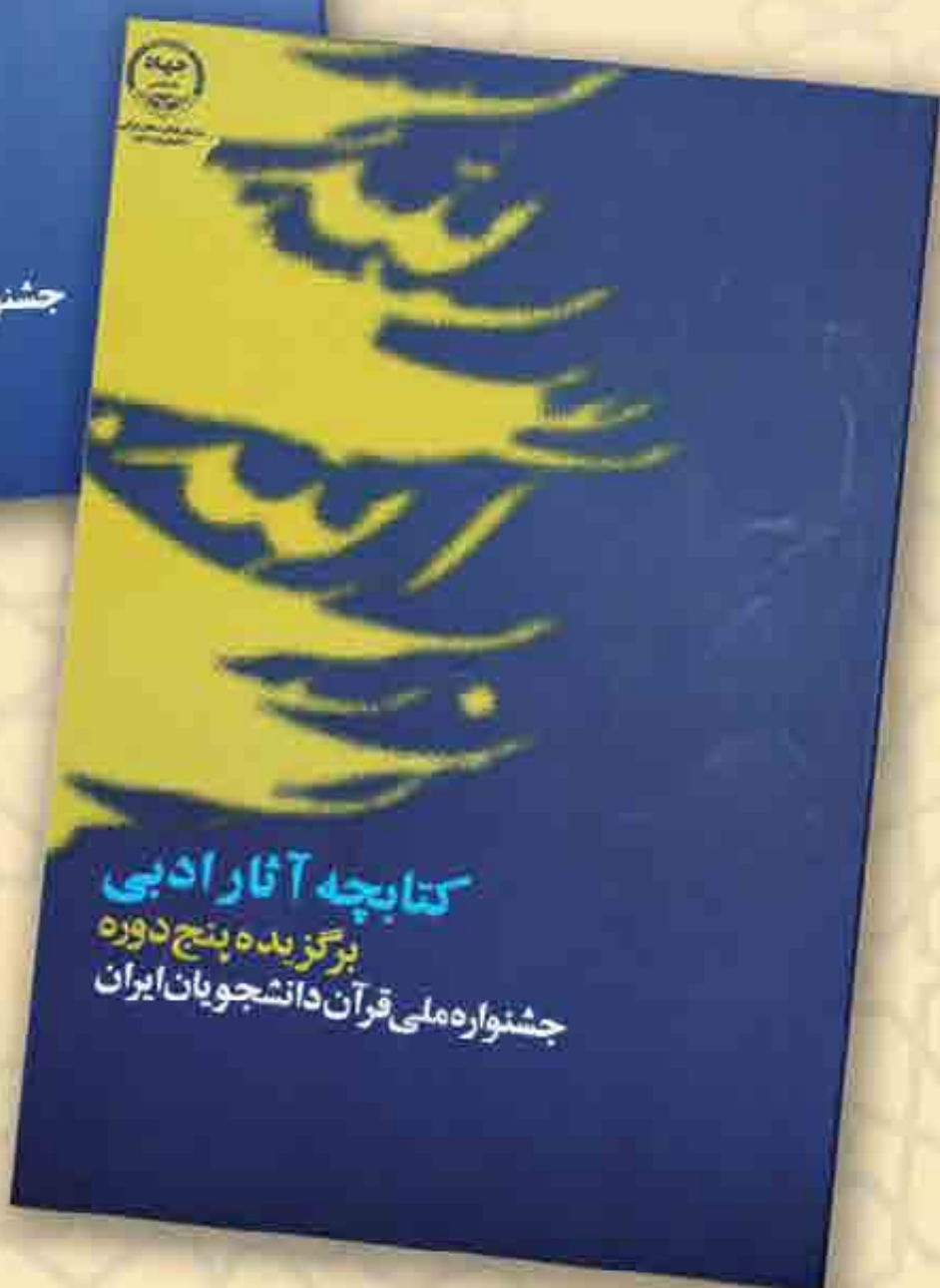
وقال أردبیلی إن آية الله زنجانى بدأ جلسات لتفسير القرآن الكريم بعد دخوله مشهد المقدسة وقد شاركت فى جلساته وأدمنت على الحضور فيها وذلك بسبب العمق الفكرى الذى كانت تتمتع به هذه الجلسات التى كان يتطرق فيها هذا المرجع الدينى الى مختلف المناحي فى النص القرآنى وهذا مادفعنى لا الى الحضور فيها فحسب وإنما الى حث الآخرين على الحضور فيها.

وفى جوابه عن سؤال عن مميزات جلسات التفسير التى كان يقيمها آية الله العظمى زنجانى وحيثياتها قال أردبیلی إن آية الله زنجانى أقام جلساته للتفسير فى العام ١٩٧٣ حيث كانت القليل من



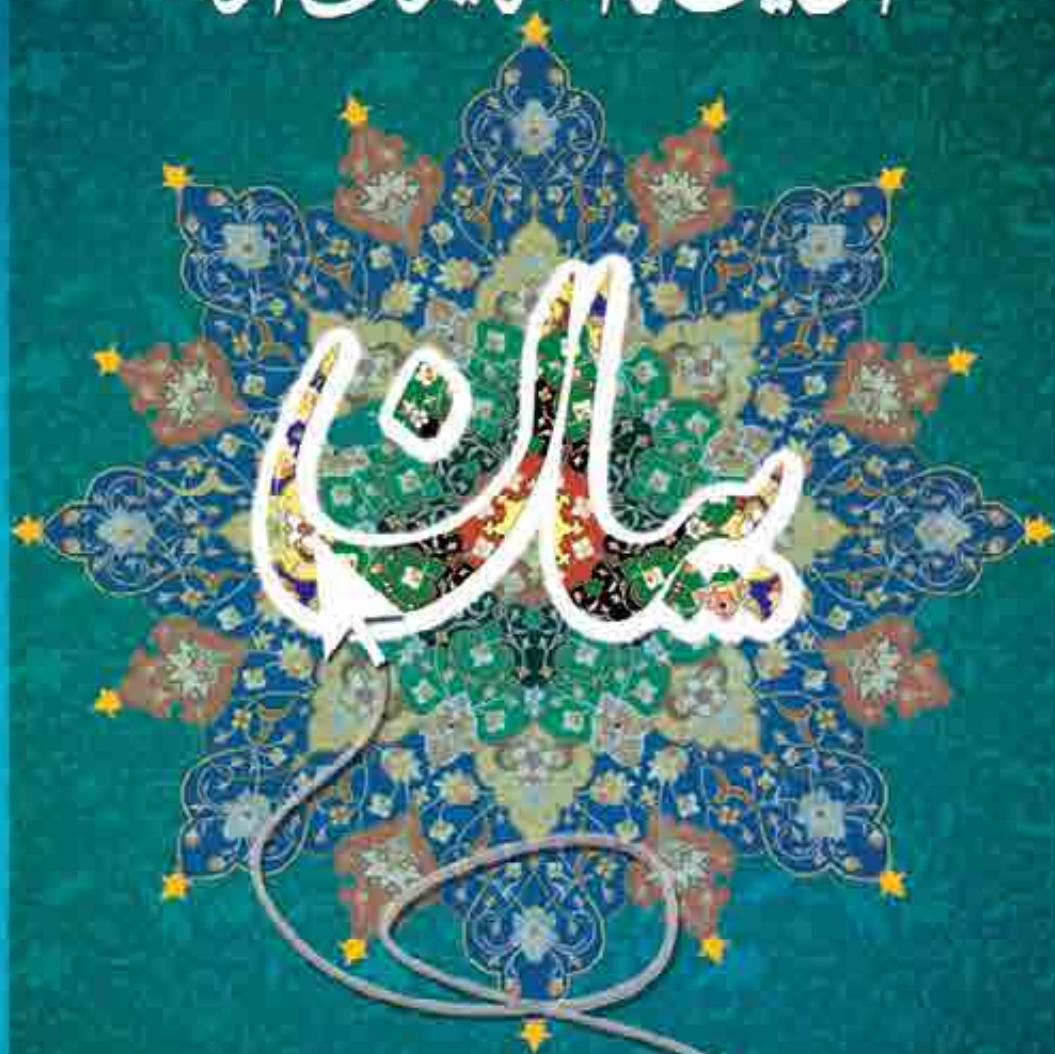


کتابچه مقالات
برگزیده پنج دوره
جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران



کتابچه آثار ادبی
برگزیده پنج دوره
جشنواره ملی قرآن دانشجویان ایران

اولین نمایشگاه الکترونیک قرآنی



کاری از سازمان فعالیت های قرآنی
دانشجویان کشور

برای اشتراک و مشاهده شماره های قبلی بیان
به آدرس **Bayanmag.ir** مراجعه نمایید.